

۳۷

نشریه امنیتی نقلای

۱۹۵۹ سر

دستورالعمل
نحو اکسپریس و پروتکول

نشانی امنیتی نظامی

مهرماه ۱۳۵۶

مقدمة

١٦

دعا !
این اینست و زیر پلیسی تھا کہ درود مجدد با سسوالت است.
گزد مانع سر میشور بپس مرد شاست.
بجای پیدا ہتھیں پڑھنے مطلبی رایخان اللہ تبر را نیم عقیم عده ارجمند.
دانہی مرد طب بات را بن فریہ اپنے عذان مقدمہ بیارد ک جملہ این کھن نہ ہزد.
تاہم از روشنی لزیکطرف ضرور تپر ہنہ چنان را کہ لنت را بن سری لزیک طریبا
محتوی مدر دنکفر را از ایامی ساختہ، بیان کوونکو ب عبادت دکھر سسوالیہ کی را کہ درد
زیر پلیسی در پانچ ہائی پروردہ کے درستھن این بنیاد کے بر عمدہ مادر دشمن ساختہ
دانہ طرف دکھر دضیفہ ای را کہ سیر رفق در جست لر قضا بکلیدیت آئی دار ایسیں نہ
بیان نہودہ لست .

* * *

ات رئیسی متصدی از پیغامروزی میرودی میگنند؟

اين فهرست را به دو دستهه متداول تقسیم مي دهد:

I- خود تدریس عالی در دلایل شناخت و مهندسی دکتری ایران اسلامی هشت.

۲- مردم تبر خدای این مرضی را باشند و این نفر

ضروریه معم را میتوان تعبیرت زیں بیان نموده که در اخبار و در فایل این
تفصیلی، تجزیه و تحلیل، جمع نبهر و استخراج مفون شدید رحکم سیکان خواهند داشت و این
حافظه‌ها نمایندگی تسلط شدید را همان تصوری که بتراوند پیازک را کنیکی می‌فرمایند با مفاسی
را حفظ می‌کنند و حماهند باشد و عجیب‌تری اینها نیست و توانسته در مردمی برآورده باشند
و از این روح‌گذار ایستادن یافته‌اند در راه از ادب طبقه کرکشان
لار شیوه اسناد سازمان پیغام دارند www.vajekan.org

- دشمن بچرا اور مکانہ پرسنل

دستم: خود را برخوبی معرفی کنید:

۱- فردیکه که از همین معتبرین نزدیک شدند:

- مدحی و ایجاد مرار طبق مسند از این حادثه کاری آن را بنویسید و مذکون سرگردان نمایند تا نتیجه جدت -
دستیابی به این میزان مساعدة نشود و نتیجه ای احوال براحتی کرد.

۲- فرود است اصلیع و حسن داشته، غیر متوجه نیست، ناسیع و ... کار شریعه امنیتی نقضی
که در اینست و مبتدا این فرود است این افکار و چندهد داشته است. درینه این این و حسن
آخر پیشنهاد داده از عدوان خبر ندارد و همه فرود است و لاره سازمان، اینهاست تا نتیجه و
... و خاست داشته و دلخیخت این از این و حسن عدوان تا این احتمالی نظریه مبتنی
نشسته احیت جستی و بجز دریا لر و قلن مبتدا امنیتی - نظریه و کار شریعه درست
نمایند و رجیم میں طرز تقدیم شده از خود رسانی و ... و مخفیتی خواهی برای داد و این
مسئله مبتدا از لارخان طلب خواهی شد و خوشیش فرود است از جمله محمد که در این درجه مسئولیت نمیقم -
فرود است ماره عده داشته، درجند و پهلو افکار و بوده است.

۳- فرود است گرسن و مقصیم بپزدی این از زدن ری عدیل ندزاع نهادی سایر ای معتبران
اصنیون چون جزوی از اخلاقی این درجه، درینه مسائل امنیتی در این نزد مبنیه باشد این مخصوصی
از خود را کسر میگیرد و عدم اجازه از صفات ابطال امنیتی نزدسته دیگر زمانی از اینها نمایند. و حسن
داشته و نایابیدر و فریاد امنیتی در زدن مسئله خود را که از نهاده کر روش بروش در لیر ای
درینه مسائل امنیتی - نظریه است.

۴- خود را که راست را خوبی و ناکیفی ای کسر بر مدهنه خواهی دارد بهمت ایجاد گردید که
تقدیر خود را مستقل نمود و از این داشته این از تطبیق منقیم، فعل و مفعول را
به ذات این داشتن خواهی دید و علاوه این دیگر از دیگر این از مبنیه که میگذرد زمانی دیگر
امنیتی و نظریه ای داشته ایست این خود را که درین زمانه از مبنیه که میگذرد زمانی دیگر
ارائه نمایی درین نکات از جمله بکسری امنیتی نظریه کنیم.

این‌ها از هفتاد و سه نوع خودی ابر زمینه‌است. روش تهیه فقره این‌ها مطابق با روش تهیه فقره ایشان است. اما در تهیه فقره ایشان بجزی اندکی را از زمینه سان ایشان از ایشان جدا نمایند. این فقره ایشان را در یک زمینه کرده و شرکه ایشان برای آن برابر با این مقدار تهیه کرده و همان‌گونه که در تهیه فقره ایشان بجزی اندکی را از زمینه سان ایشان جدا نمایند. این فرقه را می‌توان از زمینه که در تهیه فقره ایشان است جدا نمایند. این فرقه را می‌توان از زمینه که در تهیه فقره ایشان است جدا نمایند.

۰
حقیقت و معرفه نویز نزدیک این امنیتی از آن درست که بگردد نظر را امنیتی -
باشد اینجا فرموده است، همچنان رهبر خود را مختار انتخاب و فضل تمام رفته و مذکورین
بله بگردد از بعده اینکه دلایل شناختی شنیده باشد -
و من همچنان رهبری از این تقدیرات تلقی کنم، مکملی داشته ام با این فرضیه -
پس از این احتمال داشت نظر را بجهت طبقه حقیقی دارم و نظر را در پیش از حفظ خارج این
نظر را بگردد نظر را امنیتی معتبر کند.

فصل رادل :

ریشه یابی عمل تاکتیکی صنعت

نیس زیر مخاطی است که در سطح بینی از زرد هر دیده از هلقه کار و صرف نازدی
لکل تکین تنهیه و هم نشسته باشند - نظر من از این نسبت از آنجا که نیس زیر مردم بخوب
الترین جو بیرونی خود را تائیکی ایی است که لذت فردیت و اراده سرگفتی برداش
نیس زیر از این رسانیدن مردم در همان طبقه خود را تقدیر کنند - این
برای همین مردم خوش خواهد بود - این نیس زیر را می بینند و می خواهند
اعلام خواهند داشت - نیز شاهزاده نیز خوب را بخواهند - این ارادت را
بدرستی نظرات خود را دادند و این نیس هراه بنظرات استنادی اعلان
نمی کنند - و نیزه هم درست ... - مرقت هم قضا ای سال خدا هند کرد (ترجمه هم به این نیام
آن) خوب خواهیم گرد.

گردشہ اسٹری - نظم

جلسی خوبات اخیر از دیدگاه تاکتیکی

مقدمه: سرخ قیر و تغیب از سویه در زیرینه پیر ساز ایوان شاهزاده روده طی شش سال اخیر، با این گذشتگون - و هماره شکایت و میراثه زر- لایه استناده رسی قرار گرفته است.

در سال بیهقی وقتی رسمی از طبقه خسروانی داده شد و ملکمانی نخست سرخ طارزان بیدار کرد. قیقب طلاقان میر حرصه مجاہد شیخ ناصر صادق - و زید هم مقام را که بر راهت رازی طلاقه بیمه مرسی از تلاه سردارست داشت. صریح اول شور و شیخ ایں جزیک بود.

علی چهره رفتار رازیان - غیر میخواست این رفاقت را کنیتی شد - همین عامل میخواست این را از مکار آدمی تغیب دستور شد و می داشت و بسرخ اینها منداده بخطاط را سرده و میگوین تغییث را مدعیه از طلاقان اداه داده و گفت لفظ های همچویه هر زبان آنها هر سراسر قلم کردند و در راه داشتند. شاه

حقن شدن نشانه نمود در از دست پیرانه فرخ اول شور و بعثت از میان رفاقت بیمه را سرخ در شوئی شکوه ایوان سرخ قیر رسمی از طلاق آنها و دروده است بر رازیان رسمی. و مفتر مخفی از در بود که لغت را در نابیت داشت و هر چند میگذاشت باز پیر چند بود (پیر از تد بگزید). با این طب تغیب غیر معنی داشتند و در داده ایوان از دست رفاقت سوزده و گله سرخ دیگر را به جراه داشت. در اوانی هنر زن لیگیب در رخ - غیر معنی - بیمه نسبت بود. دستور با اینها بر پرتره ایوانی نسبت داده بصر مرد از اینها میگذرد و مخفی در بیک سرده و قیقب محمد در داده حدت مفتر معنی دست نمود همین هم رست که در اوان اگذگاه

و قتن نه هر سه دام ملی از بند خبر علی سازمان - فخر الد اسما عمل زاده - رالرس ^{گفت}
فرز - اور داده سرقا امیر و بجهاد سپاهی مردم شدین فخر تعلیم می کند - پیر لازان ^{گفت}
رام - زمزه - دیه می زاره - را دستور رتفیع سپاهی شدین فخر را - که مخفی دفتر
کنگره موده - اداره می دهد - رازیز تعلیم هر فخر نهادیاهی شدین فخر را رسیده و صدی
نمایت سبب خود - پائیاهه طبیه عنصر برخورد را آنچه فخر - را دستور می کند -
هزار کشی عرضه تحریر رتفیع دسترنی را داده اند از اسلام ایا می پیشیم و دختر
جذت همیز روز رفته رستمی همیز رهبر را به درختی راهنمایت کنترل می کرد
و در هنین ندت وزیر آنها را سرقا امیر فخری سپاهی بدهام اگر ام عذر می کرد .
هر صنیع این حیوان پیغمبر را شدند ایشان را نه دختر - و زخم سرمه تعلیم رفته را
مشروع کرد سنتی حیوان تعلیم دهندر مردم - سنتراست و هم احتمال زندگی را ان
قفت و قت و قت سنتی حیوان شد - و ردادر خود را پاک می کند دختر دختر ایپیز دختر
و زیرا هند هر را که رفت را در فلان تعلیم شد همه اند و رساندن تردد آنها را که باز
هم را خلاص تعلیم شد - لذت می داشت و در این حیوان رستم سپاهی امیر
و خداوند را خود را زندگان دختر - و خود می کند که در زندگان دیدم و شنیدم و می خواهد - کس
و زن میزبان دستور را داده است رهبر را بزیر ایپیز دختر را برخورد کرد و رسیده می خورد .
پیر لازان حیوان - دیگر نه حدیق نزد پیر از تعلیم عناصر مخفی را درست نهادیم . ده
ماهی پیر لازان حیوان دستور دادیم آنکه قسمی و تأثیمی کار را که در زندگان دیدم را می
کند دختر - و را کن لعلی از تأثیمی بزیر و تجا دختر مار رسیده را تعلیم کند و بالبرت
تعلیم را - که نسبت به امرداده بینه اند ایمی بر را - دو می یافیم و به توصیه هر سمع
سودن می بینی را فصل راست ضرور را بخواهی دختر آنرا داده و از تمرد خانم نویزا

امیتیه وزاده این ایده به بعد دستور مولویا به سعیر رسیک - سعیر حقیقی مرد را در عمل
گذاشتند. این حاضر قدر نبود فیض بین تقدیم آنقدر و تائیل (فرزاد) دستور دادند
تفقیب و ضدتفقیب است.

وزیر رئیس هیئت مدیره سازمان امنیت ملی را در دست داشت
آن ابیب هرگز است در حد این همفره بوده روط صد سارانه که وزیر را به
کام نایابی جلدی اندان زد را ایند در اینجا از این دو ایام باشد محق نیز هم
که از آن جهاد است دشیور سیو تا رکاران غصی و زیست بخود در (السنده ۵)
محظوظ نباشد همین محدودیت اصرار سلطنتی دشیور رضی میر علی محمد را دست
یافتنی را در دینه است اما دشیور را این رفتارهای بدنی همچو دلخواهی بر این
ظرف ابیب هرگز خود را ترقیت نمود از این دو ایام میر علی محمد را در زینه کشت
در شهر ییزیر و در هناده که بیانی صحیح هم آن را اینسته کردند این دویی در طبعه دشیور
فرد باده وزیر و قدر کرد و سلامت خوبی را این گفته.

در طول این ساره، تقدیت ایپ در شیخ زاده داشته و دستور رفتن

از پیش از نگاردن زندگانی ۵۰ مستقیماً در رابطه با کنترل کارخانه‌های ایپی‌دی صورت
گرفته است. همین ترتیب کارکنان ایپی‌دی در این زمان دستورات بسیار ناچیزی را
با خود رسانیدند و قریب بر اتفاق هزینه‌های مادر را برابر با هزینه‌های غیر کارخانه‌ی
آنها نهاده اند. درین زمان دستورات ایپی‌دی از این نظر را داده است.

نماینده محدود عذر مخفی و سمع می‌داند:

۱۵) - هنرمند رئیس دادگاه استین چهارمین تعقیب فراموشی هم بر رضایتی داشت که مردم بخود رفتار مانند این رفتار نهاده و جذبیت در حفظ آن بخود داشتند. دستور دادگاه این بود که خواه رئیس دادگاه از این کار که همه را نیاز دارد و قدر متناسب باشد، بخود دادگاه داشت. از این عذرخواهی متناسب باشد که این اتفاق از این دلیل است. از این دلایل میتواند این دادگاه را از این دلایل خوددار کرده باشد و اکنون این سودمند نیازی نداشت. این دلایل نسبت بخود دادگاه این است که این اتفاق از این دلایل خوددار کرده باشد و این دلایل این دادگاه را از این دلایل خوددار کرده باشد. این دلایل این دادگاه را از این دلایل خوددار کرده باشد و این دلایل این دادگاه را از این دلایل خوددار کرده باشد. این دلایل این دادگاه را از این دلایل خوددار کرده باشد و این دلایل این دادگاه را از این دلایل خوددار کرده باشد. این دلایل این دادگاه را از این دلایل خوددار کرده باشد و این دلایل این دادگاه را از این دلایل خوددار کرده باشد. این دلایل این دادگاه را از این دلایل خوددار کرده باشد و این دلایل این دادگاه را از این دلایل خوددار کرده باشد.

بوده باره دین روزگار نیست - روزگار صدیقه - لرمی و مده - پلیس سفقة فرا - راجعت گفتند
جایی نمید و هر دین روزگار صدیقه وارد سفقة نمید - عبدالله از تحقیق کاخ هزارادا هزار دران
دارم - دین می دهد - دشمن - بی ردمتید روزگار صدیقه او - القعیتیب حی کنه - روزگار
پیران از اجراء این قرار که روزگار هر دین عبدالله نمایه - هر سرگردان دین روزگار هر روزگار
بیرون فرهنگ آزاد - می درد - در سرگردان قرار نماید درگز دشمن - هردو را دستور جانش
نهادن نخست - تبر - دشمن - از عقیقیت عصر عصی دفع است - همانجا نفیت انجام می نماید -
درین تبر چه دشمن - دشمن خضری ده بیهوده ۵۵ - در در رابطه به جمهوریه مردم ای خلق
که هر دست میلود -

۱۲ - قرار روزگار سیمین - صاحبه بترطیب سیمین است لرمی و مده که دشمن از سرگردان
عقیقیت روزگار صاحبه می پرسد لازم - روزگار صاحبه که روزگار همین سیما شن نموده میل
از همین قرار هم روزگار صاحبه احمد اسدیس تا هر سیمید روزگار صدیقه و ز طلاق
که بیسم از لذ روزگار - قرار دشمن - سلم شده و فرد را دست مده تا کیز راه طلاق او
نمی بیند - اینها دشمن - هردو روزگار راقعیتیب می کنه مانند که سرمه نقشی شده
که کوئند خود را از زمزمه خیج میزند - میتوانند اهل عصیه روزگار از هم جدا می شوند -
داشمن - روزگار صاحبه را دستور دلیتیب از روزگار صاحبه را ادا می دهد تا بسته باشد
که دشمن روزگار داشته باشد - روزگار صاحبه دشمن خودش خودشی به دشمن - بین خود تهدید شد
که روزگار عصی از عصیتیت بروزه دشمن - دشمن خضری نمید و -

۱۳ - این عقیقیت دلیل خود داد و تکمیل دشمن - از زمان هر عصی دفعه هر آغاز عصیتیب بر
گسترش دهنده تراور است - در طلاق تسبیح دار دشمن - در هر بوجده دستیاب برآمد - می (ز) روزگار
زمینی افراد که از مدد می داشت - و روزگار در میان عصیتیں عصیتیں - تناسب است از این دند

سال ۱۴۰۰ می خورد پسر. از نظر آزادی محی در تبریز و دامغان برخی را بین خود بگیرد.
نهسته، تدقیق عناصر حقیقی دفعه را ریک خضراء کی می بینند و در جات آن دستم؛ آن داره
کل خوبی می بینند لایه همان خود را در ده میلیون غذه در پرساده ترین و سرمهترین راه - عمل اول
کل خوبی - متوجه می شوند. دلیل بینه دستی این بود که در خلاص پر از تسبیح خوبی شنیده اند
که از این عملی تدقیق می شوند. عنصر را کب کرده است دوباره این را کب را جذبه
کنند و خطرات نیز بینه دشند و تبریز آن را بین خود بگیرند و می خواهند.

شیدان نکته که در پیوند تحقیقی بین صفتیت و دلخیستن تجویی دکتر نادری خود را برخی از تصریف کار در در میان تجربه دلخیستن در فرد دیگر را به منظمه می‌نماید. می‌بینیم راهبردیتیه و لذتیه همکن میان این دو اینست. مستقبله از این زندگی می‌شود. این دو اندیشه اند نظر و اهمیت تجویی این تحقیق را باز مردم - اینسان می‌توان سمعی داد.

کمال سیره در مردم صحبی اسراری دارد
که نسبت و میز خود را بسته صیغ باز رانند که درست ایش داشتند بر همین میگردانند
و دست زده بمن و میز خود را دست دادند و دست دادند. استناد اذنی پنهان است (۱۳۷۰) از مید ر
آنی بعد در پرون ایش (رازنظرگش) مجدد دلبرون را مدنی از آنها را سه ایشی هر دو تجربه
کردند از سر قرقره در مجموع دست صفت که رایی ایش داشتند می توان دست
عده که کاری از آنها درستند باشند صرف چیزی (بصیه چیزی علی) از در خلأ سایر آنها و آنها
نمودند. این نکاتی در دستور را سه ایش را طرح نطا من گفتهند. خواهانی در پرون داد. مردم چشم طی
دالکه مستلزم در فرسوده را زادان بودند و درین عالی سالی فدار میان ایش را ایجاد کردند
و در طی رسیدن ایجاد میگردند. پس از اینکه هشتاد نهادن را ایشان را میگشند چنان
که در ده بیان گرفت.

این طرح در سالی هفتاد و دو انتظامات نزد کارمندانی که بلافاصله منابعی را داشتند،
نهضت مدنی آزادی داده بودند. بیان اینجا مسیده در سال ۱۳۵۰ این طرح را کنار گذاشتند
و از اواخر سال ۱۳۵۰ تا پیش از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ مسیده در سال ۱۳۵۴ (سرخ پر) تعیین دادند
که لفظ «افزار امن» کمی دستیافی الیپ (در رئیسی نمود)

۱- تکامل تاکتیک تعقیب در سال ۱۳۵۷ :

در زمانه تعقیب عدو تکنی ملحق در طی سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ در ریاست جمهوری خدمان نمایندگی
بخدمات در مردم ریاست جمهوری، مردم ایام روزگار شیوه ایام جوان در دست داشتند که دستیافی
از میان آنکه نتیجی می‌باشد از خود فرماندهی پایانی این قدر دین از همان ریاستیان به باشیاه در رو
آمد افسوس داشتند که قدری از این طبقه افسوس مسیده بدلیم از
جهات طربوت دشیره دینی سازن اهل سال ۱۳۵۷ محقق شده عموم است: (در شیوه ایام
بخدمت هرگز دارند) این این طرز (عمر) است بجهت علیاه که بوده و هجرت مسیده به باشیاه در
آنکه مخددا را که تجیع رسانی ملک زخمی نموده، هصرورت می‌گرفته است.

هر مینز و نشان ریاستی نه به مینی صادر نمایند طربوت و نه همچنان ترتیب ساده آنکه
آنکه اعلیٰ مینز و نشان ریاستی، و چنان سرتیپ و رجیس مخصوص سران و تبرون است و دقتاً

آنکه اعلیٰ هر جرأت می‌گراییم بگریم که این سوت نه سرتیپ رین همین همین سرتیپ
در هر چند صادراً مانع تراکمال نمایند و این در صورت تحدیث صادر نه همچنان ترتیب ساده
آنکه اعلیٰ هر جرأت می‌گراییم بگریم که این در صورت تحدیث صادر نه همچنان ترتیب ساده
آنکه اعلیٰ هر جرأت می‌گراییم بگریم که این در صورت تحدیث صادر نه همچنان ترتیب ساده



فیضیار را بخوبی کردند از همان از عمل ضرور می‌گذاشتند و از آن سیان شده بودند (سیان) ۴۵
نمودند آنرا دندان خود را بگزیدند و درست دارچینه نشان دادند و درین
ایام می‌گفتند طلاقی می‌نفعیت آنها بود و اینه آنند. صرف نظر از فرمودن خانه طلاقی هم خود را
نمی‌دانند از این سیان ۴۶ که جوون نفعیت آنرا از زلزله مخفیه نمودند دندان خود را بگزیدند
ششمین ۴۷. اخبار مدعی درست داشتند میان آنها نفعیت خانه طلاقی هم نیست.
از مذکور روز تا پس تکثیر نشان دادند و مدرسه مذکور را می‌بینیم از همان
۴۸ تبریز اخراج شده بودند درین خبر داشتند همچنان همه مردم طلاقی، مذکور در
آنکه از لشکر تبریز هم درست شدند و میتوان آن درست کار را نهاده باشند از اینکه از اختری سیان کردند.

۴۹ بخشیه ضرور تجویز و فروختن می‌بینیم که آنها دست و دستی همین مدت را تربیت
۵۰ از آن را می‌گذرانند و از راستا می‌گذرند و از آن را دادند. امر دندان ۴۵ که دست و دست را
بگزیدند اینه تجویز خودی است. از نفعیت بگزیدنی نشان دادند. بحث خانه
طلاقی می‌گفتند می‌گزیدند و می‌گفتند خانه طلاقی هم خانه طلاقی می‌باشد. اخیراً نشان دادند
که شده در وقت از تولد بگزیدند. می‌بینیم همین سیانه ایشان - شده و ماه می‌گزیدند و قردن.
گفته با اظهاره دو زنگنه بیشتر ناید میشند و نکاح می‌گذرند و دست و دستی هم می‌گزیدند
شده از کوکه از زنگنه بگزیدند. این می‌بینیم در مردم و صولت برای طلاقی انتشار نگردد و مدهما از

۵۱ تکثیر نکند. همچنانه فرمی که دست و دستی همین که از زنگنه بگزیدند بودند شده و بگزیدند
۵۲ هر چند که همچنانه فرمی کند. دست زنگنه بگزیدند در مردم نایز قبیله تکثیر نگردد. بیقسم. مراسی ام
۵۳ هر فرد غلط درین میشند تا نیازهای خود را غلط در درون سیان رهاشند نه فرمی همیشی
۵۴ خیشند از نکاحی می‌گذرند و همچنانه عجیب همیشند

باید این دو کتاب را در آنستادت نظریه و آنکه میراث از رسیدن به صورتی برداشته
نمی‌شود این امر که بحث در باقی اینها مانند اینها داشت باشد اینه داشته
نمی‌شود. صورتی می‌شود.

۳- اخراجیت لکی و تغیی ایمه‌ها رئیسی کمته:

درین ۴۵ شده از این کمی و تغیی ایمه‌ها رئیسی کمته به نظریه نظریه
از مردمان بمنظر رسیدن به عنوان صفتی هستیم. از این‌رو در فاتحه بزرگ طول ۵۳
نحوی پیچی فرمه از این می‌گذرد اینم رسانی ۵۴ در پیش مردم سخن می‌زدند
رسیدن این ایمه‌ها با نظریه نظریه این ایمه‌ها نیزه است.

دستور فائزه می‌زدندی در فروردین - رسیدن دستور رفعت ساده است و
ادبی است. دستور و منا رسیدن از احتماله رفعت رسیدن در مرداد ماه رسیدن دستور
رسیدن پروردگار و می‌صدید آرام لر دستور خواهیان رسیدن از مرداد آذربایجان رسیدن
رسیدن و از مرداد او افرادی همی‌زدند این ایمه‌ها این ایمه‌ها نظریه هست
نحویه است هر چه کسر دستور که درین ۵۵ فروده ایم رسانی روایت خلاصه می‌شود:

۱- تا سر قرده مردم هی: رفعت حمزه بن الهم

۲- تو سر و سپاهیه مرآزاده: رفعت رسیدن خاطر این حمدله رفعتی

۳- فردادن که باض خدمه خدم رحمات تائیت کر ادیه مرجد در

۴- سوزن - ولوده پیشتر مبارکه از مردان و توانی پیشتر دستوری داشتند. می‌شوند
دستوریه رفعت رسیدن بمنظر رسیدن لقمانی بر مصالح رسیدن از صفتی این از همه پیشتر فرود
فرود آمد رسیدن آنچه شنیده ایمه‌ها را که درین اشاره ادی طبقه کارگر

لش زدن، لزیلدر میکنند و قرار داده اگرنه فراز و بطری خلاصه درست شد و در این روز
لذت گشیده ایم: رفته ایم به باغی - خیر خادم ... حاج حیدر غیردان و همسر سردار ...
و عایت نمودن کاشت دو فراط میانی سازی: من شن درست ناشاب
و شنیدم برای خود است نظر مرتفعه کشیدن هنگام تجربه پائیاه رجو شده ایم و ...
بیکاره لذتی و سلعته ایم
در این مردم خوب شنیده همچنانی از قطا امیر تسلیم را در خود جم وارد داشت
شیده است و درست شد و در در در در ...
لذت اذکور در:

رفتن اسین روپیسی پیراز محبوس ... عذر نمی تند که متبی سازمان را در تجریش زلان
کارهای پر کاره شدید و لذت داشت اما اسب را از شنیده اعلاءه می خود و طالعی کفر
پیش میگیرد میگله ... رفتن و شیر که خواهد پائیاه را بدلی عدم ... لذت رفتن اسین
که میگویند خوبی کند رحل آمدی من رفاقت بمح این کار را صورت به عده) روز مراثی که
شد دلخواه رفتن اسین جو پیش بیش از سیز شده ... رفتن نگداشت ... همچنانی
نمایند لذت داشت این نه بده لذت ایست ایست ایست ایست ... همچنانی
خرج شده دو ماشیر گردیده ترمه کشیده باقیه ... سیدر مردان قصیده می خودد حال آمد
می بینید برفشیان ماسیر ... بناهه رشید شدید مرتبه ایشان را از این از میگند ... میگی ایست
رفتن با این کاره بمنصفته پائیاه ... ارداده دهد ایشان را کزد و مرد داشت سلعته ایشان را بسرد
و پائیاه ... لذت درست شدید اسیری شدند.

۵- خوب است تقدار من: شفیع ن خراسانه رفتن شنیده علی چهلی - رشید

نقدانی رئیس خانمی و دستیار رئیس سهیه سر بعلی دستیار منین طوفان اسلام
این پدر صاحب نیادر ماده از خوبیت مادریان ۵۴ - سفیده از درگاهی.
غیر قدر فقر آن فقط صفتی است که از آنجا خود را خودنمایی میکند سر ذوق سفر برده
خریدت مادر ناچیه هر چهار گل تیک نادهشت از ۱۰ تبریز آزاده شد نادهشت باشند
نه که بقایت احمدیه دایر خوبیت باز از این کامیابی ایشان هر گل است. ولی مادری
که این نیز رعایتی هدیه هر را این کامیابی ایشان هر گل است. ولی مادری

هزهت رنگت رندامی نیز که منقیمه دارد اینکه هنتر آئیپ هر رشت هاش بجز
آن سلطه نیز نه در مرد وقت رئیسیه بعدم خانی درستی (از این قبیل بود) را نیز در مجموع
به هنر فن می دهد که آئیپ در رشت به رنگه در سهر داشت که کمی با پیزه را شد و
آن را در کارهای خود داشت. هنر فن را از این قبیل داشت. هنر فن مودودی
آنها را از دنیا خارج نمود که این را از این قبیل داشت. هنر فن مودودی
آنها را از دنیا خارج نمود که این را از این قبیل داشت.

باورمن از صفحه متن
متوسط - طبق "تقدیمی" پرون این فرمت جان سی سیست که ملاستنی از داشت هاست
که ملکتی رفته می‌شود، اثباته تأثیری نیست، ایدئو رویکرد نداشته است. آن
که این اقسام را درستند می‌گردند و باید از زیع فرمت هستیم و این برآن سیست که در فرمات
که ملکتی همچوی شدید نهاده است و مشترک رسانی بطوری شدید است که ایدئو رویکرد آنها
نمی‌گذرد. این فرمت را که در صدد تقدیم در آن خلیلی داشت هست این عذاب هنر نموده ام

بررسی تالیفی ضربات جنگ در سال ۱۵

از استار ۵۵ درجه با محض بهره از نتایج تعییب دستور داده بود که
نهادی از راهنمایی این ناچیز آنکه داشت در متن اسناد عناصر صنعتی ملک و با اثنا و بیش از
تلقینی فرمان تئیین و کار آزاده دفعه محدود افزایش تعییم می شود و بعدها در هر ۳۰ کیلومتر را در
تعییب اتفاق بیاید و از سرمهی که از طبق نفاذ مستقیم و غیر مستقیم باشد عناصر
آنکه در ... از آنها پس از اینکه مستقر شوند.

میخ استفاده می کند تا هنر لکت شدن کنترل را - در این بحث از زیرت مفتر
در زیر - تحقیف دهد. در واقع دستور این بحث در حقیقت در مردمه داده از مدیر - قدردان
گذشت - از مردمیت دستور داده مردمی داده از مدیر خبر داشت برآمد، و محمد در راه
شناخته شد و راه را از مدیر را سلطان نداشت و خود دادرمی در زد. سنه را بهتر می سلطان نمی
نماید در دوره پهلوی سرانه خلیج راه را نمایم و روی هم از پیش سرخ بازی خواهند
بازد چنان را شروع کرد (۱) آزادی طلبی را بله آنها: شروع میکنند و اتفاقاً میگذرد سنتیم داده...
این نکته را می بینیم که آزادی طلبی را بله آنها: شروع میکنند و اتفاقاً میگذرد سنتیم داده
که اینها هرگز هرچند و سرخ پرور را بپسندند. علاوه بر این از این هرگز بین
آنها شده فتنه ای را ایجاد کردند (۵۰-۵۵) علیهم را باید قدردانه... آزادی داشتند
نه بتوانیم در این روزهای از همین اینها میگذرد اینها میگذرد اینها میگذرد
از آنها میگذرد را سنتیم (در همان زمان بین بردن) بطور تنه از جو، و صفت خانه
از تیاهی قدریم، سه نیزه ای روزهای اینها میگذرد اینها میگذرد اینها میگذرد
آنها میگذرد اینها میگذرد اینها میگذرد اینها میگذرد اینها میگذرد اینها میگذرد

بوده‌اند باز زندان را مستحب و ملاطفه هستند همان تجربه علی - شیخ صحن داشته‌اند درست

هزار طینه نتیب تکی وزیری عذر جهاد اثبا، رسید.

اندرازه روابط هنری می کنمیت و سرتی اولیه را به دستور چه هد. کرد تبعیت حکم کار

پس پیش از آنکه بگوییم که این مقاله در این سازمان - خیرخواهانه نمایند و در این

سینی اسرار اعیان است سازمان بردازی در نشیم میدن پنهان برگزیر همیج آن بود دست و جبهه

لی و ... شاهدیم - در بده تکمیل از این جمله است که در قدر فدا می نمایند هر سفر.

بـلـنـاـكـهـ دـرـكـنـ آـنـهـ دـرـهـ بـارـتـ فـسـقـيـ كـامـنـ دـادـهـ وـتـكـثـيـ دـرـخـلـنـ رـاسـنـ سـبـاـ

آن از تایید نهاده، صفت در خود را ثبت سنه و ملکه نهاده و...، رئیسیت دهنده با

استناده از سهین دشادیه، همی احترم شد نهست، عدم کنسل و فبرسی در... رفقار

دستوری از این آنچه میتواند تواند بزرگتر کردن یک داده از صد علیکم گذارد.

لجهوده فیض خوش برداشت نمایند وارد آورده از سوی یک تکنون روحانی خوب است

قد از هم رهبری نکلا از برده سعادت باشند و به دانستهای سخت زست

تر، پر - در هفتاد و هیجده مرز زدانت هیجن کادر مکنند - در نیمه دهم

(۱۱) - مکانی را در پیش بگذارید و در آن مراحله مردم شنیدهای و نیز مل دشمن را در آن رفتہ بودند.

۱۰ با این دلیل مهدی محمد امیر سلوانی سیده دشتر جهود شناختی که از مردم رفته امیر داشت

سناک از عمل کردن دور از خرد امیر و دزدیده ببرانه و ناه هدایه اسرار را که درین پیش بود.

این مارکت را همیشگی این مارکت را باید در نظر داشت و هدایت این مارکت همچو
نمایندگان تولیدی

۱۰۷- ف- خ- انت- م- ره- ز- ن- د- ح- س- ف- ر- ه-

میل و ملت تاریخ از زمان تدوین را ثبت داریم. بر خود همراه در مرح عاج نشسته رانیز
لایه خود را:

در هدایت اردبیلت آنچه راه و نیز تاده می پیراز خبر تیره رفتار مذاقی
شده دستور در خرداد ماه همینه مطلب را آنده رگو شد و کنار شهر بین خود ران دکن
داریم رفته و در مس رده ای صریح مخلفت تا حدود دانمه صنیعه همان حرمین ترد
پیر و شفیعه مده داشت و نیز اعظم بزر اعظم آنها را که ظاهرآ خاتمه نقدادنی داشته
آن در نهاد رهیم اجر اسرار اراده و لذت و رشید شفیعه ... هم اما اندافته بازی در مطلب از

آن ذهن صفت:

و سفر آن خوب اردبیلت داد رفت روزانه . عده نیز در دلیل را در خود مگزد
و شفیع سفر روز هفت را نیز (مرغیه) داشت و شفیعه سه کاشت و امداده است متنه
آن ایشان در این مسیر در متندن بخت لذتی در گزینت مجدد داشته اند از این
قرارداده لر می خوب بر اینه این آنست (را اصلح کرد، بث) تا بعد از آن مقدار
دیگر راه این ایشان که در مسیر رفته و نهادن دیگر راه را از دستور داده
از دربار گل سرمه نقدم کرد و به از دست سفر شفیعه دیگر افتادن کل طبع
آن را شده ایشان در فیض ایشان را نیز کشیده و می نیزه ارد

(۱۱) دیگرست ایشان در فیض ایشان در فیض ایشان این اندام هم عمل در ریت عصر نهضت شاهزاد
آن که اینست که چه بوده و در قرآن این مگزد است . این اندام داشت میزد که از سرمه همین
مسخر نمودن خود را از دست سه مبلغ داده رفت رهیم شیاهی و بر ریت رفتار و بر خانه داشته
آن اندامه بیانیه (روت داشت داشت داشت) سرتیاق اندام هم تغییه می نماید و رهیم شیرین



بازگشتن خود در رصیان اسراییل ناچار شنیده باید باشد. اینست که
پکاره شده کار آمیزی بی فیض ایوب را آنها تنه داده باید با پروردای هیئت ایوب
بیت!

پل از فراز این بیت ماهی ایوب دارد. هفت کلمه سفیر شده از
در فیض بینه و کوت می شوند. این ایوب که در خلال جهیز تعقیب چهاره بیان از این فیض از
نمایی را شنیده و اینها عذر داشته باز آنها کوئی شنیده اند و در صورت این تردید این رفتاده
آنها باز هم در خلال تعقیب شناخته شده اند که این کاره داده دوست بد مرد پروردگار آن را در حس

قطع خواسته.
مشخصه ایوب که از پیغمبر و فتن
خدمت داشتن منطقه علی - سرمه در تردد و نشانم سفر سکان کرد و داشتن هفت داعنه
سفیر داشته دهد و خود منعی امکان درست هون علامتی است که بیت افزایش شده بر کوه
آمی آنها درست بد بازگشت از نهادی شده است. سفید آذان بیور و نقا فردانی بجا طا
ظریست را سمعتی از این نیزه ایشان میگردند بشرتی سن و کوت را در شور داشته باشند و
از ایندو شیرت از هر زمان و تو در پر فرد و در سرمه قدمی این پر زندگانی دهیز جه ایشان
پر زدن. سرمه داده پیام را در نیمه اول سال ۱۵۰ بیور خشم داشت فراموشان در سرمه داشت
شنبه ایوب از راهیں داشت، خربه ایشان را زندگانی ایشان را داشت و دشمن شفعت

دشمن از ایشان بیتی ایشان سرخ استند و میگردند بلذ از داده آنها لرزند
خواجه شفعت و تعقیب سرمه داده در سرمه خالی تعقیب به احتیاط زیاد کوت شده و
بوزیر سرمه انجاد که به محل صیانت مردمت هزار زندگی سرمه گردند. سرمه همه جانبه
دشمن باید دشمن را منسخه خودی افتد و سرخ دشمن کوئی سرمه نداشده.

میباشد. چند در رشته شده در سید در رشته شده از این دانشگاه خواهد بود و بجز اینها
همه آنها نه تنها در حوزه علوم پایه هستند، بلکه در حوزه علوم انسانی نیز هستند.

برهانی و سریر. سپه از آنها هدایت کرد که هر کدام موارد هر چند که کوچک باشد می‌توانند از مقدار
کافی برداشته شوند (از نظر سرینی از زیستگاهی) بدهست آنکه در اینجا هم همان رسمیت داشتی
که داشتند) و تقریباً سه تا نیزه از میلاده را می‌دانندند که این تقریباً این تعداد است که در همین
اصد کوتاه هر از نیزه ای که در هدایت که صنف در این میان از این رسمیت درین امر مذکور می‌باشد

چه مدد عینی بوده دستت تری ضربت هم سرتاشه حبیان آنکه راه در این دست
است هبستر باز آن دارد که باقی بر مردم است بمنتهی، سین هبستر بر قدر دارد
که جای خود را از آن کاربرد مردم غایانه و خرد است و نه از از این فرض عدم صحت است
آنکه حق و صحت هبستر هم در بین افراد این دعایانی تری مبتلاست سازمان خود را
حقیقت داشت هبستر بسیار زانه، از نهاده مردم توجه اقدام محمد در قریب به بستانه
که تجوه راهان کاربرد کده آخرا هم دید که در مردم سازمان با هرگز بدان دست
نداشتن این دفعه که دستور داشت خوش رفت خوش رانه پیش از حد هبستر رانه و در این سرعتیں
شغف رعنی رهبت رفت و یحیی شمع صفاتی افسوس از سازمان پیش رفت و این حقیقت داد
الدرهم و مبلغ درم (سینه استوار) مصاف است.

در فهرست این در دفتر و تعيیب محمد و همیر سازمان چهل هزار سینه حقیقتی داشت
که تعدادی مورد داشتند. پیش از این فرموده خود را از کانال الیپ در تئیه اند
اداره می داشت.

اینست بورس تائیی ضربت وارد برسازمان چهل هزار سینه ایشان حقیقت در نیمه اول سال
پیش در دویان اسراعت، خط سیمی داشت. در بیان این حقیقت دهندگان ایشان اول سال ۵۵
قوه سینه را گذشتند:

با دفعه مردمها هبستر تیل
۱۳۱۴-۱۳۱۵: در هفتاد و سی دفعه که دستور امداد امور از این راه برخواهد ۲۰۰۰ - هبستر - در این مطلع
که این ضربت دستی اینها در خود رشد و گستاخ شده و در هر زیاده هبستر دستیه اول سال ۵۵
قد از این که عمرها شلی ناچیخت زدن و خلاصت خود را ادارند. پیش این دفعه در تئیه از
این امر: پیشتر بیک فاطمی هم جانبی معرفت داشته است.

۱- سرخ پیر رانفرز متفهم با غیر متفهم هم می‌بیند و آرزو دارد و خاص
و متفهم شده ...)

۲- تغییب و نترنگ سرخ نیز متفهم بررسیدن همراه در درون هارهای
گشت یا چاهه، بسته و سرمه در تردید دارد ... رانفرز متفهم در زدن

۳- وارد آوردن یک فرج شدید به کمک نفاط انسانی شد.

۴- هجدهم ایکیپ دفترش کمیته بخطاب زیر متفهم برآورد آوردن فرج در عقایم

وقت و تغییب و ...

این ایکیپ که با استفاده از شناختی که از قبیل رعایت و سرمه در تردید آورند، فکل تغییب
ایکیپ را در مسیر کمیته از زمانه تغییب نموده اند. دنبالی هدف از رانفرز تغییب، محدود و متفهم شده بار
آورده می‌باشد و در نهضتنام (شصت) هفتاد و یک رانفرز بدین رخداد و محدود برآوردن
استعفای هجدهم باشند از خواسته متفهم را نهادن کار آغاز نموده است.

۵- بود سی عقل ناگفته مistrat طرد برسازمان مادرسال ۵۵

و تکنون حظمنش بکل دشمن را در تدبیر و مبنی طی سال ۵۶ - بود سند برگردید،
بربر خودست و اراده برساند اینها حل ایکیپ خودند. مسیر را زیر:

ستین. خود علی دشمن سرخ آنرا برآورد نمایند طبقه رانفرز سرخ آنرا برآورد پیش
قرار داشتند ایکیپ بکل دشمن از:

۶- از طبقه آنرا برآورده رانجام و هسته

بهم از طبقه ایستاده متفهم باشند و پاسی

۳- از طرفین تهریه مکرده اکثریت « رسد مبارزه در راه ایوب درب صحبه کاره »

۲- لزملرلۇق لرىتىاط مىتىقىم باڭرىۋە ئىلىسى:

رین شنیده جلال دهقان که تا سر بیه و سفیدی بازاران را شد است، برده می‌شود از آن در دور از ایجاد قرار گیرد و از آن طلاق مرخی بود است یا من می‌خانم.

روزی M را بودجهت ماه ۵۵ میلیارد دینار قطع ارتباط برقی دهستان آسرگرفته
و ادراک روزی ۵۰ کامپنی می‌گند و ارتباط سیم طوسی را با در قطع یکند. روایی زمان
روزی M هیچ فرد مددگار نمی‌باشد و آن روزی ES را برادرانش قرار می‌زند. روزی دهستان
مددگاری شده‌است می‌گند. روزی ۵۰ هیچ میلیارد لیتر آب از احوار قرار نمایند و لاست سلاستی اسپر را برای خفتار
بینیزی داد و بیدار می‌گشت و دهستان اداره‌ای دینی. میلیارد لیتر آب از احوار بختیز. قرار داد
لعل ملاست پیر غرد مددگار می‌باشد (ناعتدل دینی نزد ورایاطه) تعیقیت می‌گیرد
در ناحیه بین رودخانه‌های دهستان عقداً روزی هیچ سفیدی را دیده و با در ناسی می‌گیرد
و زمین ماسنی می‌دهد و پس از در خود اشده، همار او از افراد قار دهستان می‌گردد.
بر اثر تهدید مکتوپ نزد مددگار در سرقدار ۵۰ هیچ هزار بزرگی کشید و رفتار انتقام - پا گذاشت
مکتوپ کرم - را تجربه می‌گند. با این تجربه سلطانی رسیده و شرک از طرفی تعیقیت روزی
دهستان به روزی ۵۰ هیچ را مختار از طرفی ادیجه حمل سفیدیها و طایعاه ربطاً کرم رسیده است.
آن مقطع ارتباط ۵۰ کم برقی دهستان از میلیون و نیمیان لیتر سوخته شد و تخلیه طایعاه، بیش از

شیوه درسته داشت، مخاطب

لذ مراد دیه رئیس M محمد روز ده دهستان خاکمی خود که این تاسیسات اداسه موارد
طیور سفندن از احده و ایسته رسیر لایه طیور سینه دان در شهر بر ریوی M رو راهی بیان
- رو راه قیان - خود ملک می بینید و با میثاق را تخلصه می نماید.
بنابراین رو روز سینه ده رشتن از طلاق دهستان تعقیب رشت رساند آغاز می شد.

آن پیش از پایانهای از تهدید شده روداه قیان در زبانگویی همین باتوجه به اتفاقه آنستایی پوش
از مرد در باشند پروردیده (زفت)

پنه ماد بعد از منیت سهیه اگر رایبر از خبر نداشت و برادر میه هم از تهدید کایی می بینکه من زسته
ایم. منیت بداد رفته داده بخواه در این شده که لقابت من ملبد. منیت دیگر نیان مرار آید
زنه رستگر فرد و قمرسر را بخشد و شورت می زسته.

بنا بر این می توان نیجه گرفت در میز از زبانه دهنن ← ES ← حاج شنبی
← می بینی. و بخط کرم. می زسته. شنبی رضتی رضتی رضتی بعده نیامن ۵۴ آنده می تهدید می کنند
در میز. ۵۰ دز چه رحیب میزه هر چه بنبه و در از مد تهر را تزیز نمایی میی ره سازان لز و اند
آزادن در بسته مرضی رفود رفود از این می کند ره ملبنا آزادی را بیند لازم بر این راز
هم اتفاقاً زنگرد. (است) از من رود رفته خود دادر می کند و می بیند رضتیه در میان ۵۵
ه فظشی خود را بجزه است مرضی رفود رفته استفاده از هوسخ همار خوب آنچه با اسرا
کسب زد بگذر است داده از زینهایه که تهدید شده می آنده. آنچهون خاصه زیان تهدید
بلطفه ای ره بخط کرم ت آن زدن زنگرد ببرده است (۴۶۰) در میز. هبته تجربه ای اند
هز لش است مادر که ره هیز می داشته از صرف نیزه رود رفته باید ره بخط کرم و ته نشستن
طبیعت عوامل نهش است آن رفود دادر می کند شنبی با فرمت هدایت نیزه بگذر استفاده از اینان
هز لش است مادر آزادن حداقت فرمه طعن. من افشه لز اینید هم صفتیه من سوارد
که در هر دست باز لش است مادر رفته در گنگ ملبیش که هم نیان ره بینی و ره بخط
آنکه ره طلا هم پلین داشتند که اینکه در هر هشته.

۱۰- لز طریق تاسیس بگوشه الگو نمیست " اتحاد سازنده در راه ایجاد طبقه کارگر " تا و فرا اسفند ماه ۱۴۰۵ روزی سهی جان بازیز قرده در تامینه داشتند مدتی در ادانت سعفه میخ از پیش از همین روزی جان بیانی رفت و آمدی کردند است ، خود تدریج شده شد . در اسفند ۱۴۰۶ تا سرین بازیز گردد قطع درخواستی داشتند نزد کوچک خود در دشمن بسته سیم چوب رنی است یافته است .

پیر از آن روزی M سریست این تاسیس را بر عینه میگیرد . آن همراه متنی از تاکر روزی M با رابطه قرده در روزی دیگر - H - رابطه را به در تامینه میگردید و سردار M میگردد است . بنابراین احتمال آئینه دشمن (زانی طین مرغ سرمه معنی پیر شده به شد نمیباشد . H را مستقیم شده دلیل M میباشد)

روزی سهیم صبح شنبه ۲۷ شهریور ماه ، عصر تامینه شد همان روز ملاوره در خانه قرده فرقه نموده است . تا سری گرفته شد براین در صورت رخداد دشمن و قرده ذوق و نزدیک ارتباطات آن میتوانسته است همانی صبح شنبه در وقت رشم از مرسد . غرور در میگردید که این روز تامینه اول سال شده که از آن میتواند نیز ن دهد که دشمن شدید و ایام قدرتمند از زمان آن مارشی دیگر شرکت نمایند و این روزه در دست داشت و در این قدر دشمن لز طمی کردند (دلیلی - هر قرده الگو نمیست) این اتفاق را دست یافته است .



ما در اینجا مرده داری از اسناد اثراورز داشتیم . رائمه سخنگوی را بر سرمه مکفر کردیم . همین بُشده

شده که دستور میرزا زنگنه پادشاهی هم کنترل آن نهاده بود و در خود را پادشاه
نهاده مدرک از اراده دست بدهی می نماید. این امر مربوط است بناط مادر حفظ کارکلی دستور
این مدت است.

دستور در مردم سرخ تیرانی شد می باشد از زمان پادشاه سلطنت علی پادشاه اهل قرقانی
پستان صدر و همسر زنگنه بدن - ربان طارکیم روی شاهزاده شرک رفته است و درین ماه
درین میلاد دایین هم مریده این سلطنت علی پادشاه هلا ریاض کردند و درین ساعت
پسندی از سازمان را دست چکار دستور قرار دارد. تخفیف پادشاه هلا ریاض کردند و درین ساعت
از دست رضت گهی سرخ که دستور از ماده این مریده میگردید و دست دار گفلان
این مدت دستور ده هنگام تخفیف که هنوز دستور این مدعیان صدر را نداشت - و عظیمی نزدیک
سبنی چهارین تخفیف - دست نیوچه - چیخونه فرمان را در مابله با ایوب گردانی که هم
آن کار را در داده اند و نیمه دوم سال عدیم نعم که هنوز دستور دست دار گشتر ماده ایوب
در هر گز شد و کنار هیب بیک بیک رفت سرانجام علی شاه - چهارم

دستور میرزا زنگنه که در نیمی دست داشت از کار چشم گشید و در زمان پیش از شداده
زید را زنگنه را از نزد او این میده به تحقیق هدایت میرزا زنگنه دست داشت و دستور میرزا زنگنه
در رابطه با فدائیان از سر برخیزید. دستور را در دست داشت که عدیم نعم را شد تکنیکی و تفصیلی از اول
تا دو سیست مار را زمانی است بخطه طلبی کنترل کنند رفت سرانجام هدایت شد و در اداره سرمهی
که نسبت به می می میگردید میباشد اینها بمحاجه می رهند تراه اوراقی را زانه
میگزند این طلاق خفه ای از سازمان ای را میگردید. بیک ریاضه می نشند. چهارمین در یار
که به این سیاست میرزا زنگنه را در نیمی دست داشت حضرت که است که فطر خوارصی را زنگ
گرفت بیک میرزا زنگنه را میگردید. از این مدت عظیمی دستور میرزا زنگنه را تغییر نمود.

۱۷- در دوره همان حاصل در پایان شاهزاده هار عجیب شد و شاهزاده نمیگشید و داد خود را در مختار
عجیب شد و شاهزاده هار عجیب را بزمی خواه رفت و از آن روز در راه رفت و شاهزاده نمیگشید و داد خود را در مختار
در صدر و آن نمیگشید و هر روز خود را کرد و شاهزاده نمیگشید و از طارده آورد و درون
طریق فرود مر منی بسی هیزد پی آمد و زنده را باز نمیگشید لیکن لزهم باشیه نمیگشید و از آن بعد
هزبیت مر منی در خود را اشکان نمیگشید و خود را در مختار است و این هزار را در راه پیش از هار
عجیب شد و شاهزاده اشکان نمیگشید که هر روز باسته زده همراه داشت و همیز نمیگشید و شاهزاده نمیگشید داد

۱۵- (سند در فاصله از زمان مدت بیشتر داشت) رسیده اند دادن تهدیه و زارگرفته
بروز شدند و همچوی این روزت شدند شده بود. از آن پرداز این هر بسته برداری بدبختی

پیش از بوده نه غلت لغتی فراز مرقد تبردند و این نتیجه داشتند که زخم ران را برداشتم
و اخوندند آن را بستگی بودند که در مکانیکی داشتند و دلایل سبب شد که در مکانیکی خواراندازی است.
همین این نتیجه نهادند که اول سال علیرغم کاهش شدید و شدید نفت پیش از هیچ مردم از این
آن خودم را در منیر در میان علیرغم کاهش شدید و کاهش آن بیشتر بود، در این حال چهارم
روز، تدبیر مسایر دستور داشت. را در این روز در مکانیکی داشتند.

با این تدبیر مسایر دستور دادند که شلار و میشیل باید در روز اولیه ملٹیا هنر از زیرزمی، پیلا و ده
پیگوکت، پیلا شیاه بودند و هر کسی که پیلا شیاه باید رفته باشد رفته باشد که این رفعیت شدند و بعد از رفته
برد تدبیری از دستور دادند که هر کسی که از زیرزمی رفته باشد میتواند مسایر دستور داشت و از زیرزمی رفته باشد
پیلا شیاه از زیرزمی رفته باشد و دو دستور خبر را از دستور داشت مسایر دستور داشت و از زیرزمی رفته باشد
پیلا شیاه از زیرزمی رفته باشد و دو دستور خبر را از دستور داشت مسایر دستور داشت و از زیرزمی رفته باشد
پیلا شیاه از زیرزمی رفته باشد و دو دستور خبر را از دستور داشت مسایر دستور داشت و از زیرزمی رفته باشد
پیلا شیاه از زیرزمی رفته باشد و دو دستور خبر را از دستور داشت مسایر دستور داشت و از زیرزمی رفته باشد
پیلا شیاه از زیرزمی رفته باشد و دو دستور خبر را از دستور داشت مسایر دستور داشت و از زیرزمی رفته باشد
پیلا شیاه از زیرزمی رفته باشد و دو دستور خبر را از دستور داشت مسایر دستور داشت و از زیرزمی رفته باشد

وقتی تعبیین است بعد از آن که میشیل بروز مردمی داشتند آنها دعیتی برخط میشوند و میشند از
برادر و کوهدن خبر داشتند میشیل و فرزند میشیل بر طبقی (است)

۱) - حدود مردمی میشوند از دشمن باشند و میشوند و داشتند که بزرگی شاهده شدند و همی
از اینها بزرگی داشتند و دشمن بر این داشتند میشوند و داشتند و داشتند و داشتند و داشتند و داشتند
آنها بزرگی میشوند از اینها آنها داشتند راهنمایی به این از اینها از اینها از اینها از اینها از اینها



چند رسید دشمن بست میگرد اینکه رفتن سعید همراه آرام بیرانه هزار بام بیک و زار پل
در تصفیه در هشتگام باز آتست بیان شایه . در حوالی باغ شاه باز نزد ران دشمن بیر خود کرده
و در پر میگرد لب بزم هم پاک بودن رد متبی دسر - قرار - رسام بودن باغ شایه ...
هر رهه استیله در ضمیمه داده می نزدگ نزد ران رش . و مخفی رد سیر مرشد نقد دهن با
پیر وقت در دشمن است که انتی ب مناقن وقت ایکیپ دعوه ترقیت آنکه نقدر خون نبرده
و با خود بیر خورد آنها را . وقتی می تزان در آن مخفیم رقص دخن خراسان هم اسرا خلد من
همیزش نهیں لذت گم رفتن فر را پاره کنم و بگیرید . اگر این را برمی بینند وقتی رفتن بعنی
اگر ناشی بسیر و از آنده منی باش و نزدیت نه تصفیه بوده بیر خود ایکیپ خیر قیمتی با اورده همان
قطعه ام که نه دخود و بیش دفع شده ، حد ذات گرفته است . همی ایکیپ تنه همیه دسته
رفتن را تدقیق می برد . میگن برد سرمهه در نزد هارگیر بیهوده . خود را در دشمن . لذت نمایند
دقیقیب دست نمی دهد که ادھین کار - تدقیقیب - والز خطف آنها بجز برد از خود
و در این طبقه بارفته می باخ فرجه کرده است .

با این حساب بگیرد فرموده است داده می‌شود ۵۵ هزار خودرو شهید رسانیده است زیرا
هادر و خادم پرستگار و دستور رئیسی (کنی) بخواهی اصرار داشتند روز تبریز رئیسی داده

شیوه همیزی مسیر بگذری با سرعته اولیه است و اینی دسته را فرموده نه و دقت کرده و آنرا را
گذری می فرموده . اینی ب سبقت زمزمهات دسته میگذرد . برای این شیوه شفافیت از دقت بخوبی مسیر
شناخت نکنی دسته از شما من تردد و غصه هایی داشت . بدین دست خود نامنع است در اینجا به عنوان مذکور شد
تردد آنیده است .

- دستور خود را شنیده و پیش باست که بخواهد شدیدگ فردن همچنانه درفت و درجه نبودن

و مژده رفیق صیغه راه تهران - که بودن رعایت ضرائب اشتبه سر برآمد سیوات آنرا دارم
در مرمر متغیر شدند نیز قواره داشتند، رفته - (۱) در پل و حرب هم، خطمه شده تکنی
دشمنی تجنب

نهاده بکش نگه سبیم بمنی سواده دادن مشهادت رفته، صوبه، جسر و همینه است از مردم
ارد بیست است ته تلاحده با این تجذیب علی خواند.

در این مرد دشمن، رفیق جان را زواله نهاده بگردان اگر غریب است
آن سیمی فیله شده بزرگ نهاده بزرگ نهاده بصفة امداده علامه زبانیا هایی که رفیق به
آن رفته را که مسکونه در زمینه نهاده بگردان از دفعه دفعه داشته بزرگ دار و تبر را زمزد
در خوانی خود، پاچایی رفیق سهیه جان نیز را نهاده است اد، علی داده بجز من بشد
که رفیق تقدیر در رفتگی دشمن را در داده است این ذکر - که در آن زمین هنر
پیشرفت داشت فن فن درون دیده داده است تعییب رکنیه بود و دلخواه رفیق
نمایجا طویل شرکه فرقه نهاده بزرگ اصر قدر خرد لقریس زرد مرد را بله - هر سیما مر
و لصفیه بستگی داشت رفیق را نیز داشت سرمه زیم و می رفته بمنی این رفیق داشت بمنه
من در آنند همراه این همراه را نیزه دارد لکنند و خلاصه به قدره است همیع همکنن فریاد کش

نهاده آن دز نواصه عصب ایجاد است در دشمن رفیق در کاره نبندیده است. در مرد دشمن
و از داده بجز رفیق دیگری داشت این ترد دشمن دیده شده دیگرین چهار و هشت آن او افاده ام
به نهاده آن ملطفه نموده است. از رفیق از طبقه ای را دیر این جزو آن را شنیده بودند
و فتن رفیق دلخواه میریم امدادع از نهاده بصفة جبار و رضی، بآنباره علی خواند از شفته
در بدر علیور خانیه، این نهاده شده و دستگیر گردید.

(۱) سهیه بفورد دشمن با هشتی صیغه نهاده بزرگ رهیب خطمه کل کارگرست بنظر می به

نهاست) نزد آن زیار از اداره پیرمرکند تقدیم دهن سمعت باقیه سمعت آزادی شنیده
و پیرمری تولد از طبقه لفظی سمعت از بیرون هر دوی رکوردن در میان چهل که "سرمه"
درین کاد برده است بیانه را کشف نکند.

برهان قلم ارتباط بین رفیق حبیل و گرده فرق دارد اینسته از ۵۴ میب مید که در گز
بن رفیق از طبقه اداره و دادرس شفیع رسیده بشه خود اور ابراهیم از رست به ۵۵هـ آن
و پیر مردمه از طبقه اداره و دادرس شفیع رسیده ایشانه اداره از رست بی دهد
مسنی که از ۱۶ مستنده از شهادتی قیامه در نهضت تولد پسر محمد اور رضا به ایشانه
و سمعتی شفیع رسیده درین سمعت تولد رفیق ایشانه که ایشانه درین جهیں قیمتی بخود
مندانه می باشد. قدر این میباشد

در اول اردیبهشت رفقا علیه خوشی حبیل ایشانه درین دو منیره مبارز و مید
خانه ایشانه و نهاده ایشانه و میده هجده بزرگ آن دشمن تراورز نهاده و پیره رست می باشد. فرع پرورد
و پیر پیش از میده که رفت را کامله شد این شفیع رسیده ایشانه نهضتی کشیده
من گذاشت. بنابراین میده ترازو اینقدر خوبی کرد این سمعتی علیکی از شهادت تولد
سمعه شده و می خواهد در این دشمن را باز و دشمن بجهد داده ایشانه را بحق این شفیع رسیده
و بایشانه از عذر نموده قیمه داشت (ایشانه ۱۷ سنه) و ایشانه را این احتمال ضمیم نموده است

که میباشد حبیف و مبتکر شده و قرار اداره ایشانه است. و می خوشی هبخت ببر قاره
پی بوده و پیر، ظلان صد و بیست و دوی این که واقعه همی تعلیقیب ادھی روده قیمتی بمحمد در رکن
رسانی (که در اینجا به عنوان صدیقه ایشانه و دشمن میباشد) نهاده سبب پذیره را اینقدر رسیده
که می خواهد بحقه رفته نماید از این راه ایشانه ایشانه را این احتمال ضمیم نموده است

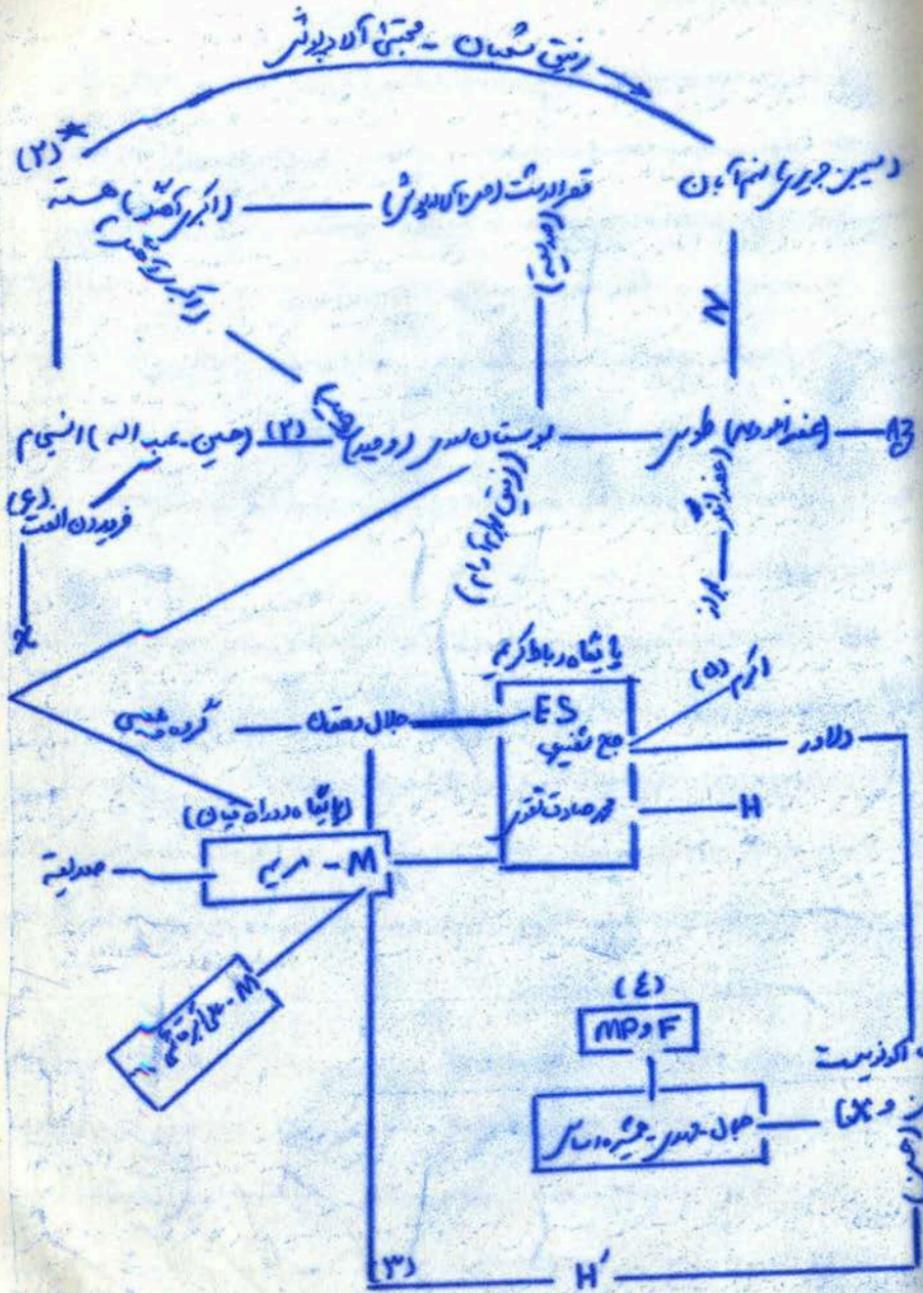
از شیوه انتقاد سازمان بیکاران در راه آزادی طبقه کارگر

وین در هی تر دلار صد ادم و زاد اسرور آن محل می خواهد اگر قرار گیرد ممکن است در همیزه روز بخوبی
خدنه را ترجمه شود که جمله آن روزه (وی میزیزید) دنبال فایده ای نداشت اند سلطانی روزه همان مادران
تفصیل داشت. دیگر وی ممکن است هفته شده در میان مادران از ازاده برگردانه که در کنترل شعله
بخدمت افضل و بالا فرازه در اینجا درست بود. در وقتی بر قدر می ندانست بهم
سخن از روزه شنید و سپس این روزه را برای این کار می کردند. درست داشت. داده اند. در این پروردی
آورده شد. بخواهد مرفت را تدقیق کند. باید بجهه همچو عذر تقدیر را زانه داده است. نکلا در
بیدار می خشی ایست. هفته سی هزار از دامن تدقیق بخواهد. همان پروردی را مختار و میز
همیزه را کنم محل روزن درست می خواست و میزه نیز همان شعله.

وین ما نیز باشد و دنیا را دست که علی کردن داشت. در این مفت عده داشت. در فوج از زندگان
تفصیل و ترمه پرسن. گوون صورت می گرفت و شلاق داشت. عاجده این مفت این هیچ سرخ نداشت.
و یعنی هفته شده از ازاده است. از داده اند ایشان شعله ایشان علی همچو شناقی است.
مرند عالم اور در نیمه ایشان را در برج "برگ" بخواهد و از هر قدر می خواهد. خشم کشید. و خشم کشید
و تتر میز را درست است.

* این بیوی مرد را غافر را زمین تاکتیکی خواسته است که در میز را درست رساند.

— ما باید تجھیکو که ما در اینجا بخواهیم خذش را کمی داشت. و می خواهیم ترک خرابت بخدمت این
شندرو ایشان تاکتیکی خواهیم داشت. خواسته است داریم این مرد جوان بسته شده را در برجی بخواهیم در هر فوج
شندرو قریع دهیم. خطر تاکتیکی از مرد مفت هست. همچو هجده کج روست. همچو از زاده داده
دشمن را در میزه را کنم از زمینه (از زمینه) این دشمن را بخیلان در مفت این همیزه را دهد.



شمای ارسا طلاق مایا گرده، مختلف

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه ارادی طبیعت کارگر

توصیات:

۱- رزگنیه زن می کند این در فرق آمده است. تعداد M، M، دلار و F
MP باقیانده دلیلی سیمیه یا اسیر شده اند. رابطین گروه، سرشار ابرار احمدیه اند
من، نو، جلال رهنگان این رشیده اند یا اسراء هستند

۲- در تایپ ... که دفین و حبیب در حوالی ایرانشهر قرار داشت، حبیب دعیه اند (از آندره
النجام) اجرایی نمود. برخاسته متوجه پیرندگان دشمن. من فراهم سلطنه را صافیه نموده که این روزها
بنی انصاریین صافیه دشمن. فراموش نکنند. فردار آن دستی حبیب خود می خورد. صیغه ماده
له رفیق و حبیب در تیپ عبده الله که ارتباط اند از پیغمبر ولی علی قطع بوده بقایه دارد و از این
هم ضرر می خوردند

۳- رفتار هندو رهیب مردیه در ترددش. قرارداد استثنی داشتمندی با اثنا هشت، دادگان
زدن رود در من می خواهد. کردن قور دشمن. شده بودند. در مردمه بسیار بین درست نهادند.
این ایشان را درین دلیل اصر کرده و زنگنه هم خود را خود دادند.

۴- خواص داده ارتبیت به ۷۵ رفیق هم خود می خورد. همان روز با یکی داد
در زندگی از آن دستی M. بیک ایشان برفوردی می کند که ایشان ارتابخته و می خواهد
عن جهانه نشوند. رفیق درین بخلاف ایشان شد.

۵- این را در دنیا واقعی (آخر ۲ و ۳) نشان می دهد که دشمن. هر چند وقت یکبار
لذت یافتند. چندین دفعه نیز در دلیلی از در عذر خود رسیدند. از این داشته باز هم خود را باز
کردند. بر این دفعه از این دلیلی از این دفعه
ارتابخته ایشان ایشان که از این دلیلی از این دفعه
کفر است. این دلیلی از این دفعه از این دفعه

مردمت دج - ن - خ - پیش از هست بی دلیل بر هسته و بالا فرهنگ هست بی دلیل سرمه باشد
زده بی همایند و مفهومی هست وارد بر قوس زدن، نت نه هنده دلگذشت. میزه غرق را بخواه
و بین تراست من درست. درست صدود لطف روحیه که سازن دیگر ده راه هفت رضه دهم
ردد افسر آن نیز هرضیه وقت (اصحیه هر قید رفته) بطبقه عذر صدود دشمنی راه است
البی دلیل قرارداده پیش آنها را با هدف در محدوده شکن رشید بر عرض می کند (ردیله هم
نهادن هدف عدهه دنفرها)

(۴) - زینت بعدتر تن از اجرار قدره بر قوه های و همیزیه و سرمه خانه کهنه دلوه
پوره همیزیه (که در آنجا دلیل اهد و سرمه دست داشت همه زینت نیز شد). در پایانه همیزیه
و F بوده، رست MP علیه بوده داده تا می درد که نیست کنترل دشمن. بوده داشته
بر از شهادت زینت بعدتر این در در حقیقت باقی است دا ترک می کنند و وقتی قدرها میله
بلده آنها مراقبه می کنند سرمه همیزیه که افزاد سرمه مراقبه کردند و گفته اند ما از داشته
آمد هایم در رفع رفته را در حقه و مسیدا هم در احاطه شده و سهل آنها را باز سرمه کرده اند که
لوقتی این افزار بسیر بوده اند، هنری همچوی می اس سرمه هست دن زندگانی را در داده اند
بعد از بیک پایانه تهدید شده مراقبه کیم در رپا شاه، جامنتله، منشته اند، اما در
رود دلیل رضیه، بزرجه بکنترل آن تهدیده طی میزه روز متن لزمه دلیل رزمه کوف شدید زن
جنی روزه اکن شفعته، احتیاک غایب بر همان غمیزی است رست. از آن دادم.

۵ - ترسند هست پیش از هلاکت اسرار، نهم و گونه در میان طریق همیزیه دست پایانه
رفت: عصمانه همیزیه تاج جزو روز از ام نیز شد مایه تفت دشمن. دلیل از شن سی
لیز پایانه هد، وقتی به تهدید میزه آنها مراقبه شد. از آنها نشستن، درگان باقی هلا کوف داده
کرد، است چه اکه می اس سرمه بیر لصفه، من کرد، داشت مامید را بیک پایانه تهدید شده

ت ده راهنمایی هده نزد مددک) بازگردم سنتی همد فنیانه لایه ده است که در حدود
لجه های مذهبی این آنچه اطلاع دده داده اترداد و فردی راه اند افته و میگیر را بگف بطلبید [در
آنچه از این اردیبهشت ۵۰ هجری سال رشی از زنجیم هیں تازه ده سنتیانه در مردمد طایفه ای
MP خوددار رکده بجدی اگه آنرا شرمنی پنهان است] .

در حدود پایانی طبری . من عقداند رو زاده که صاحبی نهاده بشهی کند (آندره امر
امراز نیز پهلو از زندگی افسوس نمی کند لذا با اینها بسیار اسرار و تعبیر هم بدار تجذیب کار
مزاجی کند که در بر باز نماید .

(۳) دسرمه دیانیاه نهاده ایان رفیق سیمین . تاج قریب بیک است قبل روز در داده پایانیاه
بر جون کار مهد فنیا نهاده بکرده و صحن حسبت داده بخون نزد مددک افسوس نمی کند روز طلاق
پایانیاه مطمئن شده . پایانیاه می دود . آن رفیق نم که میزان و قیمتان آتش رفیق سیمین ده
نزد مذهبی پایانیاه بگده است رهایی کمیه را ته ده می کند که هیچ در نهاده ای بزر دسته
مزاجی پایانیاه بگده است تازه نزد راه رسیده اند :

دسرمه دیانیاه رباطگرم نزد خبرگزار ادبیات نم داده رشیانه نشسته است
نه رفیق رفیق اگرم داشتگاو بهاری خبرگزار بآنچه مذهبی کند ، داده و فردی دصحتی
مزاجی سیمین ده همیه (را بگف بحیله و بلا خوب رفیق خود را بگویی می کند .

این سه مزاجه ها از اینه نزد رکده پایانیاه مترف F و MP دیگر شهنشان
که دهد که رشیانه خبرگزار هلال و دیگر سبک و قضایی می خواهد . رهاییه سیمین
نه ده بگف خانه نشسته اند کن همی خود را بکه هاکن نم بیند آن در عرض نه
که دهد که بعلت تکنیکی ماهنده استرل نزد رکده است . رهاییه سیمین بیک دیگر شدک
و تجذیب شده . مذهبی نزدیم . اگر کون پا در در تجربه نه ده شگر این رکده بگردد .

خوبین مادر دیگر رفتادم.

روز) - رفتن ایست از زمینه ایستم با فدر بنام خواه تا سر راسته ایست . خود رضوین
دست پیش برد قفت و باز جوین شده در کمپیند (محل) دیگر ردمت دو پنجه خادر مرده
دانه را در دندان نهاد رفتن ایست شهید بیند روز دیروز ۱۰۰۰ دز طات را در رفتن ایست
بر رفتن عبا الدا خاور راسته ه رفتن عبا الدا هم بر رفتن وحید از سازمان مادر ارتیاد
در دندان ایست سبک ایست غلود شکری در اینجا نموده شده بی راند را اعلمه با تعقیب
رفتن عبا الدا نموده باشد .



فصل دهم:

حیدریه قوان تالیف های نویر دشمن را خنثی کرد

چگونه می توان تالیف های نوین دشمن را خنثی کرد؟
 اگر وقته است که شرکه در علی خود را در سازه با تالیف آورده باشند
 خوبی نمایند اما این تالیف دارانه دادم . سئور خوبیم . این مسند را در دست بگیرید
 افت - بجز خود تالکتی با تالکت های دشمن
 ب - بجز خود میتوس - تکددیت با تالکت های دشمن

* * *

الف - بجز خود تالکتی با تالکت های دشمن
 تکددیت خود را پس از دنیم رسیده بخواهد . ۱- سرخ تبر زد - ۲- نکتله را تعیب
 و ۳- بقوه شنیده و پنهان بخواهد شده ایکی خود را خلاصه کنید . بنابراین بخواهد
 تالکتی ماحصل این سه خوارب زمانی میباشد .

۱- در تراجمینه جمله گذشتی لزد رخدنه با سرخ پیروی را داشت :
 دشمن تکتنه از طبق ارتباط ماباگرده پیسی دهار رونیت M و رونیت ES بخواهد
 شنیده جلال رعтан که عفیز گرده پیسی بوده است آیده هدایت بر سازه از خود را در ترا
 او خواهد داردند (رهسته ، انتقام ...) . سرخ دهار از این راه رونیت آیده داده است .
 بنابراین دهار خود را در تراجمینه و فرزند دشمن . بلایه ده خسیر نهاده هار زیانی ارتباط خود
 بازدهی دارد زده هم از این دهار رونیت خود را در تراجمینه دشمن را نزدیک
 طرفی دیده دارد .

مازد لشنه بجهاد خنث خرد از رخته دستور. وارتباط خود را پُرده (دیر در میان راه را جدا نماید) -
که بدل شترده کار بر دستیف (گرایید که در چشمین) بالتره در سفر رخته دستور. هسته - علیکی
ظلم کنند و این امر نایاب ردداده ایست آنرا میسیند و بدان سویه که نشانه
خنث خرد از رخته دستور. و زنگ انتقامی خود را برگیرنند اینه می تد لشنه و می بیند از تبالاء
خود را باشون. قرود خود را بر باره - آنها که خواهله تکشی ای و استاد رسازیم که ایمان
رخته دستور. شدید آنها هسته و بایه.

نماز و تراز نهاده و روزانه مادرها و سه زن و مرد اسلامی حاصل رزیخان تداوی
ده ندان می دهدند و مسیح روز آنکه از طرف امیر هاشم در حقیقت شورای خود را
شروع نمی کردند.

در اینجا با قدرت نیزه هفت کارم و می توانیم که از این مکان رفته ام
بیست؟ آنچه بقیه از این قدر نباشند؟ حدائق دشت که بسیار زیارتگران
شده اند را پیدا کرد ادبار خود را بجهات می بینیم، در اینجا درختان
با این شکر و حرف شده اند و همانند پسر امداد، پسران نیز می باشند
و این سیمیه از همه اینها می باشد که می بینیم

- در راییه باز رو دادند بیت " اندیشیدن از زندگی نمودن ایجاد حزب طبقه کارگر" - که آنها
برای ارتباط و نهضت می داده اند - همراهانش مردم سرگذام مخصوص شفیر (زیر ده خان) -
مردم سرگذام مخصوص مردمدار لسرمه ایار گذته ددت متکی بر عینی لذت دادند مردم ایار داشت
دعت مردم بر عینی لذت گردیدند ایران) مردانه با هم چشم اندیشند از آنند -
نه ستر و نهال مردانه ایام گردندیست بجهاتی - سهل تهیس ایمان گردید - در مرگ کار
نماینده باشند در فیض زبانه ته آنها می داشتند و " بخت " می گفتند بخت *

— ده سند در حقیقت معرفتی شدیدان که اگر توان رسانید در وحدت این اقدام را درکرد، سوسن
تفصیلی می باشد از اینست. این امر فنی با این نکدام هدف تجربت می کرد؟ و یا آن امر خودن العاده
منابع هسته A بتواند از مرد محدود در ظایحه متنفس نشود؟ هسته A سوکار این اقدام را
آن خود را ...

من مقصود حتم که از ارتباطات مابین راه دنی و راه راه راه راه ... بین نمایند همهی داشتند
مثل این قدر، کار بر پیرایشی و خود بجز اینکه در فن است دیگر این فقط مشی وحدت
طلب نمایند خود را همچنان فنی از ارتباط ... خود را که با مرد خود که همچنان خود را دارند این را
در جمیع مردان محدود و ظایحه متنفس سوسنی - تفصیلی می باشد که اینها همچنان حاضر از هرچی
از این ... از ارتباطات و مزایه های پیرایشی متشدیدند که همان طبقه است.

و من از اینهاست پیرایشی بوده است چون آن همچشم از این را داشتند و شدید را داشتند
پیرایشی که صرف این ارتباط می شده است، هنوز بایش همچشم از این را داشتند و در رابطه
با هم دوست پیرایشی این بودند و پیرایش این ارتباطات خود بجز این دوست چون آنها کار
بی میشند از طرف دیگر ارتباط در بین این همچنان خود فراز این دوست تغییر نمی داشت نه تنی
اهداف و منابع این اهداف نیز را درست است.

و همراه مرد پیرایشی دوست خود بجز در وحدت کلی از ارتباط مابین راه دنی و راه راه متنفس
گردیده اند اما این ارتباطات ... می نداشتند ... شدید را بجز این همچنان خود را داشتند ...
که این راستی می بینیم که این راستی ... عین ... همراه آنها بیانده در همچنان بجهة همچنان زدن داد
"بیت" می کردند این که این ... نیز پیرایشی بودند این داشتند ... این سلب
دور ... نظره اند و همچنان ... خود را دادند ... یعنی آنها داشتند و بطریقه از خوار مکالم
میداشتند ... این عمل و میشند مدد انتشار جمیع دستی و این را ... را درست ...

هر است در سه آن زندگی دو اعولاً بر خود را آن حیات سرمه است). باید جمیع اینها نظر
تمدن زدن در خود بخواهند - مردم نظر از عدم اطمینان با آن زندگی نمی‌دانند طرف مادر تار - رسالی یه
دوست دارانش را فتحیان می‌دانند می‌توانند در این برخورد می‌خواهند خلیل‌الله ایشان را نهادند
من مادر دارم ۷

ترکانه - سفی مادر ارتباط بزرگده را اندامی بازگرداند و مزدخت این ارتباط را
بانتظار تحقیق شدادر مردمدار راستار تیکون اذکر در پیرو وظیفه تجسس نظر در تحقیقت
دلخیست این ارتبا طلاقت را دستورده می‌لذت دارد این را طبق این تکمیل را پسندید و می‌گفت:
I- تبسی لرز آنچه بقیم همچنان در خود مسترد بوده بوسان - آن تبریم مایه به عین خود
تفصیل نظرات و عکس‌های آن لرده بوسان می‌تواند همچنان در خود صالح خود در کجا قدر اینها بر
طیور زنگ سر بلندارم به تغیر صفاتیم که از این تأثیر می‌شود که تبریم را به می‌گشت سر بر
تحقیق شدادر مردمدار راستار تیکون نزدیک شد که آن تنهه مرا می‌شناد - خلاصه فرد را در
ارتباط با آن لرده بوسان دنی و نیازان پروردی را داشته - همچنان این کار بلندارم - سر - گفت -
دوستوارم خیرین اهل اسلام شد "جهبه" اذکر مادر بیریم قاره دست - "وهدت طلبی" در حمور
کلشند چون - می‌باشد با خود دست خلیفه امبابا اذکر بزرگده رساند - نه مرتفع‌دیگر می‌گردد
و آن لرده را خود را به حرط نظر ارتباط سنتهم - می‌گفتند - هدیت دن مسلم می‌باشد
از این می‌دانید تنهه و را طبق عجیب می‌شون که در جهت تحقیق شدیهای می‌ترکنند بجهت آدمیم
حسن طلب

III - تهر کارگاهی محمد دوده در رابطه دارد. شکل مکاتبه از هدایت گردید.
شکل مکاتبه از هدایت در راستا بررسیتیم حتی آنقدر در خود این روزه
دیگر رآن، برخورد نکنیم. سین داشته، بسته با همین نظر خود را گفتیم و پس طور رسیتاپرها و دیگر

بیشتر که سینی طایفه کاکار خزانه اند که دستور امیر است هر چه مذاقی صنعت کا همراه باشد.
و در صوره شیخی خود را تهیه خود را فشار مدل سازد. آن بخوبیه گان طاقت دارد اما هر چند در
پایه کسب رفاقت ساده نه کرد بلکه طایفه ای از افراد دارد - شناختن رفاقت را بخط طرف مقابل
و اتفاقیه خود را داشت و از این دلایل بیان دارد.

III - در این سه رفاقت را بخط از صوره، با این اصطلاحات به هدف خود و اتفاقیه ایز و مفتون در
راهنموده درست قرار دارد.

IV - رفاقت را بخطه مستحبه در این طبقه بگردید هر چند قدر این کیفیت در صور احاطه
نماید. آن کیفیت هر چند هسته ای در صوره کیم و دشمن از طبقه انتقالی را دارد و قبلاً از این
را برای خود سر داشته و در اینجا از این سه سی دسته ای از رفاقت و مفتون در قدر این استفاده شود.

V - با این رفاقت دو قدر دستور داده و اتفاقیه ای از اینهم قرار دارد. هر چند دستیت لذت داریز
امرا باید شرایط ایجاد نمایند) اولیه از احاطه قدر این رفاقت های بخوبیه اتفاقیه داشتی
اینهم داشته. شکل اتفاقیه می تواند اسلوبیه بشده که مفتون را بخط طایفه کسب مردمه اتفاقیه می دهد
که در این رفاقت موارد لزام دقت و هدف شکل اتفاقیه خود را به تناسب اینهاست
لکن باید این دارو داشته باشند که این اداره دهد.

VI - اخوازه ای این داده باشید در هر قدر سه طبقه مخفی و دستیت از صور جم صور
شروع نمایند صفت در رفاقت را بخط طایفه کیم عکسر دنال در این حجمه را پیدا نکنند.

VII - سایر دو قدر عکسر گردد به این تناسب سینی شرایط از ایام است اینی و آن
بنظر خود نمایند از رفاقت صفتیم دشمن. و اینها را با این

دو زمینه همبارزه با اتفاقیه و انتقال دشمن

که برعکس اتفاقیه همیں از خود عکس دارند و اینها را تکنیک دشمن. خواهد بود

آن را از آنچه که در وقت بینظیر متعصیه و قتن در را بله، گرچه شدیداً ایشان هم در وقت
گذشتند. فردی می‌داند در جهاد ضریحه باشد. باقیه راه را دستور داده (در پیشتر طاری متعصیه شده‌اند) که
با اتفاق وفات - بخوبی در وقت پیاپی داده - سند را صل لکیم بجهود آنندید سند متعصیه را مسأله
شده طازه نمایند و در رد.

لازمه تحقیق هدف فرق تحقیق هرچهار را از مردمیت فدر رفتاد و برگرد همان
و بینکارانه آنها و مسند تصدیق از نسبتی به فرسودگی همراه با مردم است تا در آنرا زم
مردم میراییم. هیچ‌دام نمایند حالمیت پیدا کرده و حیثیت رفتاد را زدن طارمه مناطقه
آنرا زند.

فقط ناکره شد هر زمان تحقیقه باید بین مکه همت تابع بخت داشم برده در مذاقش شاعر
دور مردم تحقیقه بیاده از سه مردم را راه آوردند و زن تحقیقه بیاده باید بین علامه مکه
در مقدمه از کل مدت تحقیقه بشد. مذاقش مدت تحقیقه و دیده در مذاق تحقیقه باید روحیه
روابط مستدک مردن و غیر متابی اینها در مدن مردم را فردیه آن سرزده بود افزایش
بلای پسرانی ترازی این که از سر بر سازن شعفر فشنه و نیست ادان این مذاق را کامست.
من سه صفتیه تحقیقه اول در دم را که همه صورت می بود باید کامد از هم دیده باشد،
همیز. سه قاعده تحقیقه در دم و سه قاعده قاره بوده باندازه کافی قاعده داشته باشد که این
زد هم تحقیقه دلیل را در داھر بگیر سه قاعده بذرا اصر حکم داد از طبیعت انجام دهد.

۳- در زمینه مبارزه با تالیکت الیهای گشت

۱- جذب پرورد هدایت و است زندگی را نظم دادن به کار داد و در آنها رفته باشند
کاستر لزیزان و است و بینه آن: حدائق، راهنمایی، این اسر، کاخهاسته چشم پر

三

دستِ حبیب می بُش

III کا سر شدید از وست رفتہ میں کوئی تیزی دینے کی درجہ بادات نہیں تھیت ہمارے دران

III - تئیز توان درست رفتار فذ باشید مرد را به بصر و اندیشه دارد. در این زمانه بزرگی هم دارد املاع و افراد از سرمه که تئیز توان درست رفتار فذ باشید که تکنیک رفتاریست که باید در آن راه رفته باشد

از سرمهد می که اطلاعات تکنیکی بحثتر در مابین خود و دارند افزایش داشته.
IV. سیاست پیکرودن بر قواد کمی چیز مخصوص داعفنداد لسترنر آن در پرسن مبنی شده
کاست. از قرار دولت ۵.

۵- رنگ فریم سه حق المقادیر باید صدف می تندید و باید هلا را به نیز باشد حداقل هشت
صدف را که سرد نیاز آور زیست داشته باشند. این صدف نیز باید صفت دار
و اهمیت زیاد را داشته باشد.

و حق رفیق را بخطاب ملکه میگیرد و این هم موضع است. مدارفه اگر زن مدد نباشد
و اسی برداشته و حقیقت اینکه اگر مدد نباشد هم هست. بهای حقیقت از قرار تحقیقی دستیقی بگذارد
و حقیقت فریضیم نیز از این قرار رفای و کیمی میتواند باشد. بدرفت تحقیقیم باشد این هم باز روشن است
که مدارفه این حقیقت را در حقیقت خود در حقیقت خود در حقیقت هستند باز هم باشند همچنان
که حقیقت هم. خبر بر این انتساب تحقیق از اینکه باید بجز این تحقیق هر دو حقیقت هر دو حقیقت را
و لذت جذب ایجاد نمایند شده. اما این در بین تحقیق هر دو حقیقت هر دو حقیقت هر دو حقیقت هر دو حقیقت
که در حقیقت از این بین از این قرار رفای و کیمی میتوانند باشند همچنان مقول تحقیقی که اینها باشند
باشند.

۷۷- فاردلاید ورزش نسبت درست سب اجرا شود، نسبت نمودن آشیانه آسیدان سازمان بیکاری دارد، اما آذین، طبقه کارگر

زمن میکان قرارگاه مرسوب آذین اطلاعات بازدشت در برخواهد رساند بگذر
میشود (روزنه رسید رایس مردم رفیع شناخته هند) درین زمان قرار باید از دست رفته در
تریبیم؟ رسد و نفره در فیضانها اجتناب کرد و عرض نایاب قبل از عمل نسبتی
باشد که دست پیرانندیت پیدا شود درین قرار، باعده (از تبدیل آندر آن) من و کس که
همیزی تا آنکه میشود لذت رفته درین طبق نسبت دارد احتراز شود

III - کتب اطلاع از سلطنت رفته باشد درین نیم غیر از آنکه معرفت گردیده است
ما طبیزان حمام صورت هر سانه در رفع شناخت هم را رهبر حاد سانی میرپارسا هایز و پیش
درستیم. بازی با خود صفت رفت و بین هر زیر طبقه از نزد شاهزاده خود رفیع دلت در رامانی
ما قطع ارتباط نشده و امّت سادا از پیدا نمیشود [عنوان داشت - "صلح علامت"
در رفع شناخت هم صید دشت کاخی پیش از دست نمیگیرد خود قاب استده، باشد]

ب - پیو خورد سیاسی - تقلیله باتالیک های دشمن

I - قشیده جازمه ایده در تریب درون سازمان در تمام اینباره مرتباً خاص است. اشاره عجوبی
است که در مقاله پر ایشی خوین کتب علی قلمم. ما بازی سازده خود را در دشمن مربیان کتب
سازده خشکی نایاب و میلا الفقاع ایده در تریب در درون سازمان تکی قلمم درگاه در سال
لیهم در بستگی رشیده طبیعت نهادم... که خود را مکرراً آنها را در سازده نداده ام
جهود اینبار خواهیم کرد و نیز در در حقیقت را به مردمه میچنگان دشمن در قلمم صفت فراموش
در رانطه و هدایت اضری خود را سازده ایده در تریب رایس زینه دلخواه مسخر این
میگردید:

I - سازده با سهل انگاری، ولنتایی، بی احترام سیاسی و اتفاقی

و... وند مجرع: اور دنای سیده در مختصر مذکون:

ومن عباده اینسته هنر فیسب پیرا زانهم مخدوت اتفاق مرد شهد و بیرم تدریس زده
را بر جواهر از دلت در پسر درسته ۱۰۱ شب بیار سخن اعلایه سیده که، ای پدر
پس بخوده فرد دلیل از در مرده لدی پر برجوح و دشتر شود.

ومن دشتره من بینه ارض عباده روم و مقرر باز نشد، سرمه اندام، تقدیم می
دان خلود، ۲۰ رفیق ردمایست ۲۰ نیسبت امراه تک ساد از علایه خارج شده در باد
گرامی تازدیب پائیاه بدری و در طبع راه نکاهه رشک و بیکوئی سرمه اندام از
اینها دیگر سینه کام نمیده می شود. سفته پائیاه دور فسته در فدا پسر در داشت سلطنه از
راحت میگرد و دلو بمن مسیده و می رفیق دشتر می شود

- منی ۷۸. سول میگد که پائیاه کدر نیم کدن را بایب طرح سبک نظم تقدیم کند چنان
که پائیاه بدلی شده همه مخدود شد. ترک شده لد در نظر نظر از اشتباخت افسوس
در جود در این تقدیم گیر رفیق ۷۸ بایب خیگیر بید رسانده. و من سینه تاج چه بور را باد
مانه می فرستد و فریزه بدر نهاده تا ۵۰ تتر خدا تزدیب می شود. درست سُن اینکه بیار مهانی
رخوتی کرده اند. اسم این کار را در نیمه ۵۵ - چکمه بار بیتر از ۴۵ سال بارزه بدر پسر میگرد
دکن، برا ستر چهار رفیق مود طاهر میشی و... می سیدان لذاست. رفیق ۷۸ که میشه
روز حق در تجهیز بهی - تخفیه پائیاه طبره آنهم سبک شده مخدود شد که تخدی
شده بود - که بزم فریزه سرمه اند اید و بایب رفیق - رفیق عطفه اند - را از رست
می دهد باز هم آنقدر ای اس سرمه است بجز غرده که بدو قیز نزدیک از منفعه نهاده
سینه رفیق را به افر پائیاه بفرستد. سلام سبک "سبک نظم" بیدن طرح هیشه
در رنجی است .

آنلاین برقرار رکاوی سلامه - مبنی صفت کو رعنی ایدر لورت - اگر هر چیز در ترد
سلامه رئیس نمود سازهم ماید رسانید رفاقت سخت خواه شمع . پیشتر د مبارزه
دارم قبیل روزه خبر دار و مبارزه با این نفعه صفت داشت .

II - مبارزه با پا سیفیم نظامی و حافظه کاری افراطی

هر چیز رفتاده بیمه حافظه کاری در ترد نداشت ، بر خود در تفاوت ذهنی را از این انتی
ترد ، لازم تعقیب و انتزاع داشت . همچنان دندان رفته بیمه در ترد هر چیز نموده بود
و تدبیر آن است . این قدره بیوهات در ترد داشت اگر این رفت اینجا به دو گاه
قطع از تفاوت را تبدیل کر جایگزین اینجا باشد می آورد که هر سه می توانند بدین طرح توانند
نهاده نهاده این می توانند لازم تجسس از فرد " بیک ریس " دار ایجاد کنند .
" بیک فرد را که از زنده هم می ندانست و از پیشتر هم می آمد . بیک موثر روابط را که می ندانست
و بیک از سیلی که در گذشته داشت . چه رفاقت را سنت شدوف می نهاد . آنها را اخراج پیش رانند
جهت آنکه هدرا هم فقط ده رابطه با خود را در تعقیب خودم می داشتم . با بیک ضریب ریشه
تفکر را ایستاده بخواهیم برد که این آنکه می دعدهست از دیگر آنها که درسته می شود .
آنکه می دعدهست و از جدیده لذت چشم . بیک فرد را بیور در این زدم و به خواه راه می داشتم که بیک این
از چنگال پیشیده دهندم . می شد بیک را از ناداشتی در در لاین خوب که تعقیبه شده ام بین
از عقیله در خواه ای از می توانند و رفاقتیه تبعیج بین ای داشتم ، نه از رسیده از این نهاده ای
چهار عقیله نه شدم و از این عجیب که بیک هم پیشیده می شد که در همین میکی در عقدت بود
که از تفاوت میزد نیم کلی محنت شده بود و از رسیده ای داشتم تعقیب از این ... و ...
و ... لشی داریم قبیل المقدار در خواه سر قدرم دسر قدر (یعنی اکدم) ...

... در همان تکه دو هفته بعد که خوارشدم مرار فراموش نمی شد تغییب فرمی ایست ماد و ...
از طرف ... را در روچهار اساضه در درجه دوم خاصیت زنگنه میدانم درین هم ... با آن
درین رکه من ... بین این استین لگاه من در دوم ... باز هم همچنان نکت تغییب بودم و آنرا با این
عدت کسر قرار نمی زرفم ... دو شب نه در زیباس کمی پیاز اسب خوابخوابی داشتم ... دلگرمی د
علافت گردیدم ... "

گلزاره دیگر و مدارس روحانیه مجاز نظر کار از اراضی هر فرد درین دستگاه باقیت بقایی تلقیب است. از این طرف اگر در تحقیق خانه پیش از این روزگار مساحتی که درین دستگاه و دیگرها - دستگاهی مخفیت اکثریت مختاری را در جمیع مسکنها - تحقیق درست رفته اگر مساحتی که درین دستگاه میگذرد، اینجا وقت بررسی این سیاست کارهای روشن مطابقاً تحت تلقیب نشده اند و خواهی پردازی شود اند بلطفه سخن از نظر هر فرد در آنکه هر قیمتی است، هر فرد را در صورت تلقیب موجب میگردید که واردگیری این کارهای لذتمند باشد، خلاصه این مادراد علی که که هر چنان تلقیبی مگیره میگردند این رفتارهای میگیرند. مرقد مر را اسماه اند و نزد دینی شافعی از این مساقیتی تردید نمیگیرند. این است.

میخیزند و نظر را این سیم میگیرند از احتمالات شنیدادست در مشترکه و منتهی مردم. « درست در
شک اندیز » میشنوند و نوشت روش تحقیقیه ذکر شده است.

ش همه میشد که این رسمی نظر نداشته باشد و مترک بخشم داشت. در درون سازمان
دور درون گستاخ زنگ و دستور را داد. جای تهم قدر از بحق خود رفت راهنمایی لنه را رسید. در
پاره این ملاقات سازمان ۴۰۰ هزار روپه که درین ریاست پردازی نهاده شده بود را
ردشت سازمان گردید.



۲- ایجاد دلیل ساده‌هنگامی مکتَل‌ترال و رهبری منعیم مرئیت و

با صدای حیت ایداره سب بالا که درست پیشودهایت چند سازه اینکه درست را در
پیشانی و تائیت در اینی و مدنیتی سازان خوده درست. تائیت در همه
رشن را کنست دعیین کند در هنوز در نسب، آن را رامه واده و این را رسازان
مدقت پیشتر لند.

آنکه اینها اصلی را شناسنده نموده است. ماباید در بین هر دوسته بینندگان. تنه اینها که زاده از گردان
نمی بینند اینسته "شیده اینست زیرمه شیخ رفته بشه"!

جمع بندگان فسی نشسته باز خوب است نزدیک اگر است. در این جمع بندگانی هم که در روس
نشیوند. از زیارت مسیح اشتباه رکار خواسته باهیست که رخداد مواردی را برای دادر و ... حرث خود را
از مردم کشیده فروخته باعیشت سال اشتباه رکار خواسته - که همانی وقتی این ازهسته را شما آرا
می داشتند - صور طبی طارده و آنچه فریبا از که شما در بین کردند این داشتند. جمع بندگان
هستند ۳۰ کدام سک و زن طرد است در این ماباید تحقیق می شود؟ آنکه حرث سرمه از تبارب نکند و
هم اشتباه است توچی و ساقیه در ماباید باز است لغتی کار طارده ۲۰ شما چون
نمی دانندند نگویه ایچه موارد خلاصه کردند گریبانند. آنها در رسیان دایلیها آوردند
در قرآن حکایت نمیگردند این در حقیقت اینسته بیرون از اینهسته افسوس است که در جمیع بندگان
می بینند هم اینهسته از اینهسته در حقیقت سال اشتباه رکار خواسته باهیست نعمت رکار خواه مواردی بهادر
شکد همچو ماباید بجزیات اخیر نمایند - در همه نتایج در هنوز داشتند جو از اینهسته است و
این معرفه دهندر نسبت خذشت گران سالی در انتیت (۱).

و مفع اینهسته اشتباه مطوف است قدم فرخ این بجهش را - نظر باهیست هر چه
آنکه در مداری - بیشتر از گندم لذت بر اینسته بیهی - اینکان است در اینسته صاریع - در ماباید
آن بگهیه بجهش در عناصر بیانی باشد ماده همچنان تاکتیک داشتند. درست به بادان
و شه همیش. اینسته را کن پیده لذت داشتند همچنان که کندن خارج شده و داشت نظم رواکند.
بر عالم تحقق همانند مدلی - تکیه مبتدا اینسته است دلخواه باز هم بیشتر لذت داشت. محبت
مانده دیگر هسته خواهیم خورد.

۲- تامین نیازهای تکنیکی مبارزه با پیش سیاسی ایران

I - در دا سر نیاز د مر تلئیش همچو سیم قاره دارد. در صورتیکه ماننده به فنر لد نکات
دشمن بودم، همیز را فیلمبرداری با جمع هنر آنها بدهام و دسته لست (در اینجا چونه) و سلامت
خوبی را تا حد زیاد در تابع خواهم بودم. همیز را فیلمبرداری نهادم حتی فنر لد و لسته دسته سقطه از را
با زندگی سیم و از آنها خدکشیدم و... و در غیر این سیرت غیرهنریت ه باز هم همیز لد نسته ماه دستیمه
رفتن بی روزیها - حتی با دشمن رعایت کلید خواهیم اداست میان عناصر. می بخوبی در فنر دسته لسته
زخم سایه دن باز هم غیرهنریست.

متبلسان. ترددم بر خود همان را زیبی سخن در میگیرد و همچنان که ترددم بر خود دارم از این استدیکس شبیه است
دانند. باید سیمین متن از اینها گفته شود که نشان دهنده تردد خود را با خود را نشان داده است. پس فرمایش که اتفاقه هم خود را مجاور داشت.
به همان دلیل که همین پایه و این دلیل را در معرفه این اتفاق داشت. خواهد دانست که منطقه ای از غیره را گفت و نکند.

— در اینجا ایرانی طرح است که پر از آن مسکن و رصد و تدبیری سعی بر خواهد نمایم جو ممکنست تقدیر
شود و ده هزارست تدبیری سعی بالغ بر قدرت ایران فقیر که همچنانه تحمل امانت داشت مردم این سیاست را تطبیق نمایند و از این
قیمت خواهد بود. لذا این اقدام بزرگ در راه داد و امن نماید. همان‌برابر صفت و مقام این قناده کجا به سرمه
عن داشت زاره این زر عصینه طواری نمایند.

بررسی این داده‌ها از طبقه اعیان است رفت و با مطلع بودن که نامه مددجی سیم را خارج آورده، ام و همچنان می‌ترانست تصریح نماید که با ارتقیه بر اینکه استگذاری فیض فراز ایشان درگاه زمین را شنید، تا از خدا هم به درستی این این این سیم (۱) نکلا است اور ایندیگر (۲) در می‌اعتنایی همچنان

در این سه بند، برگزیری از انتشار گردید، ممکن است نادیده باشند.

II- از این قدر است که زن اندیمه با هزار ساله دارد بر پیش سوی سازمان بمع
دشمن پیش رفته است و مبالغه فرع سلاح در مارکار آنی کرده است تا زیر چهان جهت بیشتر
شلیل پیش است همچنان زندگانی در این دارود، پیش از این قدر است که زن
داده و داین زنست باشد این اقدامات هدایت مدد و تائید نمایند. همچنان مادر علی آن دهد
نه تیر پر پر کنی دنبان اندیمه این اقدامات ندارد فرمان رسانید این همود است که در این
جهت شروع شد.

بعد از حکم پیش باز تجربه همکار کوچی در تجربه آنیز زاده پیشگویی از زنگید و ایله است در خود رفته بیچ
همکار رسانید لایه اینه که از زنگ در تیره عالمی که تاکنون باعث از تحقیق طراحت فرق مذاهله
قدرت است که زن - سنه است، محمد درست ایله است مانندی که از زنگید و بر قدر دستگذل چشم
از زنگ در تیره است. در صورت قرآن میان مانع، نقد من کنیم و بمندین پیش از این تجربه این مانع

که این رفت و در این راه در گزند ها از زنگید و گذشت این که ایله است از این سرمه داده اند که این را در
هنگام تجربه پاکیزه این رفت - رسانیده با دستگرد عبده الله اند در این زنگید شرم - چشم زنگی و محن
نمکید نه در عطاس منتفق گردید و با شیوه دست رفته عطاسی خوبی را در پوسته داشت. همچنان مانع
رفته بسیار دلیل که را در راستیش کرد و درین منسخه ایله ایله است رفته بمندین رفت. را در صورت دستگذل
سلطه تقویت و موضع صدیقه در تیره هند ۱

در ادامه یعنی دوست خانه بپوشانی هم رسنی چشمید ایله است دسر. همکار کوچی دست داشت که زن
سطم و بسته بکت شکایه ایله
دسر چه کرد؟ و تا چه حد پر گزند و رسنی در این انتقامی نفت نمی دارد. اما علیهم اسلامه هنوز
در ادامه ۲۴۰ در فردرلان که آنی بیسم را در دیسم و توقیب مکنی می داشت را تا پایان این

سیاستی نیز در زیده مطلب است. هلا این معلمات کمتر و کمتر نشانه ای داشتند و باز هم در پر خود را شنیدند
نمایند بین نظر اخلاق خفت است راه از راه است اجهة است نایز.

همچنان روز مردو تجربه تاریخی بود و بار این سیاست مثال بود که از تکمیل این معلمات کمتر و کمتر نشانه
بیشتر داشتند که این کمتر و کمتر نشانه بود که از این سیاست معلمات این قدر دهد و با اینکه این معلمات داده
آنست از این باقی نداشتند.

نایز (در گذشته) نایز بگفت راه از راست و قدرت و دادن از اینکه زیاد است. نایز (در گذشته)
نایز بگفت و چند طور نایز بگفت همچنان که نیاز آن از نایز بگفت خبر رسید بود و دادن از اینکه کمتر از راست
روایت داشتند هم بواره نایز است که به مثل باز از غیر نظر می نیابندند (و اینها هنگام حمله به اینها
می خواهند هم نظر نداشته باشند) که نایز بگفت بعید است در برابر خاصه همچشم بطرف دشمن و لغت می کند (و اینها هم
نهایت خود را بر این معنی دارند) (زیرا نایز در نایز بگفت مخفی است). آنرا نایز نایز بگفت در
هر جا شنیدند آنها را بیست کیم - هر چند قابل ساده تر و مطئر تر نیست و وضع منی هم نیست. درین
یک راست قیاده همیشه راه از اینها را بقابل ساده تر و مطئر تر نیست و وضع منی هم نیست. درین

عدد این نایز بگفت (هدف مارا که عبارت است از از عاب و بعث) داد اسرار او را درین دفتر
قدرت است آن دو دن باز است بواره از این سیاست میگذرد که از این نایز (در این نایز) نایز بگفت

لطف و نیز از این که در راه از این نایز را داده اند در مشهد میگذرد که لا ایش که کمتر نشانه بدارند
لطف است و بیان در این راه این نایز باز هم مخفی است و دشمن شفعت را می دهد و این دهد و -

بنابراین بر این راه از این نایز بگفت که دشمن و از شفعت که از این راه از این نایز میگذرد
خدمت دشمن بر اینکه نایز نیستند نایز شفعت بجهت احتمال از راستی این راه استند و باز هم همین از این نایز
را از این راه از این نایز فرستند که در این نایز نایز

است و دُشْرِ مجفه و دست ب آن مجبه است خود را بر این مصلحت ماندن را زیرکن در آن مخفی نماید
و لذا از هفت نسبت بر از زیارت می آید: همیز، صوت عربان و مردم عادل و غیره
یعنی هب نه غلب در کسانی مادر جهود را منع نمایند و بر قدر خطا و اراده می خورد و در آن حدود است که
در مرقر خطا خواهد شد و شایع فقط شگفت و شده خود را خود دُشْرِ را در بجزی تگرد.

چه- سکته بر رای باره همچ در خود کند که در آن می چن مانی خوبی را استفاده و ایند تا باشد
خود را تا سر در تکینیت را باید این بروز نماید لازماً کنیه و این امر که از خود ریلا در اسرائیل
نمایست و زیرینه عجیبی در گذشتی زکور برند و در کارهای دارد و هن مسند اینست تنهای خود را باز نشایع
پس آنست. در اینجا بیش از ده آلت تنفسی میگذرد و دارد بحث آن که خابح لزمه فرعی است یا نیزه (یا).

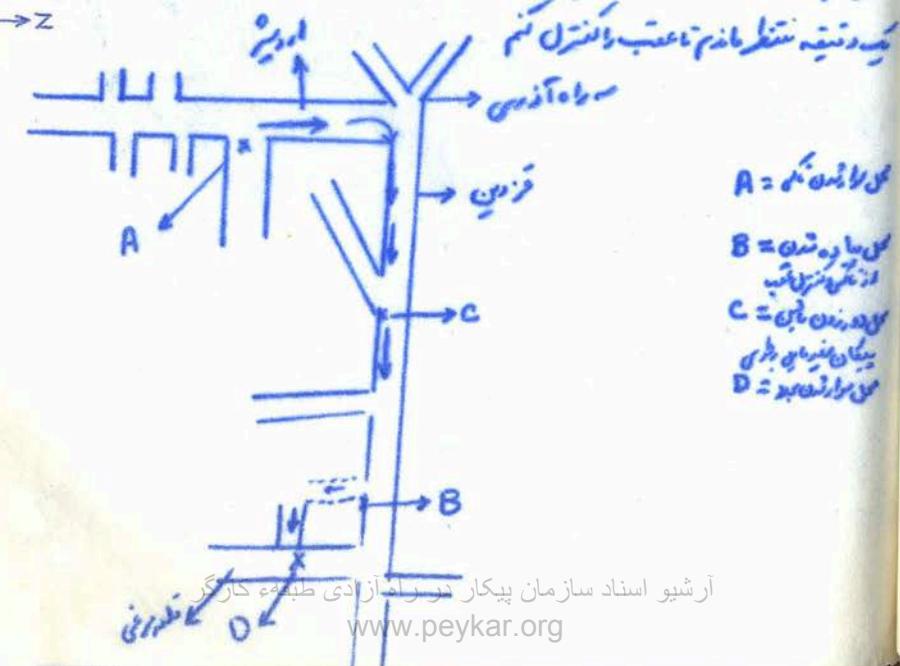


در اواخر سال ۱۳۹۱ (۵۷) آنچه از مردم با تعلیم قری بگذرانند سیاره خود را از خانه خود متعقی نمایند گزینش مذکور در فراز این مردم شوهر خانه از شد است که مابعد این امر در کامن آنرا از دست زیر می کردند و هر چهار طبقی لازم بینکه با تعقیب باشد... بعده در پادشاهی گزینه کردند هم رسم پادشاهی برداشت.

نماینده "تعقیب"

گزارش رئیس تجارت چند نفره تعقیب:

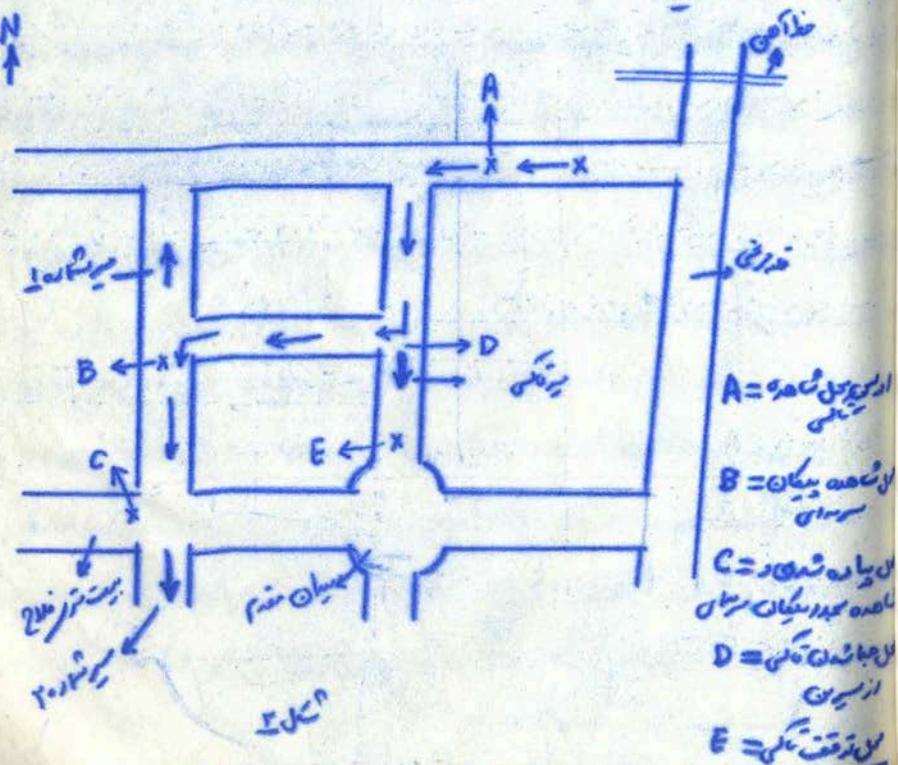
پادشاه، در پیش از کوچیدن خود بدن امر داشت که اماق بود. من صبح ساعت ۶ عصمه اجرای قرار از خانه خارج شدم. مادر خود بدن امر داشت. در پی از خدید ترسیت ناسی خانه مسد کوکا تازه بگاره اختناده بود و تیرا کوکه موارد شدم. در پیشین مردم سبز فروشگاه را که نزد دود مردم - به همراه شدند. عصمه من سربل بودند خبر را کی نیست که بدم. نشتر. در جدران ساختمان هم اندکی رستم را از فتره میست که تا این سکنه و حقیقت ایشان را می دعیت، شنید نشست. - روحی راه پیکار بر جای نشسته داده ناصد نیاز تراکم پیکار از



- $A =$ محل نامنده
- $B =$ محل مادر شدند
- $C =$ از نظره ترسیت
- $D =$ محل دیدند
- $D =$ پیکار نشیدند
- $D =$ محل برآمدند

میں تقدیر نہیں. جمیلیه سنت نہیں را داشت کہ پیشان سفیدی بطور مارچن درود نہیں دیس - البتہ
ایک ناصحانہ نہیں - من نے بعد از مصطفیٰ رضتہ بودم ہرگز تم رعایت پیشان نظر نہ کردم. اور برسٹے جو کہ
دردست خلاف و لئے میں نہیں دیکھتے۔ دارود حضرت شریف میر از فاطمی کو حصہ حدفاصل نہیں دیکھتے، میں نہیں
خواہ دیکھیں۔ دیکھنے سے مولود میں سختی ہے جیسے غرور دیگری ہے تو دارود بودم دستیاب پیشان سفیدی روزہ نہ را دیکھتے
نہ تقدیر فیض مارچن میں شدہ بیقعتہ سیان نہیں دلت کردم۔ دن تک دوچین عذر نہیں حبیب بار حبیب کردن
نہ تقدیر فیض مارچن۔ جو اتنا امباب اور بیرون... بیت میرن میرن نہیں طاری خیابان میں خط آکھیں شدیں۔
درست طریق خیابان میں بیت ناس با درغیر سر نہیں رات ہڈہ کردم کہ بھا مدد ہے۔ میر ازاں میں آکھ۔ میر

راہیں میں لے طلب کردم



$$A = \text{میرن میرن}$$

$$B = \text{پیشان پیشان}$$

$$C = \text{کسلی کسلی}$$

$$D = \text{از بیرون از بیرون}$$

$$E = \text{کسلی کسلی}$$

اگر میں خوبیں پریں شد فریشیں روزہ رہیں گتھیں نہیں رہیں میرن میرن میں تران مزددا رکھ کر
رات سیفیں راح را صدقہ کرنیں خانہ رہیں مکملہ رہیں اٹھاہ لائے طبقہ کارگر

درسته D کسی از همچنانه و بست جنوب نفت دهاراهی غرب شدیم. در نقطه B درست بر سرخی از پرسته پلکانی سرمهارا، را با آنست بلند کردیم سر زمین دیدیم. از بلندگاه مده طرف شمایل - "سر ۱" و دشت کردیم در نقطه ح پایانه شد. همین قسم ترقیت گردید تا ما سینه می دادیم لزیست مرد همانند کنترل کنم. پس مقدور است بضم جنوب خیابان را داشتم که پیش درباره همین دشداش بار پی از شاهده من بسته بست جنوب "سرمهارا" و دستگرد داشتیم پس اصل را با غزی درست پس از دیگر از خودش در دارده داشتیم. بست غرب سینه را خیابان به سرمهارا داشت.

١١١٩٣ - جـ ٢ - ٥٥٥ - ٦٧٧

گذشت.

وزمینه مرغی گذشته و پادگان را بست مرداز استاده دارد بیت تر جادید شدیم - حق سرچ

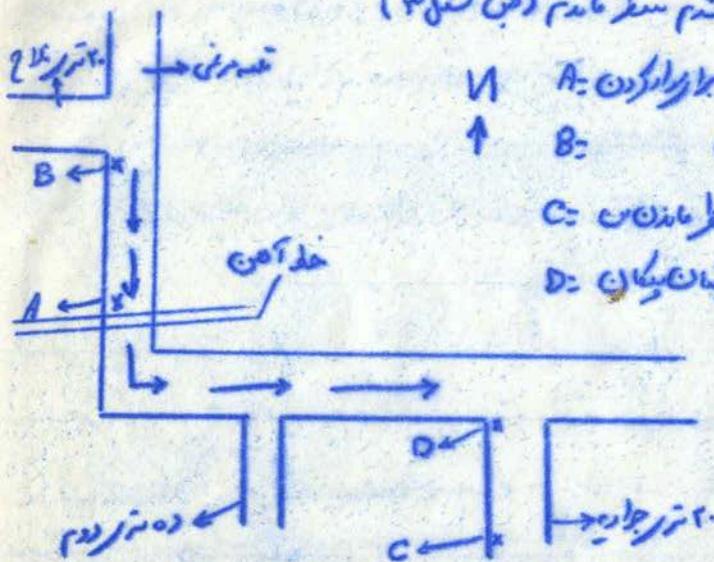
جادید (زمینه های پاره شده سطح ماء) (طبقه شکل ۳)

من توقعت نداشتم همچنان را کردند A =

من توقعت نداشتم B =

مثل پاره شده سطح ماء C =

مثل پاره شده سطح ماء D =



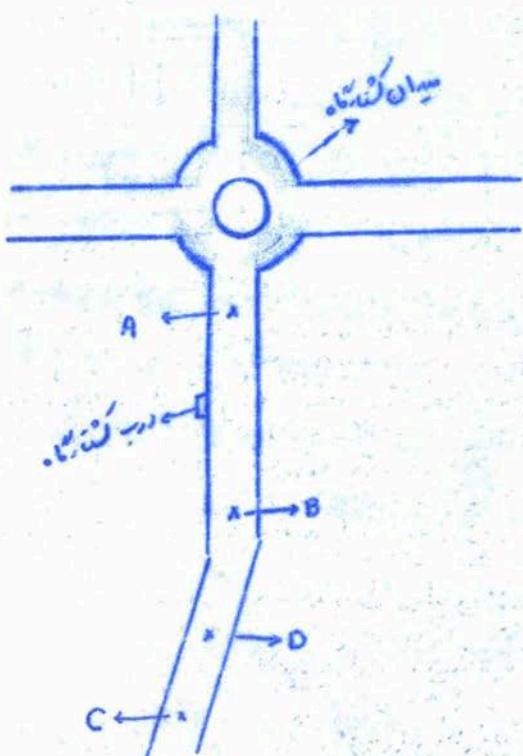
پراز جنگلی قیمه بیگان هم بیمید و با شاهده من ملاع احمد بقیه از زمینه و سرتیغ پاره شده
زمینه (D) که از سرتیغان ملاع احمد از میهم من مخفی شده سوچان نقش عتبه دار را بجهه گرفت
پروردیم و توجه فخر تغییب در خود رون کر که از قدرتی بودند - و تیرن عقبه بسوار شدند - چنان راه شنی که دری
دست گردید - بیگان از خود رون گذشت دین از خود رون گذشت دینه اسرار و دسته مرا از نزلی کرد.
تاریخ این مسابقه - خود را که به اصطلاح از بیگان پاره شده نمود - بیرون آمدند هنری نیز این
ساز پروردی بدانه بیگان پرورداد - و سطح را نیز پرورد - بیگان سازش شده از
خود رون عبور کرد - درین زمان به جوار این میدانه اسرار والد من مخفی شده از دشمن را در رون
جیب پرهاهن کرد - بیگان راهنم بیگان طفت خود کرد - به محل از دن کرد - بیگان خود قدم خود را از
آن رفاقت کرد تا از فردا پاره شده و من بطریش دست کرد - و باز هم من سرگرد خود را از رامنی

کند. حال آنکه در همان حینه نقطه میں بیل را نشانه را به ادراجه برد و حالا در ترکیبی یعنی برگزار
و شکار مذمت ببرندیر. مطابق با میکانی به معنای میدان کشندگاه شدم.

میکان حینه ترکیب لازم است. مطوف خبر بد مذمت شد و من پیاده شدم - آخوندیر بود.
محضر پیاده شدن باز هم میکان سرمه از زمین من لذت داشت - درست وقت و خود پسر را میخواست کرد و
در درین متوجه از فروده بودم. ادب این عربی و ذهن ریخت ما در این گزینه بود.

من مطاد میکرد و بمعنای ناز را کاد شدم. بین فرزند شفیع از دروب گشت و گاه باز هم کسی را در حال

ترفت و بیم (انتظار)



محل پیاده شدن من بود است بود
میکان در میان شده

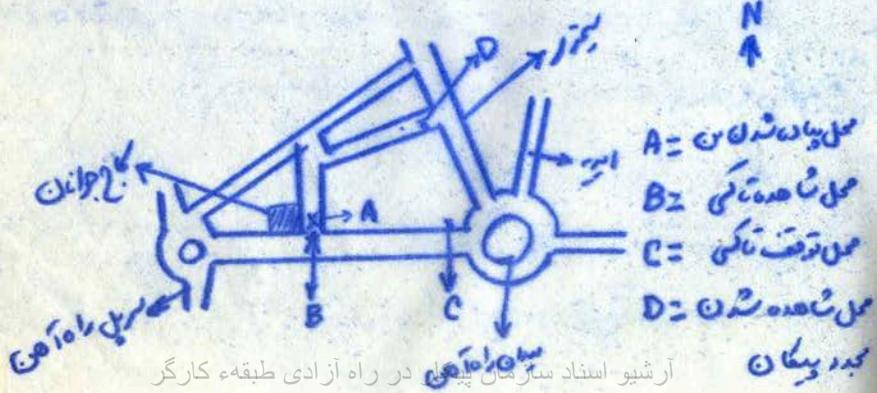
B = محل ترفت تائی

C = محل پیاده شدن من بود

D = محل ترفت تائی

با این همه تائی دوباره ریخت کامل ارتباط از بیکان سرمه از در سرمه چون دلخوشی خود را
آنست این شده با آن رسیده است، پیاده شدم. محضر را خواه ریخت از زمین من به رانده کرد

به عصب برگشته عناکسی را که از پیچ لذت شده و هر چند امشده بوده بوده کردم را درین بحث معرف نمی‌دانم
 تدقیق از بین می‌نمایم. بنابراین در خود فرمان را درین ماده استادار کرد. من پس از پیاده شدن
 بطریت آنی و دست کردم به خوبی قدمی از گاه رسیدم. از حالت وفات بخود گرفت در درگزین منطقه خارج
 شدن از پارک که در پیامبر مبارک رسیده بودم خود فرمان را خشم گردید که سلسله انجامی در درگزین بخود گرفت.
 من در نقطه B طبق در صفحه تابعی در بستانه ماه می‌باشد. از این ایرانی در عقبه راه آهن شدم.
 پیش رفت کاخ - از سر جاده ساد تقویت چون بود و حاداً از بیان آنی با تغییب، پس در هر حالت
 توانی و خارج شدن از پارک را بخود گرفتم. در میر بینی کشته می‌باشد و راه آهن آنها خودت را مخفی گردید.
 بودند و نیم کلمه عصب را حیطی گردید. آنها را نمی‌بینم تا در سرچشیده بسیار راه آهن -
 کوچه ای که در منطقه ای کاخ جوانان قرار دارد و اینجا که از در راه آهن درآمد - بیان نمی‌شود
 در نقطه A) از پیر از یک نیمه تاں بعد وفات بطریت صحن خانه سپهبدیان را داشتم که تأسی در نقطه
 گذشت هدایت شد و این بار با ترسی همیشه بزرگی از در همین راه نسبت بود و رانندگان نیز با یک هدایت
 بینا بینی که سیم لفته اند گفتند تا بپنهان در راه همیشه خود فرمان را به خیال نه نهادند. من از اینجا
 در بلندی امده و بطریز ناسیونا اسپانیا را می‌گذراند. پس از این همیشه خود فرمان را به راه رانم. من در نقطه B
 (شکل ۴) (در صحن خانه خوبی) آمده و میر از تحقیق دهم در در نقطه C) تا تأسی که من کوچه بیرون
 خود فرمان را بینت سک از ترس و در راضی پارک را در عین کند و بسیار بود.



آرشیو اسناد سازمان پیوهن در راه آزادی طبقه کارگر

محل پیاده شدن من = A =
 محل شده تأسی = B =
 محل برق تأسی = C =
 محل شده شدن = D =

محدود سیمان

شیوه های افراد تحقیق کننده:

۲۰: هر روز نه بگوشی و شکنی چاکره مردگر کوتاه و سبیلی نازک - دماغی عفایی دلی
پارک و ستاب - بلندگو روحیه و غیره - بقیه راست خود را بند و همیکی لین

ماننده پیشان آمیز: پیش سبیله چه رائست باشی تقدیم که هیلشن خدمت حج در درگاه پر
از او بود. مردر کوتاه و سبیله بازک که کمی طرفت با این کنیده شده بود.
ماننده تکی: در زمینه و دنای این بزرگ دعوی می‌برد. بر دلیل تسریط و بیان طرفن مدحی طرف
بالا بلطف کنم گذار بین داشت.

فرو رام تاکی: پیش ترده اس. مردر کم - کمی - با فرهادی مرز
نوزدهم پیشان آمیز: حامل بین ۲۰ سال، لافر، بلطف، مردر کوتاه، بکه ام خرد، بلذیر
سبیله عرق ثیه و بزرگ بین داشت.

تجارب این تعقیب:

۱- ارتیاط پیشان سفیر که در مردم اهل تعصیه شده گردید. مردم باشی تعقیب
بواسم و پسر زنده. از ارتیاط طلاق داشته باشد. همین اینسته آنها با عرض کدن پیشان سفید
نهایت کردن آن را زدن در تعقیب. هفته گرده کردن ماذداشته که ارتیاط تعقیب با این راه
را اتلخ کرده و تعقیب را - بفرموزن - هیئت رسانی می‌بلند کنیم.
هر چند تعقیب سی من لعنه که سب ایپ لزهدید ایپ روی از عصب وقت کند (۱)
می - طلاق مانده لز بیت ما سیر. حامل ماده تعقیب وست می زند بگد اینجی مانده
خدت نیزه تر فقط کرده (۲) در بیت ره بیت ده بیلدر خلط اول بیت ما شن
حا طرفت ن رانمی کی لسته.

۴- همین مرغ کفت تعقیب زمان را نیافرید. است. همان منظمه که آنی فرمان را من
را رسیده هم و آنی مقصده بیلدر خلق را می کند. بایتی سرگشته دکتر اسل، بیزه، رعیت را
دو نظر بگیری - بخطمه اصلی - چون آنها بجهن ده بیت ره بیت ما سیر. می‌رسانی لعنه فرمان
را رد داده اس استوار لئنه. فقط در صورت خا ملکیر بر بیت غردد لایه می رهند و در عذر

ستظر من باشند

۵- میتوانی رتفعیت را مات ب غالبه غریب در حقیقت دارند - خداوند غریب بیفت مذکور است .

۶- کلایه از این کوچک نمی شود و می تواند از خیابان لترن لکنند (۲۳) با تفاسیر داشت از اینه
باشند و لین در هاست ته افسن باشند سیر را افزود گردد و لازم است ملس آن برگشتن از اینه داشتم .

۷- استفاده بیشتر از ماده ای - هاست طواره - این اضمام ، مرفضیلر را نسبتاً با
استفاده از اینه از اینه است بیشتر از اینه میگردد . آنها محبوب دند بیشتر در همان آنکه (باشد) می
می دهندشان بگذرانند از اینه دهنده . البتاً این می دهند باشند و وقت لایحه ها مخفف هم ندارند اول
تفصیله - می توانی - بیشتر قدر . برخلاف اینقدر بسیار می بازد فتن که تفصیله دارد هست
خلاصه از اینه . باشند ترتیب فتنه از اینه را در لایحه خود بگردان کرده و لازماً از اینه خالق می گذرد
تلخ و فتن خیزد تفصیله از اینه داده بگواده شدن هسته لازم است .

۸- سیر در خودت باید من مدل بر این رکف تغییب است . میں باشند می لایه از اینه لازم است
این سیر که مخفف صادر خواهد بود لایحه تفصیله عبارت گردد .

۹- آنها بجهت رسیدن به اینی ب داده خود را نگیرند تا چنانه میتوانند تا ان برایون شناخته شده
کن ماده ای را لازم دارند خارج از اینه . خوب نمی پس از زرده آنها را بر لایحه بیان سهیه از استفاده
نگرند .

۱۰- ها باشند خود را بر این رتفعیت در پیشیده تراز این آغاز نمی کنند .



پادشاهی در "گروه فتوح امیری - نقدس" بر جای نتفیت خیابان اردبیل

(۱) - خارج سند در دیده شده که میں از بَشَرِ آئیب در پیش لوره و دست محاکمه بدهی ترتیب کرد آئیب شفناکا لوره را تدقیق می کند و آئیب با آئیب در سی لوره آئیب مذکور را در مقابل می کند. هر چاه مالکی لوره از محل شُب و خودت یا برجی و خیابانی که در دامنه هار آن محل شُب و خودت یا برج و خیابانی که در کنار آن آئیب نسبت می کند و آئیب به در تدقیق را در این راه طی می کند. هر چاه لوره حین عبور از میان محل دین که اینان پیشتر در در وارد مرفق بـ شـد میـسـ آئـیـبـ تـدقـیـقـ لـلـهـ شـدـهـ دـرـ اـنـ رـاـبـطـهـ شـدـکـ شـدـهـ بشـدـ باـقـیـهـ اـنـ آـئـیـبـ رـاـتـهـ رـمـلـ خـامـ شـدـهـ وـ خـدـرـ رـاـ تـقـیـفـهـ بـنـدـارـدـ.

(۲) - این مرضیع را نمی تیز. بر حسب اتفاقه لوره هنوز هنوز رجایت نمی بیند. اینکه در سراخن لوره تدقیق باشدند با آئیب در تجایت از لوره رسیده و سند بینند. آئیه تدقیق را از پیش ملی شروع کرده باشند و ... وقتی دن زن چه خواهد کرد.

(۳) : این مرضیع فقط مبار مادر را که لوره دارد می کند و در دیده از مبتلا می شود. می شود صیغ است چهارمین امر می تدقیق و را ایب بگفته ترکیب از عصر پیاده، موقد، لوار و لباس می کنند تدقیق باشند. هنوز هنوز درین امر بین داشتند. دلایل لوره سند در دیده شده اند عندها پیاده به تدقیق لوره که داده اند (نمیزه دخا - رستمی). با علاوه رهگان قرار داشت و در سرگار داده شوند لوره سند را تدقیق دیده بود.

البته هر چاه لوره طاره کرم کشیده ایب اند بین مراره اسما جلت و دست (او مدعاوی) که زنده دیده اس مردمین حدیث می نیزند کند. شلاق بست رشیده ک رفعه قدر آنها سنتظر سرگه میانه. جویی همانطور که تقدیم شده عنده پیاده نیز راه این مراره دارد می باشد.

~~- Zajímavosti o vývoji a využití vodního hospodářství~~

در همین موضع نزدیم که خیلی لرزیده کسر پر احمد باز است و از این راه آنست که از این موضع
شکم بین داده شده نارنج پیوست. بعد از این هر چندی همچنان علت فنا که در روزهای پیش از این موضع
بینزد ادغشل زریده همین مسنده - تراویه اور پیشگیری است تا بسیاری از طلاقه از این راه بگذرد - و اینم.
مشهود بجزم بینزد (۲) را لازم دارد همین عیبت لازم از این طلاقه کوچه III بگذرد و از
عده است اول (۱) بگشته باشد. همینه بسیاری بروز شده نزدیکه بوده که بوده "او" نزدیک
و عیبت عکس من از بودجه است! (فقطه) و دیگر ما همچنان بوده اند از این متعاقبین
بگشته است. اندکه آلان سرچ من از بودجه بسیار متفاوت باشید عین گرفت از این اینجا را به
برویم و بعد از متفقی هول شد و بـ هدا ترتیب از این رسان آمدست و مطوف شد
و حکمت نموده. من از نزدیک عده است (۱) مفترض شده این بـ بروز سرچ III
و گذیده) و لقیم گرفتند که ته دختر قصنه را دارد و سه (۱) زرجه III بگردیده من از همان
خواهرت متفقی همچنان داشتند III نزد و مطوف شد. بـ هدا است که چهل (۱)
درست کرد. و با طرفکه بگفتم که "او" دوباره رسایر متعاقبین را باز خواهم گفت یا نه
و درین قاعده کوچه عده است (۱) و خوبی را متفقی همچنان باگفته به دیوار گرفتند - و بعد ریشه از این
ـ سرچه III و جوده نداشتند بـ هدا - متفقی را داشتند. و درین روزه است که از نظره ریشه هم در III
ـ کوچه (۱) بـ جوان متفقی همچنان خود را تظاهر کرد که از این تا پیشیم که از اینجا بـ بروس نزد
ـ داشتند. و از این کوچه III نزد بروس داشتند و از این بروس از این طلاقه آنها که بـ کوچه III نزدیک
ـ نشسته بـ کوچه III از این کوچه مادر کوچه III نزد و مطوف بـ بروس نزدیک
ـ داشتند. سرچ نیز از این کوچه خود را متفقی همچنان خود را باختت داشتند و از این روزه سه
ـ مسماز از نزدیک کوچه III داشتند (۱) و از این کوچه III متفقی نزدیک نزدیک نزدیک نزدیک نزدیک نزدیک
ـ کوچه III بـ هدا بـ پیش رفته و سه از این کوچه III داشتند که همچنان داشتند و مصنوع
ـ شرط مطوف با هدا همکنست که III سارهان پیشکار خواسته و از این طبقه کارهای گزش - مندانه -

انفتاد است و از درجه هر دوست من این دراین تقدیم

- ۲- سیر خود را مطابق با نظر و دلیل اولین پوسته سلیمان (اوین نجه) مصنی دارد
و سپس در میان نگاه اماده بیت سرمهن بحکمت برگشته بعده (از آن مرد و زنین
بیت عز اعلم و متبریست) منصب همان پسته متفقینست. همچنان آنرا فرمی
آر شنیه استند اساز مان بیکار در؛ ام از آن، متفقه که کمال

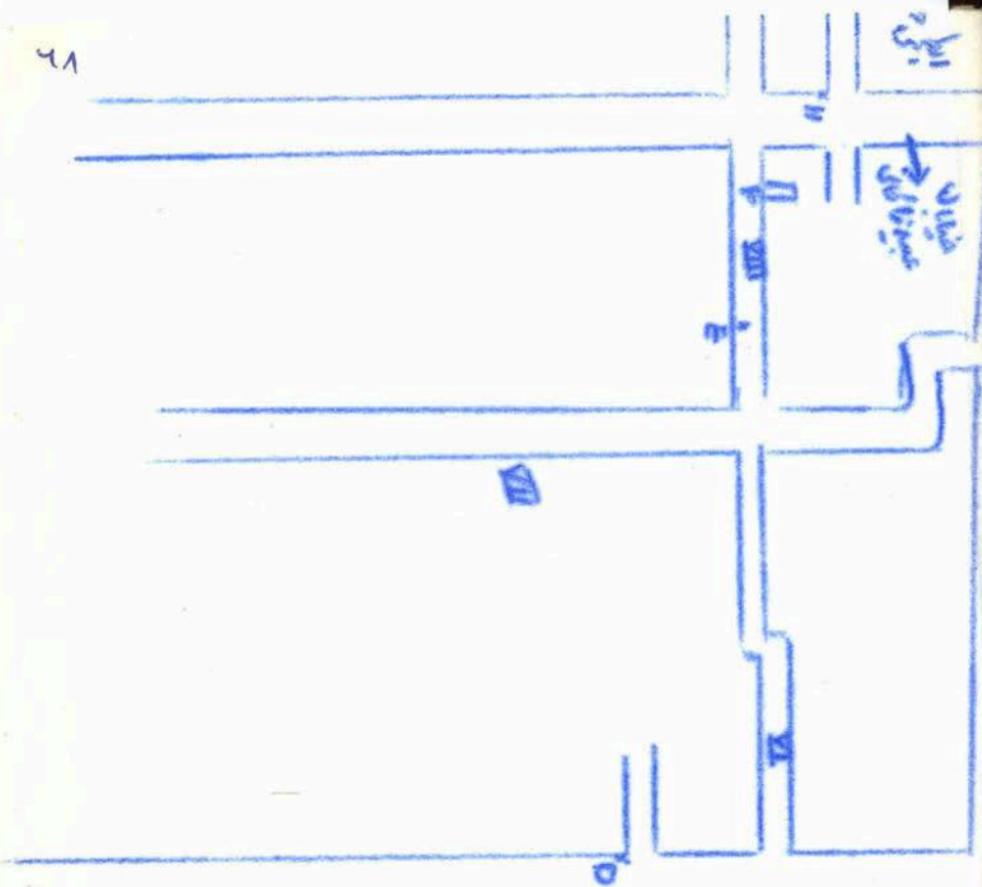
و یا اینکه ممکن نباشد این طبقه بعده باشد است. مار ... بخط و متنیم در اینجا با
علیم چهل و تیرمود را با طبقه دیگر رکن کنترل نمایند و خود را در مکان قدر میگردند
بمشهد داشتندین طریق عصی بر کنترل آنها با خود را تهدید کردند و نزد ملی میگردند ...
مادستورهای آنها بخواهدند ...

۳۴) مخصوص سین از حد پایی از لشون و متفقیب همید و دین از آنها دو برابر
اندیگه از ناقصیت بیشتر و قطعی ~~بیشتر~~ از صوره آنها شده بود (شاید بود) ...
آنها بحکم و مذهب خود را متفقیب - فناخی بودند متفقیب (۰) و خودشان را در هم از اینها
حضرات مسجد و راه را خواست. چرا که اولین معتبر از حد پایی از منفذ و نزد ملی شد
با درست مسجد متفقیب - مکفیم را در شرایط که اولین مثبت سرمهای را در میگرفت -
حضرات متفقیب اول از ملکش (که باتفاق نزد مطبود طلبی بیت ملح بشه) مکفیم است باید
در زمان تشریفات معتبر از حد پایی از منفذ مسجد از معتبر از حد پایی (این اتفاق از اینها میگردید)
اینها مسکونه نمایند اتفاق این نظر و خود را مانت که با انتظار از متفقیب طلاق است -
هر طبق نموده و متفقیب - بحث همراهی و متفقیب در میان بنت نمایند و با این ترتیب
را بخواهند - این دو من در اینجا میگذرند. مکفیم را که ملک نموده و ملک را میگیرند و میگذارند
فی سیم " میگذر از طرقی و میگذر از طبقه کارگر ... با استفاده از معلمین مدن بر منفذ -
پس اینجا خواهد شد .

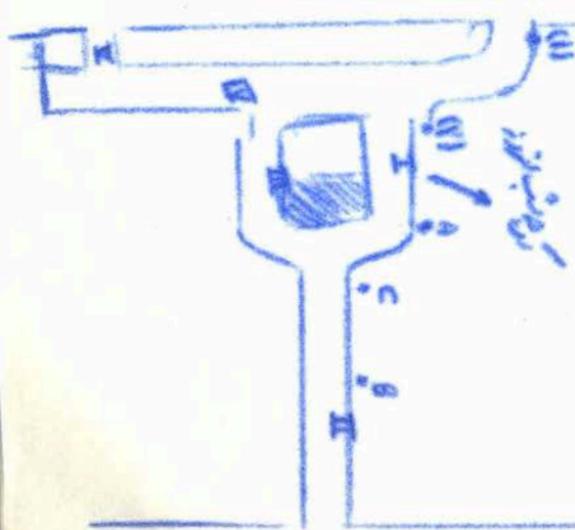


۴۱

کلید



جایزه
→



« سیو: سوزاندن مدارک در موقع اضطراری »

هانطور که در پیش نامه مربوط با تأثیر نشیده امیق آمد، قرار شده از این
سیاره اینسته که محتنی دی راجع پساقت گیب و سند برای آنکه ارسی مدارک
سوزاندن پرستی که برای رفاقتی که دیده و بخواهی تلخی نداشته نیز خابل
پساقت باشد، همچنین کو صنایع راجع به سخوه سوزاندن مدارک
آورده شود. اینسته صند را در درست خاصیم آوردم: اول کو صنایع
راجع به سخوه سوزاندن ~~و مولا~~ سوزاندن مورد استفاده و دوم
کو صنایع راجع به دستیه آنکه ارسی مدارک سوزاندنی و طرز پساقت آن.
اول راجع به مواد سوزانده مدارک و سخوه سوزاندن آنها: هانطور
که رفاقتها مطلقاً تاکنون از نایابالم برای سوزاندن مدارک استفاده
نمی‌کارند آن بهین صورت بوده رفاقت مدارک سوزاندنی را در
گیب آنکه قرارداده و درکنار آن ظرفی (مولا یک بطری یا همچنانی)
نایابالم قرار می‌داند. در موقع نزدیم نایابالم را در کسی مدارک درون
آنکه سیمه سوزاندن مدارک که تاکنون تنها لیزه تابل آنها؛ در سازمان

شنایخته می‌شوند. در بجز نیان داده به هیچوجه دارای رانه مان نبوده.
به طوری که پس از اینما نایابالم و خاموش شدن سفله، آنکه مدارک - بحضور
آخر قداد مدارک زیاد بود و از دفترچه در تاباکی بسته پربرگی تکمیل
شده بود - بطری نیم سوخته و هاشمیه سوخته بر جای می‌ماند که در درجه
اول ناسی از زیستین هرای کافی هستند مدارک در حال استعمال به لیل بهم
فرمودگی آنها در درجه دوم ناسی از مقدار نیم ماده سوزانده نایابالم می‌باشد
که می‌تواند سوراخی بدهن آنکه تنها تا لیزه همین میزان می‌تواند در جهت
رساندن هر این مدارک در کارهای نزد این مدارک این سوراخها باعث فرز

مرفت نایاالم نیز میود بطریک که آگر بیل از آن از از معرف نایاالم و دی مدارک بر زیر
از آنچه سوراخها خاج شده و نایمی در عمل سوراخان مدارک تخریب داشت.

از طرف دیگر از آنجا به بیولوژیت موجود در نایاالم در موضع سوخت دود
زیاد که ایجاد می شد، مایع نایاالم برای سوراخان مدارک در محل ظی سر پر کشیده
ای مانند اطاق که ضرورت ماندن از این درین نیز از ازامی است. مثلاً در
زمان دیگری با میس و مقاومت مسلحانه، مناسب است. نیز ایجاد ناراحتی
در مبارک تنفسی بخوبی که در صورت ادامه مغز به قلب نیز میگردد. در این
گونه مدارک بخواهد خست می شد ظی سرمه بته و محمد دی میتوان از اقل
صفقی برای سوراخان مدارک استفاده کرد. حضرصیت اقل در موضع
بدون دود آنست. البته حرارت درین پائی نایاالم بنت اقل بکثره
است * که این نفیسه را با مصرف سبیله اقل میتوان نزد.

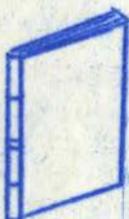
لذا به جایت ضرر برای سوراخان مؤثر مدارک باشد ایطی ایجاد کرد
که اولاً مدارک در معرض اگرین کافی حیث سوخت عرا برگرد، هماناً ماده
سوختی به مقدار بیشتر و به طریق مؤثر تر در مبارک مدارک تحریگرد.
اما این ایالات ~~برای این مکانات~~ به جای نایاالم از مایع سوراخانه
بادو دی نظر اقل استفاده شود.

برای اساس طبع ذیل پیشنهاد میشود. این طبع در عمل بخوبی
و نتیجه رضایت سنبی داده است.

خدم و سلیمه سوراخان مدارک: این سلیمه برای اساس ساخته
شده که اولاً مدارک از یکدیگر جدا نموده و هر دوی کافی درین آنچه جریان

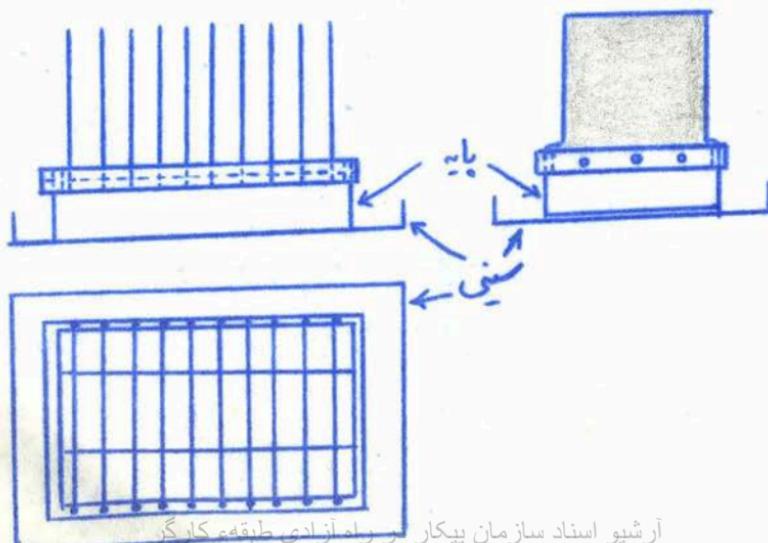
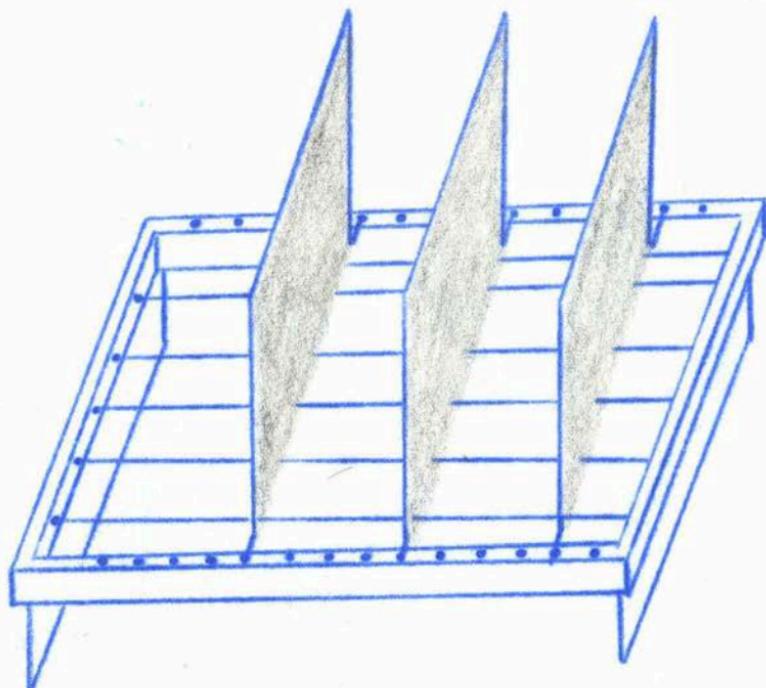
* این راهم باشد ترجمه داشت که اقل بنت به سوخت داشت به مانند
نیز و نیز و سایر مستفات نفت دارای سفله مرحمت رئی است
آریکو اسناد سازمان پیکار در راه از ارادی طبقه کارگر

دانسته باشند، تا نیا متریف از الکل در زیر مدارک مجدداً باشند کاهم از نیز نیز
سفله به مدارک برگرد و همانند درینه متریف الکل بیشتری سیزان بگام برود.
مثل آندردن تاباها و مدارک تقدیم شده است از تعدادی صفات توکی
که مدارک درین اینه صفات به طور ایستاده قرار میگیرند، در صورتی که
کتابها پربرگ باشند سیزان به طبعی آنرا افزاید که کمی دو صفحه کوکی
درین اصفات آن کتاب جایگزیند. تعداد زیاد سوابق اخی ای چاره هب
حدود ده هشت - بنت به تعداد صفات توکی - حدود ده
عدد - به خاطر اینست که سیزان تناسب با مطرد سکل مدارک، صفات
را در جاهای مناسب روسی چاره هب تغییر مکان داد.
هانظر ره سکنه ره تاباها را با یه بصورت ایستاده درین اصفات
توکی میگذرد. مطابق سکل موجود



این سکل آزادن دو دلیل دارد. اول آنکه مربع رنگی الکل روی مدارک،
این مربع سیزانه لای بگذاش صفات تاب رقه و باعث هرسخت آن
گردد. دوم آنکه سفله ای که از نیزه از دردن سیف به مدارک میگردید به تسبیح
سبیح و صافی ره تاب برخورد نکرد. بلکه پربرگ روسی بازدید زاد بر خود گذشت
و آنرا هرسوت نموده. در نیزه اینه وسیله کیاسنی قرار میگیرد، خانجه در
فرق اشاره شده بدلیل رازهای را بالا آراییمیشون هرا - بنت به آیین - و
همین وجود سیف، در اینه سیگه سیزان از الکل صفت به عنوان مایع
سوژاند. استفاده کرد. تقدیم مصرف الکل برای حدود یا ترده مدارک
هر کدام بجهنم نفرمی بکند. شفتم صیدرگرگ بر این معرفه طبقه سیزان الکل صفت است.

در زیر شکل کمی اینه مسیله دیده میگواد.



آرشیو اسناد سازمان پیکار بر راه از ادی طبقه کارگر

مرتعن و مختن الکل روکی مدارک . مقداری از این مایع به درون سینی را از خود
یافت ، علاوه بر آن باید مقدار دگری الکل بطری مستقیم در سینی رفته باشیم
عمل مادرحقیقت هم مدارک را از زیر نیز آشنا نمایند و هم تراویم بلکه
برای سوزاندن از طریق بکار بردن همچو بستره ای از الکل تا میان گردیده ایم .
این میتوان از بازار بخواهد که در نفع مناسجه و ارزان آن هم
سینی بی جلسی پرسی است که روک آن عکس و منظره چاپ شده است
در حقیقت با به مقداری پنهان گرد . این پنهان مقداری الکل درون سینی
را جذب کرده و بدین آنکه سوخت مایع را کنترل می کند ، باعث تداوم
مشتبه عمل و در تاکتیک از الکل میگردد .

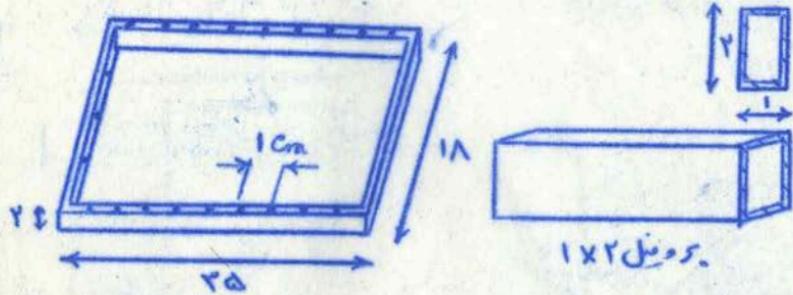
این مسیده تقدیل شده است از یک چارچوب از حبس پروتکل آهن
چند تا دیگر که در لف این چارچوب قرار گرفته ، پایه یک مسید برای بالا
نگاه داشتن چارچوب از سطح سینی ، نکاتی هم مسید در درون آن
قرار گیرد . مسادی اینکه در سوراخی روکی چارچوب قرار گیرد و مدارک
را جها از یک دگر نگاه میدارد و مقداری توکسیسمی .

طنزه هایی : *

۱ - چارچوب . پروتکل نه در اینجا بکار میرود دارای مقطعی مستطیل

* ابعادی که در اینجا می آید برای مدارک با جم دارند حدود های عدد دفتر
صهیگی است . واضح است که این ابعاد متناسب با تعداد مدارک
قابل تغییر است . بخضوع و تفاصیل که تعداد کمی مدارک سوزانندی دارند مسیانه
از طرحی ساده تر دگری که به عنوان استفاده از چارچوب پروتکل نزد
عملی است استفاده کنند . مکروط به آنکه این نکات در آن طرح
در نظر گرفته شوند : اینجا این معمولیکی وجود ارادی یافته و در آن میگذرد
آشنا از زیر نیز به مدارک بزرگ آشنا شوند .

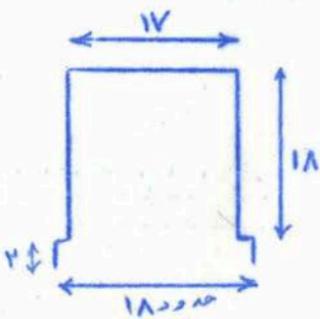
با ابعاد ۱۸×۲۵ سانتیمتر است. از این پرمنیل یک چارچوب با ابعاد ۱۸×۱۸ سانتیمتری کهیم. برای میله آن میله ای نباید ب مقاومت ۲ میلی در دینگره سازی کرد و تعداد زیاد در سطح سفر مرجد است مراجعه کنید.



پس در مری دو ضلع خود را نقصان سو را خ ب عطر ۳ ملی متر ایجاد نمیکنیم بلکه یک اولاً سو را خا داده تا میله هم بوده و مانندآ ناصداد و سو را خ در دست چهار ضلع از همه میله را سانسیر باشد. این سو را خا که حدود $\frac{۱}{۵}$ حفت میلود طرفی زده میتواند که از هر دو سطح پرمنیل عبور نماید، کابه نیزه را سیب یشم ؛ ئی که مدارب لابلای آنها خواهد گرفته اند با عبور از دو سطح پرمنیل محکم در جای خود استاده و به طریق کج و راست نشود. هنین تعداد کی سو را خ - حدود $\frac{۱}{۷}$ حفت - دو سطح داخلی اضلاع کوچکتر؛ یه تغییر نمود. این سو را خا جهت قرار دادن تعداد $\frac{۱}{۵}$ عدد دیسم در یک چارچوب برای قرار دادن مدارب مری آن میسازد. توجه شود که هر کدام از این سو را خا کی اخیر در یک سطح پرمنیل ایجاد شود نه دو سطح، تا دو سرتان $\frac{۱}{۵}$ عدد دیسم به دو سطح سو را خ نشود گر کرده و ب مردن نصفتند.

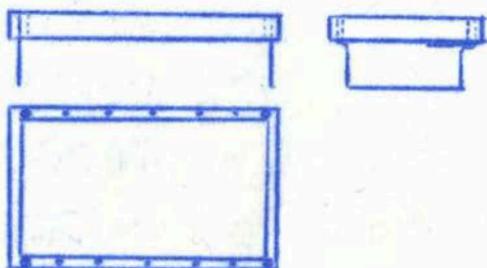
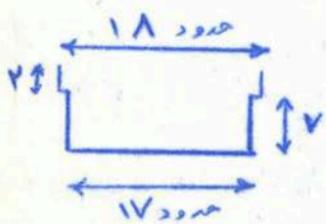
میله آن محل سو را خ در مری اضلاع چارچوب علامت گذاری شده با مراجعه بهمان در دینگره سازی یا سازه های راه را ... سو را خ در لازم را ایجاد نموده آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه از ادی طبقه هایگر

۲- مستطیل می باشد . مستطیل می باشد که بکار رفته از نوع نمودار ۳ (مستطیل می باشد) باقطرانی سه متر است که مستطیل از بازار بهبود نمود . اینسته مستطیل نارا باید به سه بخش دوباره دارد . اول تعداد پاترده عدد مطابق شکل زیر برای بالای چارچوب است که کتاب باشند آن ترا ریگرد .



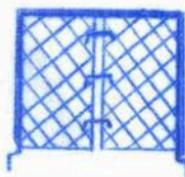
دوم تعداد پاترده عدد ۳
طول حدود ۳۵ سانتی
جهت ترا ریگرد (در ترا
چارچوب).

سوم : تعداد ۲ عدد مطابق شکل زیر بعنوان پایه ای چارچوب اینسته
پایه ای را در دو هفت سوت ای که در دو انتهای اضلاع بزرگ چارچوب
 وجود دار دواره می هم .



۳- چهارمی : از همان نوع محدودی است که برای جلوگیری از ورود مسلسل ؟
پنجم ۲ مکعب بند نهاد سی سو دار از نوع سرداخ درست انتساب شردد . نفع تدریس
بهینه صورت است که مانند دیواری - البتہ دیواری که نه فقط مانع جریان یامن
حراسه بلکه جریان هوا را خود حداقت می کند - مانع از بهم همراهی مدارف
پنجم گیر شردد . مد ایکی را که لصبرت کتاب پرگی می باشد مستطیل بخوبی
روی چارچوب تراشیده ایکان ساخته باشد که صیغه اذالیشم طبقی که گفتنی است از این دو یا

یا سه متیم تعمیم کند تا سه ضلع آن آسان تر گردد. این نوکری را باید در ابعاد تقریبی $18 \times 4 \times 4$ سانتیمتر بریده باشتوان گل باه به و رسیم چی بالای چارچوب بخوبی، مطابق شکل زیر. محل رسیدن دو سر آن به هم را برسیده سیم چی نازچ نیلاً نمایند اسی مارسین دوخت پکیده بپرسیده محل نهایتی.



واضح است تعداد لازم از این نعلات نوکری مادرست باشد اینها کی ساخته شده برای بالای چارچوب.

برای مونتاژ وسیله اول نوکری را باید دو سیم چیان می بندم (هر یار است ذکر نوکری راه همچنان باز نیمیم در صورت گلده برسی محل و نعل میتوان مشبه کی از در نظر نداشته باشیم) یا خود همین سیمه را که نوکری روی آن بینجا نهاده ایم کلاده چاچوب ببرویم آوردم) بعد هیچ سیم را پکی اسناد ادن در در صلح کوچک چارچوب جای میدیم سیم پایه را بپسرد راخ چی آخری از زیر فرو کرده دانه موسمیه ای که دور آن نوکری پیچیده بگرد از جاهای خودشان فرو میکنیم

* پیکار باشد*

در درس حق و میده گله ای و کائن زدن مدارک سوزانندی از

آنچنانکه :

- ۱- چنانچه، فنا برآمدن بطور خردی و تک پنهان اقدام به خرید ابزار و مواد لازم و سفارش دادن فستیلای لازم کن به منازعه دویں ساخت فستیلای دیرینه ده چاپیه کنیت. رمت و افزایی هنلوقی - سنت و نیمه تمام لازم از اینه و میده در می نفعه با استفاده از ابزار دلار از مناسب تر - صرف میزد
- ۲- مخارج هیمه ابزار و مواد و خدمات لازم بطور تک هنک در تعابیر با خرید یک جای مواد موجود بودن ابزار، سیار زیاد میگردد. لذا نیمیم گرفته شد. هیمه تمام لازم از اینه و میده به عده گروه تکنیکی سازمان والدرا میگردد. اینه و میده پس از هیمه در اختیار فنا قرار خواهد داشت.

گزارش و تحلیلی بر «تفجیر ناخواسته نارنجک در خانه پاچکاهی قلعه مرغی»*

مقدمه حادثه :

ساخت هر ابداز نظر روز چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۶ می‌از زمان - A - به جمع را
شناوره شدید بود و در آن هنگام متعدد لباس پوشیدهای بقعد خود از خانه
بوده در حالکله می‌فرستند نارنجک فرسی خود را که در کسن تجهیزات آتشی لجه نموده
و لسبتی ناخنی داشت فروخته بوده بیرونی پلیس در این پیشگیری احتیاط داشت ،
(پاکسنه؟) شدیدی که بعلته وارد می‌شد (بعد از آن که دستیابی برای مادر و مادرین بنت)
"حلقه" نارنجک کشیده شده و "اشپیل" بیرونی آمده و "چاپنی استارت"
عمل کرده . بینال صدای سبیله هم "تفجیر چاپنی استارت" (کمی پیش از
صدای اتفاق رتره ها زمزمه هفت تیر ها را باید بازی داشته باشد) و حرقه شدید آن در جمی
A بینارنجک طلب من سود . بعد از کمی مدت متوجه علت سدا شده نارنجک
را رو زدنی می‌گذاشت و بطری درب خود را می‌درسته اما کویا
که هنوز رباوری نموده است که په مانعها برداشته و قدری است !
ملحق شده تعقب سرخود را کاهش کند ! که می‌بینم خانم دست نارنجک شده
شده و از همین فاصله گرفته است . اینجا دیگر مطمئن من نموده اتفاق را در پنجه کلمه
دیگر قریب الوقوع است لذا سرعت بطری درب خود را آهن می‌دارد .
در آستانه درب و بنا صدۀ ۲۵/۳۶ سده از محل نارنجک در حالکله نظر بینا

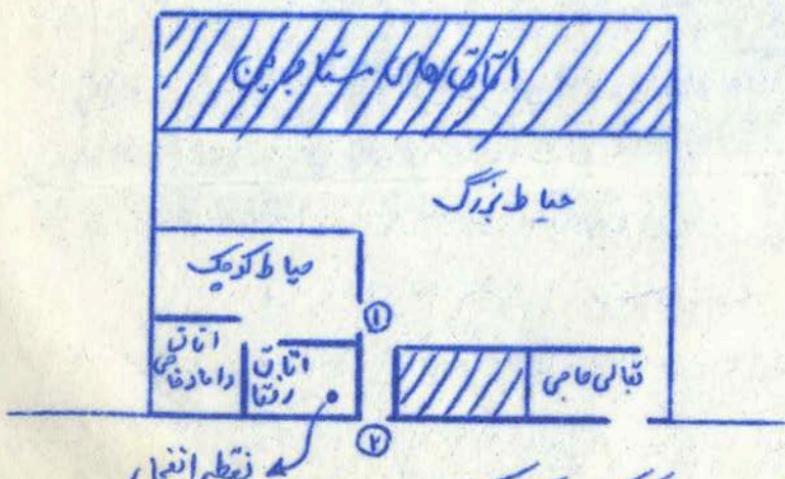
* گزارش تحلیلی نوی تولیسه نژاد اعضا هرگز و مربرطه (A و C و D) نویسه
شده بود که بعد از بضرر ره / لازمه شده نسزیه اینست - نظری و تقعیع و تکمیل د---
آن تصریحات نیزی از که در موقعاً علاوه بر خواهد بود که در آن دو ایست .

تنه پاس عتب او در آن بوده نارنجک منیری سود و قطعه ریزک از آن به پلار
رال داشت او که در پرسن قله است منیر سوده قرار داشت می فورد، سُدار او را
سر رانمی کند و راهست سطحی از دریا لسین ایجاد می کند. A اساس درد و کسری در رال
داشت (جهه عین) خود را کند. انتها از شدت صدا و درج اتفاق را روی همان درونی
قدار گنج دمات من سوده ای بلانا صده برا برداشتن اسلحه که رفته بوده قرار دار
آنچ من سود. داخل آنچ را در علیله و گرد و خاک ناشی از ریش غبار از
سرقت (لعن از همسر و کاه و گل بوده) گرفته بوده و آنچ الله در حالت مخلوکی
نیز کم نزد بوده حابی در تاریکی فرو برد بوده بطریله با چشم هیچ مائی دیده
من شده و تنفس هم مشکل بوده. ناگزیر هم بگرد دست محل اسلحه ای پیده آرده
و در علاوه خرد داخل لس تجیز اس که از قبل بین خام عازم شده برا برداش
سبه بوده بگذارد و پراهن می پوشد و با جاگذاری اول تمام مدار از آنچ
بپردازیم آید. قبل از خود چی از آنچ لحظه ای بین هن A می زند که مدار راه بینظور
اها کاتنه ولی تسا سفاره به لیل آنله نه نایام و کبری می برا آتش زدن مدار
در دسترس بوده و نه اصر اسماه که افتخار نمی و در مجاہد از سایر مدار جبرا بوده
A هم گونه معلمی را جایز نمی داند و نور آن لنس خود را پوشیده و در مدد فوج
از خانه برمی آید. بعد از اتفاق رحاحی (صادرینه ۵. ساله) که در معمازه اس
(تعالیه که جزئ از خ نهاد می باشد) مغلول کار بوده و متوجه فرن که ۱۰-۱۵
نفر از این مدد اطماف درب آنچ و در حیاط کردند و نهیه مستعلی که این
آنچ (ویک آن قدر گیر متعلق به دفتر و دادخواهی) در آن قرار داشت،
جمع هیگر دند و یعنی ها هم بداخل آنچ هست که بینند و پیش
رفع داده ولی رفاقت ناریکه همچنان را نمی روانند بینند ۱۰-۲۰ تزوی

هم تا آن موقع که چهار و اند در اطراف درب کوچه راهب روم که از طاطاصل
بر کوچه باز مردید) ده بیرون کوچک آنچه باعث شده بودند. موقع فروج از آنچه
صادقانه و نیک ورقوں هیکل بـ. معـ سـ الـ دـیـگـرـ لـهـ گـوـیـ یـکـیـ اـزـ مـسـتـاجـرـینـ بـودـهـ
دلـیـ Aـ آـزـ مـالـ اوـراـنـدـ بـرـدـهـ، درـ حـالـیـلـ دـیـشـ لـ اـبـرـبـ صـاـطـ کـوـچـلـ
تـکـیـهـ دـادـهـ بـودـنـدـ دـعـدـاـ مـانـعـ اـزـ فـروـجـ Aـ بـودـنـدـ اـزـ Aـ مـاـنـدـ کـهـ پـرـدـهـ؟ـ
Aـ جـوـبـ مـیـ رـهـ "ـ جـمـاعـ تـرـکـیدـهـ؟ـ...ـ بـرـدـیـلـ مـیـلـنـلـ آـبـ بـیـاـ وـرـیـهـ...ـ"ـ آـنـاـ
حـاجـیـ کـهـ جـمـیـلـ رـاـسـدـ مـبـهـ رـهـ بـودـهـ بـالـنـ مـسـنـ آـنـیـلـ درـ حـالـیـلـ بـهـ جـمـاعـ کـهـ درـسـ طـ
وـبـرـوـنـ اـزـ آـنـ بـودـهـ!ـ اـنـ وـهـ کـنـدـ مـنـ گـوـیدـ "ـ آـرـهـ، جـمـاعـ تـرـکـیدـهـ؟ـ...ـ جـالـاـ
سـمـاـ اـنـجـاـ باـشـیدـ...ـ"ـ Aـ کـهـ اـبـدـاـ سـعـیـ نـکـنـدـ بـاـگـرـلـ زـلـ آـنـدـ درـسـنـادـنـانـ
دنـبـالـ مـیـلـنـلـ یـاـ...ـ اـزـ مـلـوـرـ دـرـبـ رـدـسـنـانـ کـنـدـ وـقـنـ اـنـ کـوـسـنـ رـاـیـهـ نـایـدـ
مـیـنـدـ اـلـهـ خـودـ رـاـ کـسـدـ وـ مـفـنـ تـدـیرـ اـزـ آـنـدـ مـنـ خـواـهـ کـهـ اـزـ مـلـوـرـ دـرـبـ کـنـارـ
بـرـونـدـ.ـ حـاجـیـ کـهـ اـلـهـ رـاـسـیـ بـسـنـدـ چـسـنـ چـهـارـتـامـ بـرـدـوـ کـنـارـیـ کـشـدـ وـرـقـورـ
هـیـکـلـ نـیـزـ کـنـارـمـ بـرـودـ آـنـاـ مـوـقـعـ فـروـجـ ۹ـ اـزـ دـرـبـ زـنـ حـاجـیـ کـهـ تـجـبـ زـدهـ
مـیـ عـزـ دـیـشـ Aـ رـاـمـیـ گـیـرـدـ وـ مـانـعـ اـزـ فـروـجـ اوـمـ بـرـودـ کـهـ بـالـاظـهـ Aـ باـشـدـیـهـ وـشـارـ
وـ هـرـلـ دـادـلـ زـنـ خـودـ رـاـ اـزـ دـیـشـ اوـرـهـ اـمـ کـنـدـ وـ طـرفـ دـرـبـ کـوـچـهـ مـیـ دـورـ
درـ آـسـنـانـ دـرـبـ کـوـچـهـ اـزـ آـنـجـاـ کـهـ زـنـ حـاجـیـ وـ حـاجـیـ وـ مـسـجـرـینـ...ـ دـنـبـالـ اوـ
رـاـهـ اـفـتـدـهـ بـودـنـدـ وـ جـمـیـعـتـ زـیـارـهـ (ـحدـرـ ۲۰ـ نـترـ) اـزـ رـیـزـ وـ دـیـشـ اـهـانـ
دـرـبـ اـجـمـعـ کـرـدـهـ بـودـنـدـ وـ عـلـاـ بـیـورـاـوـ رـاـ بـاـکـنـدـ /ـ اـمـکـانـ بـنـیـزـیـ مـیـ سـفـنـلـایـکـ
تـیـهـ هـوـائـیـ مـیـلـنـلـ مـیـ کـنـدـ کـهـ خـلـیـ مـوـرـ وـاقـعـ مـیـ گـوـدـ وـ جـمـیـعـتـ رـاـدـ جـارـ فـرـدـ بـیـکـلـوبـ
مـیـ کـنـدـ وـ Aـ فـارـمـیـ کـنـدـ.ـ سـمـاـ اـنـنـ وـجـهـ مـیـ بـیـتـ سـبـرـ خـودـ مـلـکـهـ مـیـ کـنـدـ ۲-۲ـ نـزـ

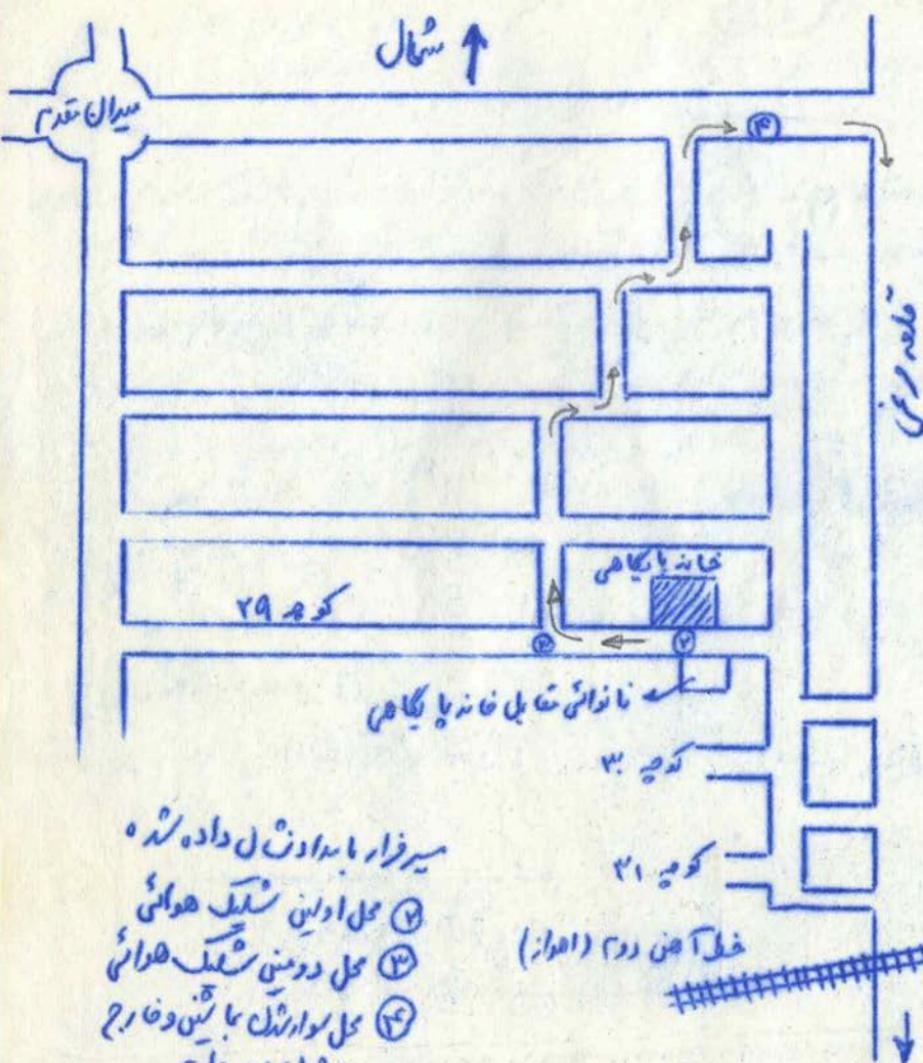
تیره و ایش دیگر هم شنید که نادیگر کس قصد تعقیب او را آنلاین به فراز فرد اراده می دهد (بلطفی سیرک که در حکم تعین شده) در کوچه های ریگر دیگر همچنان زندگان از تعقیب نمی بیند لذا اسلحه ادار کس می گذارد و دگمه پر اهن خود را می بندد و در او لین خیابان سواره باشند شده اند منطقه خارج می شود.

A از خروج از منطقه عازم محل خطا خانه که دور را با مرتفع بوده می بود و بیرون مارپیچی نمی تواند بینت آور را بامداد رور آن خط را زندگه علاوه فایده ای نداشت و از خیابان بیرون صدمت دیده نمی شد و از آنجا که امتحان رفت B (عذرخواهی نداشته باشد) زودتر از موقع از کارخانه بیاید (بر لیل قطع برق یا...) و A قبل از آنکه موافق شود خود را بکار نماید B بسیز و اورا خبردار کند B بلوغ محل سلامت خانه و کت کرده باشد و عازم محل سلامت خانه می شود تا در آنچه جلد ای که هاکی از پروردگار خطری بخار خانه است بپرید. آنها تا در محل سلامت خانه می (عذرخواهی شوند)



① در بحیث ایندیگر و محل سلامت بازی های

② در شب کشیده و محل سلامت بازی های اندیگر



- ۱ سیر فارابی دادن ل داده لد
- ۲ محل اولین شنیدن هوایی
- ۳ محل دومنی شنیدن هر دوی
- ۴ محل سوادنی بارگیری و خروج
- ۵ شدن از منطقه

→ بزرگ پارکل تهرانی و مولید

و اکه او هم بر ارچه علامت سلطان آخوند بوده می شند . موضوع را براز و
 تعریف نمکنند و پون اصحاب زیاره رفت که کارت کار خانه قدرخانه جامانه
 باشند و ببلاده لباس کار آرام دار کار خانه داد و مُسنانه مه جعلی مرور است ده نظری اش
 در منزل بوده تواند گله ازند که براز خوبی مارپیچ وزدن علامت خلخانه مردو
 خواه آغاز می کاری سده و اورا خبر کند تا فراز از کار خانه خارج شود
 (A محل کار و اسماً جملی B راهی دانسته) . وقتی A ، B را در کار خانه می بیند B
 حمگویی که کارتر کار خانه هر اهمیت و در خانه جانانه ماست ... تبریت کلمه ز
 راتا آنوقت کارکنم زیاریم زد اهرم که تعطیل هستم و دروز شنبه براز گفته عاب
 و ترک عاری کار خانه ! بکار خانه بیایم !!! آما مالا فره باده ام ام ام ام ام ام ام ام ام
 خوش خیلی خطر کس برد استه و از کار خانه باساقن کیم محل خارج
 می شود (ساعت ۵:۳۰ به از ظهر)

* ۲- روز بود که بجمع A و B و D وارزش بوده و دو هفته ای ای
 شنبه در این نهاد پاگاهی لعنتی میان خوابیده ولی خنده روز بوده که خانه
 مجددیگر فته بود گفکر باین خانه رفت و آمدند کرد لذا C قرار نیرو نخانه بیاید ولی
 آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه از ادی طبقمه کارگو
 نباشد و باست ملاحت آواره از روز بگیرد

ضریات و حسنهات وارد در این جریان صهیونیست بود؟ بعدها
ضریات بالقوه اگر که ممکن بود در این جریان نجوریم صهیونیست بود؟

در این جریان آگر صهیونیست بودند است انسانی بیار نیامد ولی مدارکی که بودست
پلیس افتاد تقدیر ننمودند که این ضریب را به ضریب سخن از نوع خردشانیلی نکنند.
با مدارکی که بودست دشمن افتاده تقریباً دیگر نا آن زمان، در طبع سازمان
اطلاعات صهیونیست بالقوه ضریب زندگی باقی نداشتند و بودند ناورقان آن لکنیست
اطلاعات دشمن را در زمینه های زیادی و انتراکتیک و تکلیفاتی از زمانی
ماضی فراموش نمایند. این شخص غیر قابل جبران و همچنان ضریب بوده است در حال لغایه علاوه

* "اطلاعات بالقوه ضریب زندگی" در تعالی "اطلاعات بالفعل ضریب زندگی"
از ورده میگوید و "اطلاع بالفعل ضریب زندگی" در واقع هیل رده رفته است درین
مدادار بودند است که با اولین پیکرها معمول نمایند پسی به تراست و احکام کو...
سازمان یا فریب ضریب وارد نهاد. در این جریان از این نوع اطلاعات عیار از
لیاس کار و شناختن مفعلي اش که محل سکار اور اسنیتی میگرد و خوبیها نه
با سمعت عمل رفعتاً پذیری به خارج کردن A از سار خانه و با کردن این بودند
اطلاع بالفعل ضریب زندگی داشتند که بودست دشمن افتاده که عبارت بود از مشخصات
تعدادی از ازاد و امکانات بالقوه و... که بجهل بنیع جنبش میتوانند بودند
استفاده و از گیرند. ما اطلاع از پیکرها میگیریم در این مورد ندانیم و من در این
جهه ضربات از این طبق. یعنی وارد نهاد است آنها بحال بودند این مشخصات
خود یعنی میگیریم از ضریب وارد را تکلیف می داشم. این مشخصات تعدادی داشتند که از افراد بودند
است که در این خانه نگهداری میکردند و این توانایانه سالم کنند یعنی از این ذوقیه ضریبی
از ۳ ماه بوده که بی محبت در کنار سایر مدارک هدایت اصلی A در ملاشیکی داخل
مدادار تو سعادتگاری! من از والتبه ما هر چهار چند که اعوراً وجود چنین چند را افزایش
کرده بوده و منشیلا هفتمین مفعله از هر کلمه و آن هم را باید اتفاق بیان داد این رسمیات
باگی افتاد این تکلید دشمن بتواند یعنی از درون پر از فرهنگ را بازگزند.

براین مادرانی جو دل خرها را زید را از دست دادم که میرال پنجه است
دل جمال آن هفتاد هاد بلکه ماهیه اتریل خود تن از مقامات کیلاش را نخواست
مشغول می دارد. البته دیوار ضخم و غیر قابل عبور بین این دو نوع اطلاعات
داین دو نوع خوبی (میرال پنجه و میرال ناپنجه) وجود ندارد و در سرتاسر این مقصّن
و منطقه ای این دو نوع خوبی مایل تبدیل یکدیگر باشد. در زیر با ذکر لیست مدارک
گیر اتفاق داده ام که تقدیر یا تبریز اهمیت خوبیها را که هر دو را در زمانی توافد
بی سازمان و خوبی وارهای مدارک طبقه نباید میتواند. البته این طبقه نباید
در رابطه با اطلاعات مایل مدارکی است که تازمان این خوبیها را بر پیش نهاد
سده و بالطبع لوزتن محبّد آن خوبیها بیشترین توافد بیاورد. البته این پیو
بطور سکون موادر تائیک را با بایه استسنا، کنوز هدن اگرچه مدارک بسیار
از میل تائیک (سلسله شیوه حیل معافی) ترد پیش لور فنه باشد اما تعلق داشته
گیر اتفاقه از همان تائیک پیش را در رسیدن به تمکن و لذت تائیک و میزان
مورا استفاده بود که هر تائیک لذت محکمه و در شیوه دستین ایمانی می باشد که
از نیروهای خود بطور آنکه از این تراویث بر استفاده نماید.

لیست مدارک لور فنه تبریز در صفا همیت خوبیها که هر دو را
می توانند نزد و خارجی که بینیان دارند:

الف - در رابطه با آفرین نظرات سیاسی - استراتژیک مخصوص و فقط کوتاه

آنکه تازمان:

- در راه کامل نزد مذکور از تازمان با انتعا بیول از خدا ایان.

* در اینجا بذکر این نکته لازمه است که ما اطلاعات «بالعقل خوبی زنده» را (دور این

آرشیو اسناد سازمان امنیت ملی در رام اند ادی طبقه کارگر
دفترچه از مردمک کملید از داین تحقیق ذکر نهیم که همچویی مخصوص کجور را دارد.

۲- قاعده ممنوع بعد از این نذکرات .

- بـ- در رابطه با هادرین سهل درون تکیه‌ای و اخراجات
اصلی موصود (اغلال لام) :
- ۱- مجرعه تتر یا بکامل دارک و بخط به جریان اخراجی اخلال طبعته (غیر از نام
مشتمل کاظمها و نقد سازیل برآن و معاده "شکست" مجدد)
 - ۲- صفتیه کاظمها و فتنه B (در آفرین عسی نزد زاده او با B) اطلاعات و تمهیی
که او سطح حمکند پطور کامل در این نامه متعاقس شد (در نامهها و تمهییه ر
سازیل آینه بمل بخوبی من آنرا که صفتیه اطلاعاتی داشته سطح نشده
بوده . این نامه از نظر تبلیغاتی می‌تواند سوره کسر و استخاره دستنی خواهد بود)
 - ۳- سوره‌ها و نمونه‌ها / اخراجات اخلال طبی نند و مجدد در روابط عجایب
خود با A و B در نتیجه انت (ذکر شده A)

- جـ- در رابطه با آفرین تا گسلی برورد اتفاق ده بار جعل و تسمیه دارک
استخراج و مایل نسخه ای را ... :
- ۱- دارک هدایت هیچی و سوره استخاره، فعلی A سهل بکارت کارفته اند
(فرس زدن "فرز" و استیه به گرد و هنچه "رنا") همچو کتابه خودست و نشانه‌های
عکس های متعدد را با قیمت منسق همکارت جعلی همراه (لادان) بکسرها
از این جهت نیز اهمیت دارند که عکس نمای عکس را نسبی همین سهل و عسی همی
راده نشود با قیامه جدید و آنهم منسق از او عکس نداشته . لورتن محل کار
نیز برضی اطلاعات تبعیه بار دستنی بهراه دارد .
 - ۲- عکس کارت کارفته B (لیترون) که بار تغیر نیافرده اورده بوده (از یک
صفته قبلی) و عکس از آن بمحمل کارا ود ... می‌رله .

سر - شناسنامه جعلی طفای سه مان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۳- یک بگ فرقه کیم از اولین مردم شوهره همینه B که زاده بوده (فرس نسبت گردید)

۵- (ما تهیل زید) آنکه نهایی دو اعلیه با یک برنامه فوار و در راست اجرای راهی
و... با گیرافتد کن امّا میل متد به این برنامه و ناتیک لوزفتدا آنکه در
محسّن از این برنامه وجودی داشته خواهد شد. با وجود آنکه هر این شناسائی ها
وقت بسیار صرف زمان بوده (حدود ۲ میلیون دقیقه وقت کامل یک ساعت)
اما بدلیل اختیارات لازمه مجبور شدم از آنچه جسم بیوستم، برنامه برآورده باشد
تعقیق می‌افتد (به این سیاست و تکلیف تعقیق انتشار خبرهای سوزنی نیز موبد)
و این لآن بعد همانند با صرف مجدد از این راه رسانایند و پذیرتن خطای
بیشتر تباشم برنامه است بسیار اجلاست.

۶- یک بگ، فائدۀ خدمت سفید، یک پایان خدمت اصلی، تقدار برادر کالکی
آنکه از این دور پایان خدمت اصلی و قضاستانه تلقیه شده بوده که همه اینها داخل
یک شناختن سراسر پاک شده وارد استند و آنکه جعل بودند.

۷- در اینجا با ارزیست دادن اسلامیت، دستورها، طبقات، موارک
همچنان که سکاه هم سببیت جهانی پذیرند:

۱- کتابچه رفاقت این طبقاً فارج. این روزها و مخصوصاً این سیستم رفع بعد از تلاش
۱۱۵ ساله رفاقت رسول در این زمینه و تکامل سیستم ها و... هست آمده بوده که
ها مگزین یک سیستم دیگر سببیت و با صرف از روایت بیان اینکال پذیرت.

۲- تحمله یک پاگاه بسیار سنجنده بدلیل احتیل صنیعی که ممکن بود میل از نظرها
باشند براید. السبّه در صورت میشانید این حادثه نیز و در صورت رکدن نثارها
ما شعابیون (که قدر اینکار هم طبق تعقیم قیام) سازمان در سرت اینم که دل بور
با ز محصور به تحمله این پاگاه بودم چون همچنانه اطمینان داشتم از حدیث آنکه نثارها
درست نمی‌باشد و استیضاح می‌شون (آن پیش از این اینکه کارکرد) و در این
دو صفحه مانند قابل از خوبی طبعی یک براور را بین آنکه کارکرد و وقت کامل دو صفحه را می‌گیرد.

- ۳- مک عذر نادر تجسس، ۴- دانه قنگ الملحق دست ساز (درجه ۲)
- ۴- حدود ۰.۷ عد راز اعلایه همراه با شرط در فرجه و بروط به اعدام امر کلیدی.
- ۵- گذاهینه نه اصلی A، دو گذاهینه اصلی B، سه شناسه جمعی مبنی B (با اسناد لوزقد و لوزفته)، کارت همیشگی شرکت B (شرکت لادال) با مسندی تبلیغ و لور قدر اس، کارت کارخانه تبلیغ B (مانام لورفته)، سه شناسه متزوجه قابل استفاده (اعتنی و غیر اعتنی)، ۷ شناسه نه قابل استفاده که داخل پاکت صادر شده بوده و با آن سه خواستیم به قسم (جها ۳۳۳) این شناسه نه قابل استفاده در این برابر گردش انسلاخ
- ۶- مک عذر مدارک آخذشی و تئوریک سازمانی نظری: ملیه ۲۳۰ نشان A، لین، ۲۲ نشان اخلال طلبی لین، چه باشد کرد، نشانه محظوظ، اعلایه همترزه، احتضان راهبردی دلار، گزارش تکمیلی ملیه ۳۰۰...
- ۷- معافی، بازد عکس داریک رفیق سند (یا اسری).
- ۱

- ۸- در این باره بار دشنه لذلکم و لذیف گروه، مولن، رادس طی، تحقیق مولن،
سلی و موضع و پراکنی اعضا گروه (کارکارخانه ارها با کاتک تکلیداتی و مولن)
بروط به که ناکنون دستی از این نوع کمتر دیده بوده)....:
- ۱- گزارش ت، نزد شهدا، تعلیلک - مدارک انتهای دلو - . بروط به حدود لاقران
اعضه و پاک کنیه بکل درگذشتیها حال در این باره باگروه بوده اند.
- ۲- در دشنه لذلکم کارخانه رقمن و من محل کام و B بر این پس.
- ۳- نظرات و تحلیلهای A و B و اعنه در درود رسائل و مدارک انتهای کمک.
- ۴- جمع نظر ملیه آذنشست گرده
- ۵- صحبت اینه برخط به جمعیتی کردهند از اکرات کلاسها و صبای.
- ۲

- ۶- در این باره بازدشت سریع و دقیق پلس از اینجا باید در اینجا باشند.
ارائه اسناد سازمان پیمار در راه ارزادی طبقه کارگر
- ۷- نوار زد اکرات و مقطوعه در برخط

- ۲- نامه آفری سازمان آنها همراه با فرستادل متن اسناده و... بسیار آنرا
۳- یک قرارگیری با ناصله زمانی چند هفته‌ها برای انتسابیدن (البته قرار غیر
قابل اجرا بود) چون سلاسل راهیه قرارداد نشده بود

فرموده در اینجا با اضافت همه پیشتر و جدید آن روابط ما با فردا برآمد و مرا فرض
آن شده است زمان در تعایل آن است:

۱- مقدمة انتشار خارجی نشریه درجه دیپ ۲ (با تعلیم زیاد)

- ۲- دو نامه مفصل آفریزمان آنها مورخ دی و بهمن ۵۵، این سه تا از
هم در راه آنرا تکمیل و خارجی می‌باشد و این برهانی چند ماه در مطلع سول درست
از این مرا فرض و این روابط بر این قیمت فواید و می‌شوند دارد.

۳-

در تحلیل از این ضریب که مانع قبول آن ضریبی که خود را می‌نماید می‌توان
ساده از آن رفتگیهای از سلامت و هنوز ایجاد دائم ضریب را نظر انتظام داشت
کنیم و بهمن لحاظ در تحلیل صنعتی که که موصوب بروز آن ضریب شده اند و در
نتیجه گیرید از هسته انتگر و یا مونتیک مان از ضریب دچار انحراف خوشیابی کلی
نگذارید اندک دل اصل از فرع و... خواهیم شد. لذا از این "ضریب بالقوه ای"
که انتگر زیاد رباره از بنعل در آنها آنها و ایجاد ضربات و خود راست پیشتر
می‌شود ذکر من کنیم:

- ۱- محتمل ترین ضریب ممکن رکنندگی با جمیع سول لد به در فنگام انتگار
بود و بطور ایکله تنرا از از منطقه بگذرد که برهانی ناپرسان و می‌خرم می‌شود. غیرهای
کم تو قیس و لطفاً سرعت عمل کمتر کافی بود تا این سبل از اندک از آن خارج شود و با
ناصله کافی از محل انتگر داشته باشد، نارنجک متغیر لرد و ناصبعها را بخود دهد.

از پیو اسناد سازمان پیکار در راه از ارادی طبقه کارگر
صدای عمل های اس اند اس خود را در www.peykar.org

ترمه ها که ندارد ای که بچه های آن بازی می کنند و داخل هفت تیرها می خفوتان
 قرایب را خنده بوده است. در عین حال جرقه دلو از پارک هم از بالا نازدیخ بود
 زده بود که همین این نواده همراه رفیق را بخوبی طلب نمی کند. * اگر نایاب باشد سریع الائمه
 نباید بعد همین موادر از عدم مطاعتیت در تعیین گردن *** رفیق باعث می گردد که
 او ندرای ملک کند و سریع عمل لازمه را بخیج نماید بلکه میتوال حدس فوارزد
 که ۲۴ نانیه زمانی تا پیش از برآوردن این نایابیکه فرمت کافی از بوده تا بتواند
 متوجه باشید و خود را از اذطاق بپردازد یا نایاب باشد طبق اینجاست که حق و حقیقت
 داشته باشد در این میان رفعه و سلطه راهه گرگشته تعجب کنند ۱۷!
 تا بعینه نایابیک در این حال است! آیا وقتی دار منتهی شود نایابی خواهد ۱۸ و...
 می بیند خمام و نایابیک از بدرنه بلند شده که دیگر در اینجا مطمئن می شود و پیغام
 دارد و خسرو خسرو در سرت و قوع است. تو می بیند املاک و رئیسه های این انسان
 تا سختیکی رفیق را بخوبی همین عکس الفعل و ترد و کند A پس از شنیدن صدر (حاجی می خواهد)
 روشن نمایند که تا پایه حد خطر جان خود A را انتقام بگیرد.
 ۲- خطر بالعره بعد از گیری اتفاقی B در این جریان بود و زیرا بایس کار کار خواهد
 که در این موقع B در آن مسیر کار بده سبلاده همیشه بجهلی و مورد احتیاط
 اور متناسبه و مستلزم عدم ایجاد پیشنه (در منزل بده که اینکل آنکه نمی باشد) و قوع
 * تو فیض اینکه پس از هما سبدان من این ۲۴ ابتدا های این اثمارت عمل کرد و سلطه ای به
 ماده نایابی می برد (پس از نایابی ۲۴ نانیه سلطه به خوبی اصلی (التجهیز) ایده و
 این های این ماده شنیده درون پرسته را منتظر می کند.

* * از نظر تحریری فعل متعهد همیشی میگردد ۲۵ این بحث از ادبیات ایرانی و میراث ایرانی
 www.peykar.org

حداره (که از این طریق) نا دقیق تر اور کار خانه بیوک آمده و کوارتیر لسین کنود در
حداره که A بگذرانند او بنی رست / B طبق معمول ساخت که کارشن تمام شده و با سرویس
درست کرده بوده) سراغ محل کار او برو و همانجا دستگیر س کند کم نیست * بعلاوه
این اصول هم وجود داشت که با توجه به هسته های B و خوش فعالیت ... او حق و مستعد
دیگر است A برای اراده علاوه سلاقت خانه خانه از زده (در حداده که A آنها قیمت کار
که منی قیامت خود را بجهل سلامتی برخاند) بخانه برو (ضمن اینجا فاصله را
حدائق دوبار انجام داده بوده لذا اصول حق بخود رفته گشته (آنرا کم نیست)

۳- خطر بالتفوّه دیگر گیر انتقال D بود. این اصول اگر صحیح راضی نیست
این حال وجودی داشت زیرا علاوه خطر خانه می باشد در رو محل زده می شود و می بدلاند
نه خطر اول را از زندگانی که اگر تا میل از خواصی جمعه D با جمی سرایط احتفال از این
باید D می شوند (D عقیل خوارج گرد و بودنکه نه هفتاد ای روز خانه می آیده و در این
او از خیز بی اینکه انسان به سالم و ضعیت تو بینی داشته باشد طبق نصیحت معین دیگر
عنی باشیت آنکه خانه رفت و آنها نیز کرد) و مجبور به آنکه آنها بخانه می شوند با اینکه فواین
با اینکه بیشتر فقط خطر دو ای ای ای در میز اور اراده ایت نکاهه کرده و خانه می آیده که در
* اینکه میسین هیچ این متصوّبه محل کار B نماید و په وقتی از آنجا سراغ B را از نه برا
ماردن نیست بدینه این حالت بیار میسین اینکار ۲۰ ساعت طول می کشد. ~~نه~~
~~۲۰ ساعت~~ که بعد آنها کی اور وقتی از میان این تعداد مردم نمایند که ۲ گز از این حالت
توقف کنند رسیده ای در حال آنکه تعداد از سر زیبایان هر دو ماشین می باشد و هم کار میسین
متفوی محبت بوده اند می شوند. که این طاهر که این نیز و هاور کسین بودن آنها نیز
می دهد که ظاهر آنهاست زیار نبوده که خیر نهاده اند و در حال هنوز بطور کامل مستقر نشده
بودند صور این صور آنها نیست بروشها که انسان دعا دارد در زیر خانه دکمه های اضافی
از شیوه اسناد سازمان پذیرکار در راه اینها نیز معرفه می کنند.
گزین میگذارند مادر و فرزند دارند از این طریق که اینها میتوانند میگذارند و قصع محل نماید و در این میگذارد

آنقدر است در معین خطر می بوده. علت آنکه اعلان خطر دوم را تزده بوده
 آن بود که قبل از این تزدیک بدل نباید محل این اعلان خانه نباشد... صحبت از تعطیف
 ولنگ این اعلان شده بوده و با انتباہ گاهی سرده بوده که این اعلان لغواره
 لذا محل آن از کاظمین نیز محسنه بوده و مرتعیله لله عاصی A، اداره محل
 اعلان سلامت فاسد می بینند و قرار نهاده که فقط را بزرگ فقط لله عاصی
و جور یک علامت دوم خطر درز هشیش بوده که بار بر طرف کردن فک
 سرخیز را از A خواهد ولی آنچه A ضرورت خطر زدن را سدیده باشد
 می دانند و علاوه احتماله ببار آمد D من گذانند به C حسینی را باری
 - این ره به محل خطا اول - که در نیمه C با اطمینان از آنکه خطر دستی و جور زیارد
 فقط اعلان اول را می زند. جالب اینکه بعد ها که با B صحبت نمودند نه
 زدن خطر دوم را نقلت تزدیکی نباید و در میز تردیت ها بود! یک
 ریک خطر ناک می دانند (اعلان دوم روی باجهه ملکی در مقامه مرغی بین سرمهی
 و خط اول می بود) لذکه زدن خط اول را هم اصولاً زیاده ایدانست و هم گفت هم
 خطر را که اور محل اعلان خانه بار از نزدیکه بودید کجا من بود!!

٤٣ تَحْلِيلَ تَالِتِيلِي - اهْمُولْرَهْ مِنْ دَافِعَةٍ وَصَرْبَاتْ دَارِدَهْ:

هر اجنسیت مادرنیا را نخواهد داشت، انتباهاست و انسانیات وارد به آدران
بریان می‌بود؟ نقص سایر اعضا کرد و همچو بود؟ کام صفتی را جمع باعث
گردید که آن هنرها اینجا داشتند گسترش داده / بخوبی میگردید؟

گردید که این صریح ابهاد صنیع گشوده‌ای بخوبی بگیرد؟

در تخلیل این فقره به بطری خلا مده با یک لفظ که یعنی **الیم** شدید (از منتهی مأمل افسوس نظر) در معرفت می شود باید در این سفره دو بود بیدرد.

مودودی حسین حمزہ بخاری و مسٹر ایڈوارڈز کا رد نہیں کیا۔

لیبرالیسم در اسلام مبتداً عس، عدم احساس مولتی، زیر پاگان افتن خدا باشد

ادله از عالم درز قیمت آبل امنیت و نکام، خوشنیایی (نامه از زمین تقدیر دارم)

جزء دو دیگن)، برخورد خواهی‌لایه غیر درین غیره مفع سبلکارانه و درین کلام

برخور د غیر تطالعی می باشد و همچنان که از نظر این دو عوامل متناسب باشد لذت جمیعی ...

این صنعتی که هستند که میزد همکار باشند از خود را در این دادهم و بگذرد کلی در رواجا و
بسته که باشند

محمد صیاد حاکم جوانی کرده دانسته است. البته در این میان معمولی / آ و ب

لعن کاملاً بازگردانید. این لیبرا لیسم در آنچه می‌تواند انسی و رفیعی می‌تواند
آنچه علیه از این لیبرا لیست شده باشد / است. این تصور از این دو دلیل بازگردانی

و من قدراته از تلبر الیم متغیرانه و سیاست این زنها جدعاً باشد و محدود نباشد

این اگر افاس نیز وجود داشته باشد اما از اینجا به درستی این مسیر نمی‌رسد این مسیر هم را می‌توان میان صفحه نمایشی و زمینه دارایی ما تصور به خصوصیات کد در اینجا می‌توان این اسنی و نظمی را داشت.

بی‌عِدالیّه: نیکی تا نیکی خواسته باش

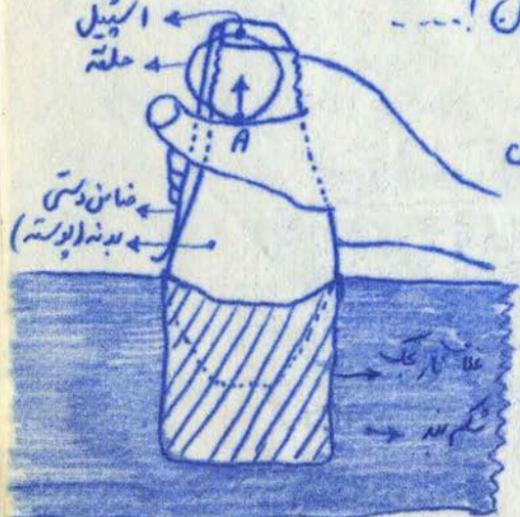
چنانچه برقرار رسانید و سلسله قدران رفاقتی را از آنها می‌گیرد

موجب ضریب این کنیتیا بیشتر از عکل دنای خواسته (مشیک نافر است) اصلاح کردن و پای
هر آنکه دیگر می‌مدد. این مسلم است که بر حال در این عمل آن روز زمانیک در موقع بیرون گردید
آن از غلاف، این سلیل بوسیله حلقه از جای خود بیرون کشیده بوده و با رفع آن مانع
از سر راه و لغت خناک داشت، این اولم را فهمند کنند (از بدهن نارنجک
فاصله کفرند) و روز تسبیح خواهی از این درست علی کرد که این از حین ماضی موصوب اینجا خواهد
نمود نهاده گردیده است. به تفسی و عدم مخالفت لازم است در بخور رسانیدن آنکه
خطا، اکنون موضع دیده می‌شود این بک مبارکاتی و... تهدید موثر کشیدن
نام بیک از غلاف که لسنتی نانیمید که از زر قدر بوده نه با توهم به مقدرات این انسانه
در بخور دو کاره ای قبل رفتن نیز اینجا روانا کمال دیگر از هنف را اینکه می‌دهد



لختاب اهنا نه بور (شیگ افاضی ندالت) که در کندر هم بعد از
 داخل تک نایلوں و پیپر لد و بولند و عرض آن دوبار عرض کی
 ختاب لد و بوده. چون سکم بند B باز A مناسب بوده که عازم خارج زدن
 از پا گذاشت بوده لعنه مگر اینکه دادگیری و محکمات است B را درست کنم بند خود را در دارد. در اینجا از
 ترین کار و طبیعت ترین کار آن بوده که A اسلام و نواریک B را در بازار اسلام و نواریک
 ناریک کسی خود را بگیر و دو ختاب بهم پیمده را بازگردد کی اراده اینکه اراده اینکه
 ختاب تکی خود دیگر را اراده اینکه این خبر شنیده از این خاصیت گذشت این اینکه A بر اینکی که به
 سبلکار / رساده گزین / بی رقی و ... و در تخلص نه کی برخورد لیسانسی او با پنجه های
 زنده ای را درین خواهد بطریکه و بدو حقه های این حصرت میگیرد و میگذرد و میگذرد و میگذرد و میگذرد و میگذرد
 در داخل چال یک ختابی بیشتر نداشته باشند که بعد از مرتب کننده از زنین نمایند (جا

فایل ۹ بارگیر خاک گشاد و بسته نامناسب بوده ولی برخال دو خاک هم در داخل آن جای نمی گرفته !) سین قسمی هم گذشت که دو خاک را به عنوان صدروت در بازتر از مکان اردو نماینچه را درجا خواهد کرد ! لذا نامناسب را از باز خود در آورد و دو خاک را در جای اول قرار خواهد داشت و می خواسته نارنج را اداخا / خاک خاک بگذارد از این سند سخت داخل میگذرد باعده از آن تردیک بین چنین از نارنج را داخل خاک بگذارد بمناسبت آن که دیگر بسته از آن نباشد ! که این طرح هم معتبر است و برسی خور ! و می خواسته نارنج را از خاک خاک بگذارد بمناسبت که با زور اول نمی شود در همین جا فرضی هم باشد هوسیار خود را در میان میگذارد و باعث علاج / در مقیمه نارنج خود را که رایج فراهم از نظری که متسابق با آن هم درست کرده ایم داشتیج بخواهد خود را این هم نهاد و بیرون نمیگذارد که آنکه این میان میگذارد و باعث علاج شود اما اگر دارو طور بیرون نمیگذارد امکان دارد آن دلیل همین است که باعث علاج نباشد آنما این با اینکه خود را در نارنج حلقة زره و باکس فی رضتین نارنج را او ایمه سبل لرز آن حلقة نارنج را ! از جاییں بیرون نمیگذرد . در آن دلجه و اسپیل مستقبل آن دلیل و تبعیه قصه بایهول ! ...



* پاورچی :

هر چله هم من میست با ذره مقاومت . با این سبک
میست درون بدنه نارنجیک سبک با این راز
نتعله هم نمی روئی و نمی نسبت با لایه حلقة دار و
می شود که همچوب بیرون کنیدن اسپیل
نمی شود .

تحمل ترین حالت که نیطرس نماید آن
استله موقع بیرون کنیدن نارنج
آنکه میان این میان میانی کلمل دوز از نارنج حلقة خود را نماید و نظرو اینکه کنیده آنکه

در اینی مسابق است که ذکر نونه ها را دستگیر از پورود A و باری سلاح ذکر ننمیم. صنایع از
قبل از این حادثه نسبت فنی دلیل مکانیزم دقیق نارنجی داشت و نسخه قطعات تحقیف
سازنده بیک نارنجک و اسماوان نیز این معاویت بیک این دلیل در موتعمله با خواهیم
از نارنجک استفاده ننمیم و حلقة آن را آنلایم، D قطعات مختلف بین نارنجک را از
هم باز متوجه دنبه A و C شدند می‌دارند. اینها محل نارنج را از سر نارنج باز کردند و
کسی مالوته نارنجک را شاهد حاصل انتشار است، ماده نارنجک را در جا نهی که به جنبه اینها
با از کرده و آنرا کنیا را علاوه بر نارنج دسترس دور باشد، D دوباره محل نارنج را پنهان
و بین A و C در همان اینجا با کیند حلقه میزان معاویت این دلیل را
موقع کشیدن و نیز دلیل که برای این کشیدن لازمت است اینها کشید که آنها نیز اینکله
راجع کنند. پس C مالوته نارنجک را آواره و D دوباره آنرا سبز چادر فروخته بیند آنها
A در حالی هنوز همانجا نسبت بوده بدوں آنکه مابین این دلیل توجه نکند و بدوں آنکه لا این
وقت قصد دلوباره کشیدن حلقه را در دربر این اطمینان کیباره بگیرند و اول کنند، با
خدوشی این م حلقة را لذ در دست خود کشیدند!! که D فوراً درست او را
چه گیرند و می‌گویند "چهارمی کنند؟! حالت چیست؟! مگر نه بدل مالوته را در دوباره سر
جاشیں و بخدمت می‌گردند" که A چیزی "ای... مگر مالوته را اهل سر بر جای این از این است؟!"
خداسم نبردو...! تو قیچی از این بقیل. هنوز هنوز دقیقت را این اینجا
ناچش گذاشتند بود و در حالت A و C و D هنوز دورهم نسبت بینند و در پورود
نارنجک و... صحبت نمودند و B نیز در کنار آن خواهد بودند، این دلیل
نیز در طبقه در طرف معاویت قرار گرفته باشد که نهاده آنکه این دلیل زیر طبقه و از
گرفت و در حقیقت این دلیل با این اتفاق در طرف معاویت قرار گرفت و این دلیل
در حقیقت با این دلیل که از زیر طبقه (نقشه A) وارد می‌شود و همچنان در طرف معاویت
آر شیو اسنده سازمان پیشکار در راه از ادی طبقه پیشکار

هذا رجك را از تقطهه از تقطهه دیگر اصلانم ترا آنکه ملزار در آنکه خود را
داخل حلقة نارخی کرد و آنرا ملبده کند و گویی دار را اباب باز را در میلا
"یو یو" باز را مکند آنرا حکمت می دهد که در حالیکه C و D ازین عمل اوست
و... لذت بولند فوراً نار رجک را از دست هاگلرند و D با وقار حمدیدند:
این آنکه بسیار رفته است، بینظیر رسید تو بفریده در خود را انبار
این لذت بیرون از بسیار خلناک است، از این پیغمد و قمی خواست بعث
منیت و هرگز بقدرت از اینچه و چه بینار رجک داشت تردن"
این اگر A لحظه از تقدیره کرد و زمان این احوال را می گذارد ملنت حلقة
کشیده شود برآمیز توانست تعجب که چه فاصله از رفع می دارد. اینکه کننه
شد C چه عذر، لوزنی تمام دارک و... آماهرا هنین تصور و هنین ایمانی بزین A
خطور نیست؟ این باصطلاح "خوشنیایی" او "سلی" و "روبا" یعنی "حق" و
"زیندا" یعنی بازیه؟ بیشتر خیلی خوب است "لیبرالیسم" نه تنها موحد این خوشنیایی باشد
اصولاً در آن این تحلیل ما هر جا این از "خوشنیایی" چه بزم ایز راه باشد تکلیف بروز
این لیبرالیسم است و هرگز "خوشنیایی" را مبنیان یک "صنعت مستقل بخود" یک مقوله
محبود و یک رئیسه اغراض نیستند. خوشنیایی همواره روزیا و تکلیف تفاوت کیم
زیندا و یک صنعت یا بیان دیگر من مادرد که در تحلیل ما و در سوره مسیح) که آنرا
بر اساس مهارتمن (صنعت A و همینطور B) این خوشنیایی تفاوت هر لیبرالیسم در آنها
ست کل اینست - نظامی است. بیشتر این لیبرالیسم از علم انسانی مسئول است
که دولت را حداکثر و ایند و مقوله آندرهم تردیک و در هم تقویت متعابیل دارند که
همواره یکی حاوی مقادیر معنی از دیگران را بازدید و محدود دلیل بر وجود
دیگر است.

(دوین ساله آیکه در جایل این ضربه پیش می خورد و مکاشفه ای که بجزیم بلکه ای
نمیان گفت بنهایی من تواند تمام ابهاد صنف اهلس را باشاند ده ساله مبارک
است : هر چنان اصولا این تعاریف مدارک در قبائل درید با جمیع گردد. اما
 وجود آن مدارک موحد دره پایکاه احباب نایز بیوده؟ چرا نفرینها همگونه
 پیش بینی ای برادرها قاع افکار ای الواقع ضربه ای ارزانه ای سرعیج تحمله سرعیج باشکاه
 و... نشده بوده؟ کدام فنت هر یک از اتفاقاتی که درده هر هر یک کوچه
 میزباند در پوچد آمدن حسن و صفت در بوز ختن ایستاده ای و نهایت ایجادگر ترمیمهای
 ایجاد ضربه شور بیوده؟

اوهاد حضر به سورت بود.
در این پیش رشکس هنگ که اینها را حضرتم کامل آشنا بابا لینیست و کمیت مدارک
اطلاعات لور فته من باشد این را می توان برآورد با زنگاهی به بیت مدارک
لور فته در یافت. لیس در دور دارک باشد بلکه و هو شفایی بینه کرد.
وجود چیزی از این مدارک خبری صنیع حساس از آن نباید از نظر اطلاعاتی
اصول آن مورر بوده و من پایت یا از بین هم رفته و یا بجا دیگر ارشاعی می شدند
اهم این مدارک عبارت بودند از:

۱- کلیدی تک رز بیس (ز ۲۴ ماه بوده) که ترد A باش ماند بوده و او کلید وجود
چنین چندر افزایش کرده بوده. جریان از این قارب بده که در او افزایش این که فارسی
شماره ۰۵ (محمود) هنوز روزانه فعالیت خود را مسئول مجمع A و B بوده باز نباشد
لیکن سرس رفته و یک کلید مخصوص بازگردان روزها را به او می دهد تا با هم
کلید روزها را بازگردد و با امکانات بالقوه، افزار، ... که در این روزها آمده
است در صورت امکان قدر را کردن بورن آنها و در صورت ضروری دستگیری ...
برخورد کند و یک لیر لازمه را از این مانع کند.

آنچنانکه از هر اعمال طلب خائنی چهل او آنطوره اور بایان فعل و بایان احساس مسوی
 کامل باشند و لینه برخورد کردند از سریمی دیرای رفع کلیف ظاهر برخورد کلیدها
 به A و B می دهد تا خود بازگشته و بینند چه مضر در درون آن فواید و فواید
 برخورد لازمه را گذشتند !! ولیمه حضرت آنرا هم در جو عالم گذاشتند ! A و B برخورد کلیدها
 اما گزینه مقدار از آنرا بازم کشیده رسمی از اطلاعات سرچشیده ناقص و عملی برای
 ملا استاده بوده (التبهنه بار ملیس !) و من دیگر هم کنم این استاده بوده به لیل
 ملا گلشنی A و B و مسمنی نکردن برخواه از برخورد بآن از طرف سولدمونی
 این زن متعجب و معطل می باشد که می کنند لذا در حابه بعد موظع را به محمودی گزینند و
 هم گزینید سیار خوب برخورد کلید را نگذارید تا من از زمان پیش سه کم که باشد باز هم چکار کرد !!
 (در حالکه خود با احتلال عین درگزین این بده و در دوران از هم توپیں کافی)
 با وداده هر چهار سیل همان ویت گرس اند این تاسیق فارش هدایت
 ای ای A و B نه در آن حد تی که محمود لغزمشان بوده و نه بعد از زدن او با ابطای
 مسئول بعد برخواه موظع را یعنی گزین کنید و من یک کووال استاده هم کنم کنند و بینقدرست با
 بایان احساس مسویت کامل نسبت به لسانی نه بگذری اسوان در این روزهای آمرده
 بوده نسبت به امکانات بالقوه مختلف خیلی نسبت به کار کنم تجهیزات آن گذالت
 شده بوده و ... - گلشنی خوب از زمان این را از اسوسی کشیده . فرار محمود و دومن
 زدن خواهی این اعمال طلب کاره ، خیانت کاره و می احساس مسویت های اتفاقی
 نسبت گوش اند از اینها و ... لیبرالیستی او از طرف سازمان برای A و B نیز باش
 هم گزد که این زنها نسبت بکاره بر سرگزندی اینها بآنرا مخفی دقت کند
 و ما یک دارس محبد و نقادانه تمام و کارت و رخورد ها و ... اور اور اکمال کند
 چه در این قدرست مدد این سرگزندی از خود برای غیر مسویت و اتفاقی و ...
 ارشیو اسناد سازمان پیش از این اتفاقی که برخورد کلید
 محمود را نجا طرد آورند و رئیسه عوامی کشاورزی از خود برخورد کلید نمی داشتند آن در همراهی از

A و B هستند که این رفرمایل داشتند بودند و من منع هنوز نداشتم و سطح بودند
 اندام نداشتند و این رهنهای آنها بزرگ نبودند * رفرمایل A و B که بودند اندام
 اندام همراه محملاتی خود را در کنار هم بودند اما بجز این فاصله اندام داشتند
 و شرط ۱۵ از بعد از واقعه انفجار بود که بطور آتفی و در جریان صدمت مبنیه در مرور
 سیمه رفرمایل ... باکمی از زمان و قدر کمیلیم نمیتوانند دارند لورقت بیاند A همانند
 تکمیل این کمیل دستگاه توانند نهیں از دفترچه رفرمایل را که همراه دارند دستگیر کرای افتاده باز
 کنند و هم نفعی نداشتند از اینکه اینها با القده و واژه اند ... که نوعی من توانند سوره
 انتقاد و همین وارکر نه مطلع گردند .

آندر مرور دفترچه رفرمایل : دفترچه میگذرد در فرقه بطور موقعی در این خانه باشند بودند
 و از این هنجه قبل کوار بودند که B آنرا تکمیل نمیگزند از اینکه زمان بعد از محبت و

* این رفقاء توانند رفرمایل را در دو محل جدا از این رفقاء در درون قلعه امن (با این راه در بخار)
 خارج از محل سکونت آنها کنند و هر دو نزدیم محل آنها را برآوردند تا در هنر نزدیم هر کدام توانند از این راه
 * اینکه چرا همچنان (با زیست) اسوانی که در جریان دارند رفرمایل دستگذار به محمرد نباشد
 (هر چند که محمرد هنوز خزانه اند نبوده و ما بعد از آن و با موقعیت هنر بدلند در دسته های)

سوال دیگر که از این مرور میگزیند تا هنر کل رفته باشند و اندام اسوانی باشد
 نیز وارد منطقه که با بدی خود این رفقاء مسئله را روشن کنند . البته این انتقاد را با این مسدود
 دید ، مسروط به بیمارگر تھاریاوس آنل هادتری که همه در این فرقه لیست محمرد
 و هم کفیض نبعد از فرار اند و زنگی کریم از نیل و در در جریان دستگیز این فرقه
 بودند سچله این دلائل تا حد تکمیل نمودند که اساز مال توانند بودند از این راه

تفصیلی این بین A و B و D قرار نموده بود که مکالمه رفاقتی دارد و سمت افراد دارد
دارای سلطه با این خانه بوده و بر صورت امتنان دارند در صورت وقوع یک هزینه و پیغام داشتن
هم به رفو هم به کلید دسترس پیدا کنند، بر این اینست بیشتر B این ذفتر میرا میگذرد
در کننه واکه غالب او نیست زمام در خانه اش هم مانند D برقفلات A و B کلید رفاقتی داشته باشد
و میتوانند در صورت پیش آمد که خطر فروآیدار را ازین بین ببرند از این رفاقتی داشته باشند.
ولی این لیل همچنان اتفاق نمیافتد و عدم احتمال مسؤولیت و عدم پیشگیری هارب B را نیکاریست
گردن این ذفتر را.

۲- یک شناس ای دیرا طبق مایک مرتبا نامه فوراً در درست اجر از ما پیش بگذراند این
شناس ای تز د A ۳- ۲ لفته بود که دیگر زانه بوده و میباشد سوزانه پرده
صوت در تفصیلی که همکنون قدرت قبل از هزار خردمند بوده آنرا بفرمائید
سوزانه هم گلدازه را میتوانند و این پایان همیان میتوانند همراه باشند بوده.

۳- نزدیک تدوین B در در دستور د صحبت برگشتم با او پاکنیس این نزدیکی را شدیده بوده
ولی C بر این طالعه همکنون ای اسما کلاه ایسته بوده ولی بعداز خواندن ازین نیز
که اینهم داخل پاکت سوزانه ها رسماً به بیان میشود.

۴- یک بگ فتن کنی کو اهل علامه دوستیخانه B که کمالاً زانه بوده واحداً این
هزار خوش باشید باقی بماند چون هم در دل کار گرفتن در کارخانه جعیم همین خود را وکر
آندر ای اطلاعات ملیس والز نیکیکاری مایه است کنند.

شناسنای محملی فعلی B که این باشید هر آن خودش باید و نباید فخر.

لباس کار آرم دار کارخانه B این لباس را B برای تغیر میانه آن ورده بوده در
حالیه در هر چهل کارخانه می توانند و من باشید با بردن لوزان و غیر تغیر کنند اما بعد از
تغیر لباس حدود ملایمه بوده که این لباس کار در متزل مانده بوده باشد ملیس باکتری
با این لباس که همیشگی که در کنده ای شناسنای محملی B که با هم ای اسما در کارخانه همکاری کرد

قرار داشته باشند از همها و سپاهی سران پیغام بکسر حکم کار او فی راه این طبقه، این امر مطلقاً میتوانست که B

باگذاران این روز کار خانه خود را نه بگیرد اهنجایی بگزین سلامتی خانه هنگامه
از کار خانه به خانه برخیزد است! مگر ملیس من توانید اداره عمل محل کارش
درستگیر کند؟ این خوبیهاش ب عدم امس مولتی در حفظ خود بدیگزی نماید و
که حق مرتعیکه هر کارخانه او خود را از ادمی خواهد که فورآ بایسن را بپردازد
با اورانیوم از کارخانه خارج شود او ساده لو خانه میگردید آفرانیکار که تنی خود
برخواهد! اورز راه آفرودت کارهای سفردا و پس فرامهم که تعطیل هستیم، شنیده از
روزگر! برای تغییر حساب و تراپ عادی! کارخانه را کارخانه هم آم!!

B سرتیفیکات معلم قبلی اس را (لورفتہ دلو غزنه) رهراه میک کارت تذاقی شرکی
همچنانست تسلیم لورفتہ که در زیرم کارت دیگر بلا استفاده خواهد بود) و مدار
کارخانه قبلاً همین ماهه اگر باز کرده بوده (گویا قصیده تکلیف ملکیت
مدارس هویت داشته است!) در حالتی من باشیت تذاقی ها و کارخانه و مدارس
لورفتہ را بایمود از ناید و با در صورت اکلاف اسم و مسیحیت آن را پاک کرده و بعابر
استواره محمد (خرد یاسین آزاده ساز دوپیش آنها راه رهایه تذاقی ها می باشد

استند ده دیگر از خانه خارج نماید و در محل امنی تسلیم رکمه.

۵- میک خانه خود را بفرموده که خانه خود را بفرموده که بیل پروفورد اتفاق نماید
که خونه رهیز بوده آنرا بر حمل آماده کرده بوده که بیل پروفورد اتفاق نماید
مس مس کار را در مالکه خود تقریباً همگذشت کارت تذاقی معلم نهاده آنرا
درست نمایند و با بعد از رفتن از این خانه با خودش بردازد خودش باله قا
بالاخوه برسک ملیس س افتد.

۶-

۱- نیما میست عده مدارس اخیر خواه بوده اند که اصولاً یا جزو باشیت قبله از
بنین رده هم گردند و طایار گذاشتند ملکه اند که جمع این مدارس اخیر اینجا رفته
با لفیح گردیده کنند. آناره در صورت باز رهیخانه با گهاهم همراه همین مدارس الملاعنه
او شیو. اسناد سازمان پیکاره در راه این ادعیه طبقه کارگر
و در جراحت فرامهم داشت که هدوت کالکار آنرا برهان و قیود از راند امامی باشد

مکر خواهی و ستم ملکه هنر پاییم که حق الامالهای نایخ گیرا قاره این مدارک بیت دوشن
باشد. بلکه این منظور خواهی ایط مشتغی در سازمان ما وجود داشته است آما
متوجهانه این خواهی ایشان گرده و عایت نزدیک بودند. مدارک اعزامی از مدارک
غیر از اینها حق باشد بودند و در فوت مسابق (اصحولاً رفاقت از آنها) استفاده
می کردند تا موقع سوزاندن هواز زیر باقی نباشد و لایه بوزاند) لذا اینها میگویند
که در نتیجه این ظرف از نایابیم (تنیل + یونولیت + تبریز) و تبریز باشد و بروج
دلی در اینها وضعیت بگذرن بود! :) قریب کیا به وشم بوره که A و B خانه های کافی
را آشی کرده بودند آما در این وقت مدارک اینها بصیرت نایابه بیرون
بگذرنده در جهان / بروج ها کارهای سوزاندن ها از تعییه داخل تکیه های اسلامی معمولی نخواه
شده بود که اسلام و هدایت هم داخل صحن حیدریان لذا اینها و در این اتفاق نه کسی
نمایند بعده بیضی بستراز او هاست که هر دور فنی سرکار بودند، حیدریان نزدیک معلم میری
خودش (که با هر کلیع چون ای ای و مصی بالینیا قیاف) درست میکنند قبل آنرا باز گردانند
که اینها در این مورد میگردند انتقام مددوه به A و B بریگزی گردانند را اینها پایی اصل
علیه و را ای خانه بوده اند. D آنها در ورزش قدر قدر را باید آنها بخواهند و
ستبدال ممالک پیش آنها مازد و حقیقت و رفعی میگردند رهن داده و ماند
او از دید صاحبی نه و سعادتی برین چشم بیاند. C نیز تهدید و هفته بوده ملک جمع
A و B و D پیشنهاد بوده و ملک اینها نااسب بودن خانه با یکها هم کار اصل او نیز
هر چه تزود را خانه ای جدید و انتقال زیقا باین خانه بوده است. نایابی معرفت اول
آنها مبتدا بر این پوسته از افت و آنها (سبک خواهی) C مطلع بودند و تازه بعد از
این تاریخی بوده که مجله ای موردنظر صاحبین این خانه شد و دیگر اور استبدال ممالک و
عاصی A میگردند. هدایتی در این مورد پیش از اینها بودند و آنها میگردند از A و B
آنها نزدیک و سیل دیو نوشی و آنها و... را از اینها و آنها میگردند از A و B

A و B و عنین بی احس سه مدلن هار خوش فیلم ها / تقدیم ضوابط زمانی و ...
من توان در میانش که پیشترین پیگیری C و D یزد من توالت مانع از بودا در
این ضریب شود حتی در کم کرد اما با ضریب نیز مانیات کم داشت ولی اگر برای اراده
در از حد نکند کنیم پیگیر کافی C و D در پرور رایجرا لیم اینست - نهایی و B عملی
نتایج قابل توجهی بهره خواهد داشت . بار روشن شدن پیغیر موظفیع من توان
منابع را دیگر از آنکه لیم رایجرا لیم اینست - نظری رفته است (می ۶) ... دلیل از کرد :
۱ - A و B دلیل نداران که بار او سن باره دو ترکیل کار خواهند شد اصولاً لیم
برای اگر قرن و داران سلامت خانه (خانه قبلی ها) هماناً میکند از کار خانه خانه برجسته
نمایند و هر دو ترکیل اطلع از سلامت خانه (مثلاً بروزگذر) که یکنفر اول
خانه بود و سلامت را برآز تقدیم نمیکند) آنکه وارد عیار نماید در این تکرارهای موقع نباشد
از قدر که در فیلم این بودند هنوز اول سلامتی اگر قرن و داران خانه را بایستی کردند
این زمانها با خوشبیانی مذکور کردند که لویا کس که کار خانه هم را دیگر خطا میسرمه
خانه اش نمیست و ... !

۲ - دلیل دلیل ماهیت که مابین خانه پاکیزه آمده بودند (قبل از آنکه CC باشند)
هنوز جمل سلامت مذاکرین بیار این خانه تقدیم نموده بوده بعلاوه ستم مطمئن و مذاکرین
هم برا رسماً قاع خوار تخلیه و محل محبوب رفقار را فتح نموده حکم دلیل مددکار از محلیه
بن مردو ... و خود نهاده . مثلاً محل خطریه مذکور خانه ترکیل بوده و مابین این هم نزد
۳ - ها ل هنوز ایجاد و ایجاد نموده سن A و B در مردو خانه نیز داشت رعایت نموده
من اسلی د و بار B نمود که قرن سلامت خانه که می باشد A بار او عیار زد و حق یکدربارا
و خود دیدل عالیت رفت A دلیل مشتل عالیت گشت لون ده خانه هم رو د .

۴ - A و B مدارک و اسلی هار اراده حد از که فقط دلیل فعل خدمانی سست و
ساده داشت نگذاریم که دلیل مک تقلیل و بیت فحکم می تواند در مدارکی که
کسی رعایت نمیکند میمید دaque لیم که خود را مخفی کارگیریا و دی اقتصادی علاوه بر این

با ستاجین و رای تغییں ساده آگاهی ها و یادزدرویا...) و معمولاً هم در خانهها
یا از جایی که انتداب نمود (بار اسلامیه گنبد) و یا از چیزی با خفت و بست محظوظ.
D دور زدن هار اویل که بجمع A و B وارد شده بود، همزورت ساقن تک جایزی ای
برای خود را دل اسلامیه هار در مواعظ مصلی کسی در خانه هشت و هر دو رفاقت بر کار هشتم
فرموده کیم چنانچه مطلع می شود A و B می پنداش که اینکار را تکینه
ولی بعد از مکی دو هفته که با وجود زنگ D کار در این مورد نموده بودند بالافاظ موضع
ساقن جایز / منتفع نموده و درین می خواهد از داشتن سبک آنکه چنانچه چنان
آمازه لعل اتفاق این رفاقت و عدم احساس مولیت لازم نمایند بعد از بالافاظ میانی
کیم بر که A و B و C و D برای کار خارج شوند اتفاق بودند B برای کنند خوب است این قدر
یک میره از در حق متروع بیرون این بروایت کنند در حالیکه نارنجک او در کمر نهاده گذشت
سل و در حال اتفاق نمود. D بادیل وضع نارنج و بت به B هم از این دیده
(بیا، بیا،...) ولی B می توهم به این اخلاق رها بعد از ۴ بار علاوه بر این بالافاظ
نارنجک از گوش روی زمین حس افتد در حالیکه - و مترا نظر فرمیک خانواده برای ازدیع
نشسته بودند. هوشمندانه کسی متوجه نارنج نمی شود و B آنرا فرآورده که نزد فرد
چنگذاشت. A و C و D که از این ~~حکایت~~ می خیانت ها و بایر گلوش ها را غیر مولانه B
ناراجت شده بودند با این تدبیر که همانجا در اینجا نمی کنند و - D هم گردید من
که بار بتوکنتم بیا، بیا،... ولی تو همچنین تو قبیل همین بندگان را نمی کنم. جایب اینها بودند
بخار آنکه B از این انتباها فاچیان خود مقننه سُعد فوراً در صدر تو صیکار از برابر
و بالخوبی کامل احمدی کی گفت "نخیر! تو سه بار گفت بیا و بار گفت" !!!

۴ - A و B بایر خود را هار و منفرد آن و غیر توره ای خود را صاحب خانه و ستاجین ای
شتر ایشانه بودند و در واقع خود ایشانه در حد لازم با آن بیوگلند را از آن اطلاع
او لیکه لازم را ایشان آورند / محله خود را با تکار و صیکار / منفرد و... در زخم آنها جا
ار شیوه ایجاد سار ایجاد در راه ارادی طبیعت خود
بیان نهادند و ملاصمه با جوستی باعیجه خود را در محل حایان نهادند. فن اسلیل آنها با شد

تهماستا جری که در آن اق مجاورش ل بوده (دضر حاجی و سو هرین) و درست کارا ماه
 ه باست دیگر چیزی بازکی دوست شده و جوشی فورانه نه که ملام و علیق قدر
 و خالی داریم اند در طالیه او عذر بر ز قلنس بوده و در تقدیر آدمی اهل معابر
 و بعل معروف "بجوس" بود. A و B از این بجا طنز قدر را راهت
 داشتند و حق B به بیانه سلیمانی بولن صیاط و بولن زن و ذقر در صیاط
 خنده نی باز در این آن اق و در ظرفی که براز فرع حامت C و D آشیده بود
 (چه آن نخسینه رفت و آن هم کردند و در پنجه از گرد مو تا آنجا بودند تراز
 شده بود که حق العقد در وجودشان در خانه لکتریسوس باشد) فرع حامت
 خنده بور!! این اتفاق بعد از ملایه هنوز شغل تمام استادیون (۹-۸-۷-۶)
 این داشتند و حق تمام آن را نهایتی می داشتند و مقصر که C هنگام ورود خانه
 بدریه از استادیون و سفل آنها و ... از A کوال کرد و انتکه پرآمیال خنده
 اطلاعاتی را بابت نیاورده اند A ما تبعیب بیاره "آ ف خطر ما سفل همراه
 باشیم؟" مجموعه بروزها برداشت از A و B و عدم بوسیه با اهل خانه
 و با اندیختن خاکب خود در خانه ورن و آن هم هارمه نمی دهد ... طبقتا باعث
 کنیکا وس شکر خانه از در صاف خانه و استاد بپلور کش شده بوده. این مشکلات صعنف
 و در عین از نکلین و عدم تربیه و محل سازی لازم و نسبت براز دقت و آدم C بجانه و
 کنیکوں مانند صیغه ناسب او در خانه باعث شد و حق آنها دوروز والز جمع تا عزوب در
 خانه مانده بوده صراحتی نه باوم تکلیف شود. اور صحبت بـB همکوی "آن سر
 خانه هم C - C - صیکاره است" هماس درخواست ... کتابی خوانده و ... نله
 فارز از فرماهار ... باره؟ النسبه من لیکه کارهای معلمین می رام کارگر نه هلات
 کار خانه هم اول دنیا ام اما ام ... "در طالیه اول کار خانه از زنها خواسته
 و نزدیک بوده بعلاوه کسی C را در حال مطلعه آش نماید بوده اللہ اوس نیمة
 ذ هنی از دستگیر شدید فریاد می کرد که در هم کوچک گشته داشت دارا بود.

نتیجه گیری و کسب تجربه از این ضریب:

این دادقه تقریباً همچنانه تجربه بود که از کاظم تا تسلیم بر اساس زمان همراه باشد.
هر فیض آنها باعکس وقت خود را نمایند که آنطور مانند روایت احتیاط اینها
کشیدن نارخیک چه علاوه‌ی می‌تواند داشته باشد، اتفاقاً باشد همچنان سوزاندن زبانها
از دارالغیر فروزانه‌ی جداسفت و یا نایابیم و وسیله آتش‌زدن دارالدراء در
موقع اضطرار را آماده داشت تجربه بوده است! خدا بعله از بعد از
رعایت تکریل آن تجربه آوراست ما نکته داریم این فیض مخفیون دارای درجه
اول را نباید جمع‌منود و با مردم تسبیب داریم سوزاندن خود را لفظیه نماید و
زیادی همراه از بین بردیز حرف تازه‌واردست، اتفاقاً ردی از محل کار خود را ندانند
نهایت در اینست، اتفاقاً نتیجه به نکته داریم دفتر صور فرزیا کلمه که همچو خلف است.

باداره من سردم با این احساس مولت و حاست و دره از اینسته باشیم و مثلاً
از این خارج خانه و در بار این پنهان گنیم (الله حمل آنرا خود نزدیکی نهاده) اتفاقاً
با درینت بسرپوشت امکانات این وغیره فیض این احساس مولت کرد
و... همچنانم تجربه بارجده این تواند باشد این مسائل مخفیون بر از اتفاقی که
در طبع مقول متعالست همکسره باشد مسائل میشون با انساده و اندوزه روش آن را
باشد. حالا این نوال میشون آنکه آن یا این ضریبهم چیز تجربه از دفع
نتیجه که از این اتفاقی که در این قدر باید گرفت:

"تا کیلو بسته و هر چه بیشتر بر مبارزه با لیبرالیسم امنیت نهاده در طبع زمان" می‌پلی
و از آنکه هر گونه لیبرالیسم از لایکاه هر طبقه یا قشری که باشد در این وطن از جمیعت
میشیم که بزر و ذرا کمتر از این را در طبع از این اتفاقی که در این دسته از اتفاقی
آرشیو اسناد سازمان پیکار خواهد از این طبقه کارگر

شیوه های آن در صفت منفع طبقات خود من مایل و در این و مدل از میان سازمان که گرایست بورزوالبرالی اخراج اصلی و خزانه در دولت کیلایانی با اینکیل در دهه در واقع آب پرآسیاب بورزوالبرال و نخن است به این مبارزه با لبرالیم امنیت نظامی واقعاً سعنی مبارزه با اخراج است بورزوالبرالی در پنهان تل امنیت و نظمی می باشد . مادریک رمله ضربات سنگی از اعمال طبلیل فراز این استول بنیم بورزوالبرال سازمان در دولت سالمون رمن کارلیس ما بکشم می خود لذا این وظیفه بدم تا در دنیه و حالت سالمون رمن کارلیس ما بکشم می خود لذا این وظیفه بدم تا در دنیه که با هدف شماره واحد مخصوص موقوت بورزوالبرالی و با از دل نیکی و داشت مارکسیست - لئنست خود در همچویی و گردش نظریه اخراج ایشانی در برای دولت خود و در سازمان مباریه و می رخانه ایکی مبارزه بورزوال خذیح *

یکی از این های مکرایست بورزوالی را مادر خود همین گروه تحصیل موسیت فرانسه راهی می شوند جمع A و B می بنیم و این اخراج را در پنهان تل امنیت - نظمی هنریکیه بتجھیل ایده و رؤایک - ناسنیک ضربه اقمار نارنیک و بوطیه رو دیر رسید کردیم . در واقع بورزوالیم A و B ماصود دستگاه زیادتر تحقیق مایه و آمرزش و در واقع بدآموزنگر محمود بوده است . معمول لعنی ایکی عامل خارجی نفس زیاد در راه گرایست بورزوالی در دنیه A و B داشته است و واقعیتاً همین بورزوالیم بوده که فخر به واقعه انتقام و گدری این ابعاد میں ضربه ایگر کند است . در واقع بورزوالیم نهادی امنیت - نظامی این رتفع ضربه خود را با یک بار مانعکب آور بازی . تجلیل این ضربه بار دیگر این نظر را که " آندیه سازی، ایکولوژیک" در دولت سازمانی در دهه ۴۰ ابعادی این خصائص اجرای تجارتی است که دغلال کاتلیک فوشن آلب کرد دام ***

* * * * * صفحه نهم
* در اینجا کلیک بر دیگر توفر رفته را به مکمل " فاخوال " دو طبقه کنفرانس کنفرانس از شیوه استاد سازمان پیچار در راه ارادی طبقه کنفرانس
سازمانی تعیین شده جلیب می کنیم www.peykar.org

تایید شکنند: «تاکنید بیتر ده مه بیتر بر عبارته بالیبرالیم اینست نلیزی در خانه^(۱) این عدد ترین و ملکه تنهای شده گیر ارزشند است که من تعالی و با یاران فریب گرفت. دو زیر مبنظر تاکنید بیتر بجاها از خواهاب اینس و نلیزی و سجاري که از گذشتند داشته و یکجا رذگر بجا باعث عدد اجر از آنرا در واقعه ذوق ضربه خورد، اهم این خواهاب و سجاري را من آورم تا اگر دلگوهه و کنار رسنل هنوز باشند رفقا یا گرد هدایت که آنرا اجر اینست لجه نکله بر عالم محبت است جول اگرچه استیاهای در این سوره بسیار فاصله بوده ولی سند غیر قابل عبور این رفعه را و این گوشه از رسنل را از سیر و سنه کران (به اینست کند) مسئلانه در فرع این استیاهای نهانیں بکوژند:

ا - حفر گیر از جمع زل مدارک زانه خفیه هدارک در صبا اول و خزانه فی در خانه:
 الف - تصنیفه مرتب و دوره از راه هفتاد و یاددا که هر دو فقهه یکجا رخا میاد
 د - انتشار سخنی، مدارک اعضا (بار سوین)، اینلیکه رانته دات ...
 ب - خزانه مدارک و خودات اخوان از من و در صبا اول (نمایه نشریات انس - نظامی) و از بنین بردن یار گردان آنرا در اسرع وقت.

ج - از بنین بردن مدارک هریت آقی و بردن انتقاده (که هم اگر آن اسم و مستقده است لور فته و باشد) و یا پاک کردن ~~کل~~ متنیست کان (ما ته نشانه باشانی) تا بر ای انتقاده همچه در صور یار گیران آنرا ده باشد.

د - کتابها و خودات معمولی و شلوغیک و ... - راسته هنون انداز مکان دیگر نامه نزدیک من کو اینم و مزدت مطلعه اش را دارم در خانه گذگار را شود. این نامه اینی تو صحبه من شود که رفعه یکبار دیگر نخیں "برقرار از از بید با کاسته از دستن" را از این تخلیل هزیس لکه "لدره هنر" آمده است. در آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه از ادی طبقه کارگر

زمان مسروط بین صلح ارتباط و امکان رفاقت (صلوچنگ) می باشد.

۲- هیچگونه از کارخانه یا محل کارها (فاسد کارت شدن یا بیش از پیش نباشد) برای رفتار که کارچه اوند باید در تبلیغ باشد.

۳- شناسنامه و مدارک هدیت علی عورت استفاده فعلی با (زنانه بگاهش) معافی، کارهای پر کن (...) تمام باشد همواره همه اهل باشد نادادرست

ضریب فرول پاگاهه بردیلی در لذتگاهی که مانع برخ از پاگاهه هستیم سنتهاست جعلی فعلی مالمه خود دلخوازان یا اظهار مفهومی قرار گیرم ...

۴- گذاشتن عکس در خانه بقیه علاوه بر از رفاقت که هدف نیست از آنها عکسی را
جدید و بازیابی کرده برای زنانه ایشان دریافت ندارد.

۵- داشتن نایالم و یک سنت مطمئن برای آتش زدن مدارک لذتگاهه نی در حواله احتفار*

۶- جدا ابرول ظرف و محل لوز زندنی ها از مدارک.

۷- حرا ابرول محل اسلام و محبه از ازدواج و نزدیقات و در کترس بوردن آنها.

۸- داشتن سنتی کامل و مطمئن برای حواله احتفار (اصبیه، آغلهی، وصل محمدی) حد اکثر هدیگرهاز تخلیه بمنوره فقط ...) دکترسل داشتن وزیر این سنت توسل مسئویتی

۹- داشتن حاساز/ مناسب مدارک و ... برای ازدواج که کارهای درین (حفلات برای علاج)

۱۰- بین ارجاع یعنی حبیت بنا به دلت زد یا آتنا باز و سببه کرد در حواله ضروری آن هم که بخواهیم نارنجک والاز علاطف بیرون میشیم باشد بگونه ای که در این زمان از اگرست و کنید که در صورت لغایت آنکه ایشان را درین بند زندگی نمی بینند و اینها

* در این مورد برشیفه ای و تجربه هایی و تجربه هایی و دستور العملی که در این سنت مطمئن لذتگاه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org